



ماهنامه آموزشی، تحلیلی و
اطلاع رسانی

معلم

ماه نامه
آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی
دوره سی ام
بهمن ماه ۱۳۹۰
شماره پیدری ۲۶۳

انقلاب اسلامی، آموزش و فرهنگ / ۲

بیداری / محمد رضا شفیعی کدکنی / ۳

شورایی به قدمت قرن (گفت و گو با مهدی نوید) / رمضان علی ابراهیم زاده / ۴

قانون تشکیل شورای عالی آموزش و پرورش / ۸

جلال الدین همایی / اسفندیار معتمدی / ۱۰

این گونه زیست کنیم / محمد حسن مکارم / ۱۲

مرکز تحقیقات معلمان اصفهان / ۱۴

موزه آموزش و پرورش اصفهان / ۱۶

آسیب های اجتماعی / مریم سلیمی / ۱۸

شهر بادگیرها / ویژه نامه آموزش و پرورش استان یزد / ۲۱

مدرسه فردا و دانش آموزان فردا / محمد رضا حشمتی / ۲۹

گوناگون / ۳۲

انرژی خورشیدی را دریابیم / ترجمه دکتر فرخ شادان، ابوالحسن حکیمیان / ۳۴

راهکارهای رشد تفکرات انتقادی در معلمان / معصومه طاهری، فاطمه سادات حسینی،

مرتضی شعبانی / ۳۶

معرفی کتاب / ۳۹

گامی در پژوهش / ۴۰

کوتاه درباره انگیزش / حسین باقری / ۴۲

فکر می کنید معلم کارآمدی هستید؟ / جاوید بزرگر / ۴۳

مدارس وزیری یزد / علی اکبر رئوف / ۴۴

خنده تعجب / حلیمه فاریابی / ۴۶

دوازده ماه و چوب معلم / مرتضی طاهری / ۴۶

روایت ساده تأسیس / جعفر شیخ الاسلامی / ۴۷

تغییر در روش ها، نه در ارزش ها / شهر بانو علیقلیان / ۴۸

مدیر مسئول: محمد ناصری

سر دبیر: جعفر ربانی

شورای برنامه ریزی و کارشناسی:

اسفندیار معتمدی، سعید قریشی، سید امیر رون، محمد هادی
نهادیان

مدیر داخلی: کبری محمودی

طراح گرافیک: حسین نوروزی

نشانی پستی دفتر مجله:

تهران - صندوق پستی ۶۵۸۶-۱۵۸۷۵ تلفن: ۸۸۴۹۰۲۲۹ - ۰۲۱

نشانی پستی امور مشترکین: تهران - صندوق پستی ۱۶۵۹۵/۱۱۱

تلفن: ۷۷۳۳۶۶۶ - ۷۷۳۳۵۱۱۰

وبگاه: www.roshdmag.ir

پیام نگار: moallem@Roshdmag.ir

تلفن پیام گیر نشریات رشد: ۸۸۳۹۲۳۲ - ۸۸۳۰۱۴۸ - ۰۲۱

کد مدیر مسئول: ۱۰۲؛ کد امور مشترکین: ۱۱۴

شمارگان: ۶۵۰۰۰ نسخه

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

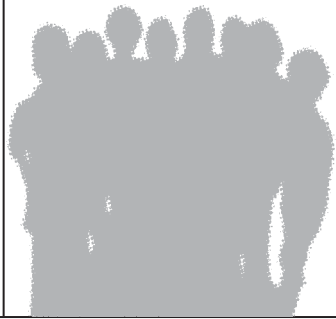


وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات مجله علمی

آثار ارسال برای درج در مجله
با ویژگی های زیر قابل بررسی است:

قابل توجه
نویسندگان محترم

- قبلاً جای دیگری چاپ نشده باشد.
- دارای چکیده و منبع باشد.
- ترجمه ها هم خوان و همراه با متن اصلی باشد.
- از نظر موضوع، نو و کاربردی باشد و قابلیت تعلیم در مدرسه را داشته باشد.
- خوانا، روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد.
- در کاغذ A۴ و یک روی کاغذ نوشته شود.
- مقاله ها حتی الامکان دارای جدول، نمودار و عکس مناسب باشد.
- مجله در قبول، رد، ویرایش و تلخیص آثار رسیده آزاد است.
- آثار ارسال با ذکر فایده نمی شود.



انقلاب اسلامی، آموزش و فرهنگ

یکی از نویسندگان معاصر ایران جمله زیبایی دارد. وی می گوید: «دو با فرهنگ، یکی در چین و دیگری در تگزاس، زبان یکدیگر را بهتر درک می کنند تا دو برادر که از فرهنگ بی بهره اند.» این سخن بیانی است از بیت مشهور مولوی بزرگ که:

ای بسا هندو و ترک هم زبان
ای بسا دو ترک چون بیگانگان
پس زبان هم دلی خود دیگر است
همدلی از هم زبانی بهتر است

در سال های اخیر که سخن از تحول در آموزش و پرورش به میان آمده و کارهایی هم در این زمینه صورت گرفته است، و از چشم گیرترین آن ها تبدیل دوره های سه گانه فعلی مدارس به دو دوره ابتدایی (۶ ساله) و متوسطه (۳+۳ ساله) است، از فرهنگ و توسعه فرهنگی کمتر سخن گفته شده است و این رکن رکن ساختن هر ملت، مغفول مانده است.

به نظر می رسد کارشناسان و مدیران این حوزه بیشتر درگیر بحث و بررسی اهداف، اصول، منابع فلسفی و دینی، طراحی دوره های تحصیلی و تدارک اجرای برنامه ها بوده اند و لذا مجال نیافته اند به فرهنگ که به تعبیری، روح پنهان یا جان مایه آموزش و پرورش است، بپردازند. شاید این انتظار زیادی تلقی شود، چون فرهنگ از عوامل و پارامترهای بسیار متنوع و در هم تنیده ای تشکیل می شود که به سهولت دیگر بخش های آموزش، نمی توان به آن ورود کرد؛ پارامترهایی مثل علم،

اقتصاد، آموزش، بهداشت، توسعه فناوری، زبان آموزی، عام از زبان مادری و زبان بیگانه- شهرنشینی، شغل، مهاجرت، مصرف گرایی، رشد تولید، انبوه شدن ثروت، رسانه های جدید، مطبوعات، سنت پذیری، سنت گرایی، تجددطلبی، تجددستیزی، هنر، عدالت، فقر و غنا، اخلاق، روابط خانوادگی، قومیت و بسیاری عوامل دیگر، هر یک جزئی از به اصطلاح «موزاییک» فرهنگ جامعه اند که اگر نخست در تعامل و سپس در تلاطم یا هماهنگی با هم قرار نگیرند، ناهنجاری فرهنگی را سبب می شوند که خود منشأ ناهنجاری های دیگر خواهد بود، که ما جلوه هایی از آن را با شدت یا ضعف، همواره در گوشه ای از جامعه خود مشاهده می کنیم. آموزش و پرورش اگر از فرهنگ بی بهره و بی مایه بماند، فقیر می شود و چه بسا به ضد خود تبدیل شود. در حال حاضر، نیاز به طرح مباحث فرهنگی و بویژه ارتباط اجزای گفته شده با یکدیگر- که مقوم فرهنگ کلان هستند- بیش از پیش احساس می شود. اما در جامعه دینی در این عصر، به فرهنگ چگونه باید نگاه کرد؟ اکنون سال هاست - بویژه بعد از انقلاب اسلامی- که هرگاه

سخن از تعلیم و تربیت پیش می آید، بیت الغزل همه سخنان ما این است که «تزکیه یا تهذیب، مقدم بر تعلیم است»، که البته در اصل حرفی صحیح و مبتنی بر آموزه های قرآن کریم است و در آن تردیدی نیست. اما جان کلام این است که ما همواره و یا در اغلب موارد، «تهذیب» یا «تزکیه» را به اخلاق و آن هم «اخلاق فردی» منحصر و محدود می کنیم و به وجه اجتماعی آن نمی پردازیم و مشکل از همین جا آغاز می شود. اما یک فرهنگ شناس مسلمان که دانای به معارف قرآن کریم، سنت الهی و سیره نبوی و ائمه اطهار علیهم السلام است و از سویی به جامعه و جهان نیز نگاهی معاصر دارد، به قضیه این طور نگاه نمی کند. او مسئله تهذیب و تزکیه را بسیار فراتر از سلوک فردی و ادب شخصی می داند. در زمانه ای که سازمان ها و نهادهای عظیم جهانی بر جوامع بسیار سریع تأثیر می گذارند و مثلاً با عرضه تنها یک اختراع جدید، برای مدت ها خود را به مشغله فکری جمعیت کثیری از انسان ها در سراسر جهان تبدیل می کنند، بحث از تحول در آموزش و پرورش نمی تواند بی توجه به امر فرهنگ صورت گیرد. کافی است مسئله فرار یا مهاجرت مغرمانه تنها در ایران، بلکه در همه کشورها- از نگاه فرهنگی مطالعه شود تا معلوم شود علت این پدیده، بیش از آن که جغرافیا، اقتصاد، فقر و مسائلی از این قبیل باشد، مسئله فرهنگ است.

انقلاب اسلامی ایران که در این ماه سی و سه سال از تولد آن می گذرد، بیش و پیش از هر چیز، حاصل نوعی تحول فرهنگی بود. می دانیم که انقلاب اسلامی با شعارهای سه گانه «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» پا گرفت و به پیروزی رسید و در نهایت در قالب قانون اساسی جمهوری اسلامی تبلور یافت که خود راهگشای حل بسیاری از مشکلات و معضلات ما در سه دهه اخیر بوده است. اما از این که بگذریم، نفس انقلاب به گونه ای، به ایجاد تحول، آزادی، آزادی و بیداری تاریخی و هویتی در آحاد مردم ایران انجامید که اگر در جامعه هنوز بالندگی و نشاطی وجود دارد، ناشی از همان تحول است. روشن است که آن نشاط و بالندگی اگر در مسیر رشد، آزادی، دیانت، خلاقیت و در یک کلمه در مسیر فرهنگ- که طبعاً فرهنگ اسلامی خواهد بود- جریان نیابد، به مرور زمان دچار رکود خواهد شد.

حاصل کلام این که، مدارس ما فراتر از این که فعلاً محلی برای آموزش اند، نیازمند «فرهنگ» نیز هستند؛ همان فرهنگی که «جان» و «روح پنهان» آموزش است و آموزش بدون آن هم چون جسدی بدون روح است. در این زمینه سخن بسیار است و این قصبه سردراز دارد. از معلمان و کارشناسان فرهیخته ای که به این مقولات می اندیشند، انتظار داریم با ما هم نوا شوند.

سردبیر



- صبح آمده است برخیز
(بانگ خروس گوید)
- وین خواب و خستگی را
در شط شب رها کن.

مستان نیم شب را
رندان تشنه لب را
بار دگر به فریاد
در کوچه ها صدا کن.

- خواب دریچه ها را با نعره سنگ بشکن
بار دگر به شادی
دروازه های شب را، رو بر سپیده وا کن.

بانگ خروس گوید:
- فریاد شوق بفکن

زندان واژه ها را، دیوار و باره بشکن
و آواز عاشقان را، مهمان کوچه ها کن.

- زین بر نسیم بگذار
تا بگذری از این بحر

وز آن دو روزن صبح
در کوچه باغ مستی
باران صبح دم را
بر شاخه اقاقی
آیینۀ خدا کن.

- بنگر جوانه ها را، آن ارجمندها را
کان تار و پود چرکین، باغ عقیم دیروز
اینک جوانه آورد.
بنگر به نسترن ها
بر شانه های دیوار،
خواب بنفشگان را
با نغمه ای در آمیز
و اشراق صبح دم را، در شعر جویباران
از بودن و سرودن
تفسیری آشنا کن.

- بیداری زمان را
با من بخوان به فریاد؛
ور مرد خواب و خفتی،
«رو سر بنه به بالین، تنها مرا رها کن.»

محمد رضا شفیعی کدکنی

• این مصرع از مولوی است



شورای به قدمت قرن

رمضان‌علی ابراهیم‌زاده گرچی
یونس باقری

اشاره

گفت‌وگویی که متن آن از نظر تان می‌گذرد، با مهدی نوید، دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش انجام شده است. شورای عالی بالاترین نهاد تصمیم‌گیری در وزارت آموزش و پرورش است و مصوبات آن در حکم قانون اجرایی‌شود.

مهدی نوید که از آغازین سال‌های انقلاب اسلامی تا امروز در وزارت آموزش و پرورش خدمت کرده، از مدیران عالی‌رتبه این وزارت‌طی این سال‌ها بوده است. وی مدیریت کل امور فرهنگی - هنری معاونت پرورشی، معاونت سازمان نوسازی و تجهیز مدارس، معاونت سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و سپس ریاست آن را در کارنامه خود دارد و اکنون سه سال است که دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش است. در گفت‌وگوی حاضر، وی به پرسش‌های ما درباره ساختار شورای عالی آموزش و پرورش، وظایف این نهاد، سند ملی آموزش و پرورش، برنامه درسی ملی، جایگاه قرآن و معارف قرآنی در سند ملی و برنامه درسی ملی و پاره‌ای از مسائل دیگر، پاسخ داده است. با تشکر از ایشان، شما را به مطالعه متن گفت‌وگو دعوت می‌کنیم. رشد



□ دربارهٔ سابقه، قدمت و وظایف «شورای عالی آموزش و پرورش» برای ما بگویید.

□ بسم الله الرحمن الرحيم. شورای عالی قدمتی حدود ۱۲۰ سال دارد. در سال ۱۳۱۵ هجری قمری «انجمن معارف» زیر نظر علی میرزا علی خان امین الدوله، صدراعظم مظفرالدین شاه در ایران تشکیل شد. این انجمن بعداً در زمان امین السلطان با نام «شورای عالی معارف» و با حضور فرهیختگان فرهنگ و ادب تشکیل یافت که وظیفهٔ آن سیاست گذاری در حوزهٔ فرهنگ، هنر، معارف و آموزش برای کشور بود.

بعداً که در زمان پهلوی اول «وزارت فرهنگ» تأسیس شد، نام شورا هم به «شورای عالی فرهنگ» تغییر یافت تا این که در سال ۱۳۴۳، وزارت فرهنگ به سه وزارتخانه تقسیم شد: وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم و وزارت فرهنگ و هنر. در این تقسیم بندی، شورای عالی فرهنگ به وزارت آموزش و پرورش پیوست. این انتقال نشان می دهد که تصمیم گیران و سیاست گذاران وقت، به نقش مؤثر وزارت آموزش و پرورش در رشد و تعالی کشور توجه داشته اند. نام شورا این بار نیز تغییر کرد و شد «شورای عالی آموزش و پرورش».

در دورهٔ اوج گیری انقلاب اسلامی، کار شورا به مدت یک سال و نیم تعطیل شد تا این که در اولین فرصت پس از پیروزی، در قانون شورای عالی بازنگری شد که در این کار افرادی مانند شهیدان دکتر محمدجواد باهنر و محمد علی رجایی به همراه مرحوم دکتر یدالله سبحانی و نیز دکتر حسن حبیبی، نقش داشتند. بالاخره شورای عالی کارش را در سال ۱۳۵۸ آغاز کرد و تا امروز هم چنان به فعالیت خود ادامه می دهد.

به این نکته نیز اشاره کنم که در دولت نهم، وقتی موضوع انحلال و ادغام شوراهای عالی مطرح شد، شورای عالی آموزش و پرورش نه ادغام شد و نه تعطیل. نکتهٔ دیگر این که چون قانون شورای عالی مصوب مجلس شورای ملی قبل از انقلاب بود، پس از سال ۱۳۵۷، ابتدا شورای عالی انقلاب فرهنگی و سپس مجلس شورای اسلامی قانون شورای عالی آموزش و پرورش را که بازنگری شده بود، تصویب کردند. یک بار دیگر هم، در سال ۱۳۸۰، مجلس در این قانون تغییر جدی به وجود آورد و با این تغییر، به دلیل نقشی که شورای عالی باید داشته باشد، شورا ارتقای تشکیلاتی و سازمانی پیدا کرد. از جمله، ریاست شورای عالی آموزش و پرورش به ریاست جمهوری سپرده شد. وزیر آموزش و پرورش نیز عضو جلسه است.

□ اعضای حقوقی و حقیقی شورا چه کسانی هستند؟

□ وزیران فرهنگ و ارشاد اسلامی، علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، صنایع، جهاد کشاورزی، آموزش و پرورش، و نیز معاون رئیس جمهور در سازمان برنامه و بودجه (معاونت راهبردی) عضو شورای عالی اند. دیگر اعضا عبارت اند از: یک نفر مجتهد آشنا به تعلیم و تربیت اسلامی (معرفی از طرف شورای مدیریت حوزهٔ علمیه قم (اکتون حجت الاسلام دکتر مصباحی مقدم عضو شورا است)؛ نمایندگان فرهنگستان های سه گانهٔ کشور (زبان، علوم، هنر)؛ سه نفر کارشناس برنامه ریزی و مدیریت آموزشی؛ سه نفر از مدیران و معلمان وزارت آموزش و پرورش.

در قانون، شورای عالی چنین تعریف شده است: «که شورا

مرجع سیاست گذاری در حوزهٔ آموزش عمومی و متوسطه است. تمام تصمیمات اساسی و اصلی در شورا گرفته می شود. وقتی تصمیمات به اعضای رئیس جمهور و وزیر آموزش و پرورش برسند، و جاهت قانونی می یابند و قابل اجرا هستند و تخطی از آن، تخطی از قانون به حساب می آید.»

ضمن ابلاغ مصوبات شورای عالی برای اجرا، از سوی رئیس جمهور، پس از آن صورت می گیرد که به امضای وزیر و دبیر کل شورا رسیده باشد.

□ جایگاه دبیر کل کجاست و چگونه انتخاب می شود؟

□ دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش از نظر پست سازمانی، در ریف معاون وزیر قرار دارد. دبیر کل به پیشنهاد وزیر آموزش و پرورش و تأیید شورای عالی، با حکم رئیس جمهوری منصوب می شود. رئیس جمهوری در میان اعضای شورای عالی، فقط برای وزیر به عنوان منشی جلسات و دبیر کل شورای عالی، حکم صادر می کند. احکام سایر اعضا را دبیر کل شورا ابلاغ می کند

□ ارتباط شورای عالی با مجلس شورای اسلامی چگونه

برقرار می شود؟

□ دو نفر نمایندهٔ مجلس شورای اسلامی از طرف مجلس به شورای عالی معرفی می شوند. این دو تن که حق حضور در جلسات شورای عالی را دارند، علاوه بر نظارت بر کار شورا، وظیفهٔ ایجاد هماهنگی بین شورای عالی و مجلس شورای اسلامی را بر عهده دارند. تمام طرح ها و لوایح مربوط به وزارت آموزش و پرورش، قبل از طرح در صحن علنی مجلس، باید در شورای عالی آموزش بررسی و تأیید شوند. همان طور که گفتم شورای عالی آموزش و پرورش تنها نهادی است که مجلس شورای اسلامی، بخشی از اختیارات قانون گذاری خود را به آن تفویض کرده است تا مطابق نیازهای آموزش و پرورش تصمیم بگیرد. از این جهت، تصمیم شورای عالی حکم قانون را دارد. البته شورای عالی هم ذیل قانون مجلس و مصوبات هیئت دولت، تصمیم گیری می کند تا معایر آن ها مصوبه ای نداشته باشد.

□ مدت عضویت اعضا در هر دوره چند سال است؟

□ چهار سال.

□ دربارهٔ فرایند بررسی طرح ها و پیشنهادها نیز توضیحی

بفرمایید

□ شورای عالی آموزش و پرورش، متشکل از پنج کمیسیون بدین شرح است: ۱. کمیسیون برنامه ریزی درسی؛ ۲. کمیسیون توسعهٔ منابع انسانی؛ ۳. کمیسیون خط مشی ها و اهداف؛ ۴. کمیسیون قوانین و مقررات؛ ۵. کمیسیون معین.

ترکیب کمیسیون ها و شرح وظایف آن ها را هیئت وزیران تأیید کرده است. هر کمیسیون ۱۵ تا ۱۷ عضو دارد. تعداد زیادی از اعضای کمیسیون ها را مدیران بخش های ستادی وزارت آموزش و پرورش تشکیل می دهند و تعدادی از دستگاه های بیرون از این وزارتخانه نیز نماینده ای در کمیسیون ها دارند. کمیسیون ها معمولاً هر هفته جلسه دارند، اما برخی از کمیسیون ها یک هفته در میان تشکیل می شوند. معمولاً موضوع های مورد نیاز را معاونت

□ شورای عالی قدمتی

حدود ۱۲۰ سال دارد. در

سال ۱۳۱۵ هجری قمری

«انجمن معارف» زیر نظر

علی میرزا علی خان

امین الدوله، صدراعظم

مظفرالدین شاه در ایران

تشکیل شد. این انجمن

بعداً در زمان امین السلطان

با نام «شورای عالی معارف»

و با حضور فرهیختگان

فرهنگ و ادب تشکیل

یافت که وظیفهٔ آن

سیاست گذاری در حوزهٔ

فرهنگ، هنر، معارف و

آموزش برای کشور بود

□ در سال ۱۳۴۳،

وزارت فرهنگ به

سه وزارتخانه

تقسیم شد: وزارت

آموزش و پرورش،

وزارت علوم و وزارت

فرهنگ و هنر. در

این تقسیم بندی،

شورای عالی

فرهنگ به وزارت

آموزش و پرورش

پیوست

■ در دولت نهم، وقتی موضوع انحلال و ادغام شوراهای عالی مطرح شد، شورای عالی آموزش و پرورش نه ادغام شد و نه تعطیل

ذی‌ربط وزارت آموزش و پرورش در کمیسیون مربوط مطرح می‌کند. این موضوع‌ها پس از آن‌که بررسی و تأیید شدند، طبق روال مقرر در دستور کار شورای عالی قرار می‌گیرند تا پس از طی مراحل، به قانون تبدیل شوند.

□ در شورای عالی، هر طرح پس از بحث و بررسی، با چه نسبت از آراء به تصویب می‌رسد؟

□ سعی اعضای شورای عالی این است که تصمیمات با توافق کلی و به روش اقناع اعضا گرفته شود. البته در نهایت رأی‌گیری هم صورت می‌گیرد. طبق قانون، هنگام بررسی هر موضوع، ابتدا دو نفر مخالف و دو نفر موافق، آرای خود را بیان می‌کنند. بعد شورا به بحث می‌پردازد و در نهایت تصویب یا عدم تصویب را با دادن رأی اعلام می‌کنند که ملاک تصویب رأی مثبت اکثریت اعضاست.

□ با توجه به وظایف مهم دبیرکل شورای عالی وزارت آموزش و پرورش، آیا او نسبت به عملکردش پاسخ‌گو هم هست؟

□ البته؛ دبیرکل باید در قبال عملکردش، به وزیر آموزش و پرورش، شورای عالی و رئیس جمهور پاسخ‌گو باشد. دبیرخانه شورای عالی مستقل از واحدهای آموزش و پرورش است و زیر نظر شورای عالی عمل می‌کند. در واقع، دبیرخانه با نقطه‌چین به ساختار تشکیلاتی وزارت آموزش و پرورش وصل است و با نهاد ریاست جمهوری نیز ارتباط دارد.

□ بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، تاکنون برنامه‌های کلان آموزش و پرورش، مدتی بعد از اجرا تغییر کرده‌اند. به نظر می‌رسد طرح و برنامه‌هایی که در آموزش و پرورش به مرحله اجرا می‌رسند، براساس مطالعه و نیازسنجی دقیق تدوین نمی‌شوند. به همین علت، برنامه‌ها در این نهاد مستقر نمی‌شوند، یا با انتقادهای زیادی مواجه و از رده خارج می‌شوند. چرا؟

□ موضوع‌های کلان و تحول‌آفرینی که در دستور کار شورای عالی قرار می‌گیرند و بعد به صورت قانون تصویب می‌شوند، دو دسته‌اند.

یک دسته، طرح‌هایی که براساس نیاز بخش‌های متفاوت وزارتخانه به شورای عالی ارسال می‌شوند. برای مثال، اگر بخواهند درسی را به برنامه یک کلاس یا پایه اضافه کنند، یا نمره امتحانی را از وضع ارزش‌یابی تراکمی به شیوه توصیفی تغییر دهند، کار مطالعاتی اولیه در معاونت‌های اجرایی انجام می‌شود. سپس براساس نیاز در حوزه اجرا، به صورت طرح درمی‌آید و در اختیار وزیر قرار می‌گیرد. اگر وزیر صلاح دانست، آن طرح را به شورای عالی می‌فرستد. پس معاونت‌ها نمی‌توانند به‌طور مستقیم طرح‌های خود را برای شورا بفرستند.

وقتی طرح به شورا رسید، ابتدا در کمیسیون‌های شورای عالی، همه ابعاد آن، از جمله نیاز و ضرورت آن براساس پشتوانه پژوهشی و تحقیقی بررسی می‌شود. اگر کمیسیون به این جمع‌بندی رسید که پیشنهاد لازم است، همان متن ارائه شده، یا اصلاح شده آن، در کمیسیون تنظیم جدیدی به خود می‌گیرد. معمولاً در کمیسیون‌ها تغییرات جدی در طرح‌های پیشنهادی به وجود می‌آید و آن‌گاه در دستور کار اعضای شورای عالی قرار می‌گیرد. شورا نیز پس از

بررسی و بحث، آن را به رأی می‌گذارد و یا رد می‌کند. دسته دوم موضوعاتی است که وزیر آموزش و پرورش یا اعضای شورای عالی، و یا حتی دبیرخانه می‌توانند در شورا مطرح کنند. اگر اعضای شورا بخواهند این کار را بکنند، باید حداقل هشت نفر، موضوع پیشنهادی را در قالب طرحی ارائه دهند. طرح‌های پیشنهادی برای رئیس جمهور به عنوان رئیس شورای عالی فرستاده می‌شوند و ایشان به وزیر، به عنوان منشی جلسات شورای عالی، دستور می‌دهد که طرح را در دستور کار شورا قرار دهد.

این جریان نشان می‌دهد که فرایند کار شورای عالی، متناسب با نیازها در قانون طراحی شده است و کارشناسانه دنبال می‌شود. اما به سؤال شما درباره تغییر و تحولات مورد اشاره باید پاسخ کلی‌تری داد، اولاً خوب است بدانیم که تغییر در آموزش و پرورش امری اجتناب‌ناپذیر است. چرا؟ به این دلیل که آموزش و پرورش پل ارتباطی بین جامعه و نسل جوان است و آن‌چه را امروز به عنوان موارث فرهنگی جامعه در اختیار دارد، باید به زبان نسل جدید (امروز) ترجمه کند و در اختیارشان قرار دهد تا این نسل را برای زندگی مناسب در آینده آماده کند.

موارث گذشته ما همان یافته‌ها و دستاوردهای گذشته هستند. اما امروز در محیطی به سر می‌بریم که تغییرات و تحولات در آن به‌طور دائم اتفاق می‌افتد. این تحولات از گسترش بیشتر و سرعت فزون‌تری نسبت به دوره‌های گذشته برخوردارند و لذا تار و پود زندگی فردی و اجتماعی ما را تحت تأثیر قرار داده‌اند. آموزش و پرورش پویا آموزش و پرورشی است که متناسب با این تحولات محیطی، خود را به روز نگه دارد و دانش‌آموزان را برای مواجهه با محیط متحول آینده آماده کند. لذا این شعار جدی همه آموزشی و پرورشی‌هاست. یکی از نقدهای جدی که به آموزش و پرورش وارد می‌شود، این است که این نهاد یا دستگاه قدرت همراه شدن با تحولات را ندارد.

□ اصل تغییر پذیرفته شده است، اما پرسش برمی‌گردد به تغییراتی که در بطن خود، اعتراض‌ها و انتقادهای را پرورش می‌دهند. همه ما تغییراتی را که در دوره‌های قبلی به وجود آمد، به یاد داریم. و شما می‌دانید که هنوز این تغییرات در حال اجرا بود که اعتراض و انتقادهای از درون آموزش و پرورش شروع شد؛ چرا چنین اتفاقی می‌افتد؟

□ ممکن است به بخشی از تغییرات نقدی وارد شود و من این را نفی نمی‌کنم. با این حال باید گفت که آن تغییرات در زمان خود تغییرات خوبی بوده‌اند و من از آن‌ها در آن زمان دفاع می‌کنم. مثلاً ایجاد دوره پیش‌دانشگاهی در زمان خودش تغییر خوبی بود و قابل دفاع. زیرا در آن سال‌ها آموزش و پرورش مشکل جدی داشت. حدود ۳/۵ میلیون نفر پشت کنکوری داشتیم، و هیچ راه دیگری غیر از ایجاد دوره پیش‌دانشگاهی قابل تصور نبود. اما در حال حاضر به دلیل تحولات جدید، فلسفه وجودی پیش‌دانشگاهی توجیهی ندارد. زیرا ظرفیت پذیرش در دانشگاه‌ها افزایش یافته است.

□ درباره ترمی - واحدی و ترمی - سالی کردن نیز انتقادهای بعد از مدتی مطرح شد. مسئله «پنجره‌های باز» در همین ارتباط صدای همه را درآورد و به میان خانواده‌ها کشیده شد. زیرا



در میانه کار مدارس، دانش آموزان کلاس نداشتند و آزاد بودند که مدرسه را ترک کنند، در حالی که کسی نمی دانست کجا می روند و چه کار می کنند. آن زمان از این تغییر هم به عنوان تغییر اساسی و لازم باد می کردند، در حالی که مشکلاتی اساسی همراه داشت. آیا همه جانبه نگری در این تغییرها هم وجود داشت؟

□ باز هم من مشکلات را نفی نمی کنم. موردی که اشاره کردید، تصمیم شورای عالی انقلاب فرهنگی بود و شورای عالی آموزش و پرورش دخالتی در آن نداشت. اصلاً در برخی از تصمیم های که نهادهای عالی قانون گذاری گرفته اند، چه شورای عالی انقلاب فرهنگی، چه مجلس شورای اسلامی و چه وزارت آموزش و پرورش، مشخصاً کارشناسی همه جانبه و متقن انجام نشده بود. در همین موردی که اشاره کردید، کلیات تغییر نظام آموزشی به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده بود که برخی از ناکارامدی ها در آن وجود داشت؛ حتی در اجرا. همین جا یادآور شوم که متأسفانه این کاستی فراگیر هنوز هم وجود دارد. در مواردی کشور براساس قوانین و مقررات و

طرح های مصوب جلو نمی رود، چون، سلیقه های مدیران ارشد در اجرا دخالت می کنند. در آن دوره، تغییر در نظام آموزش و پرورش در اصل به گونه ای طراحی شده بود که از دوره ابتدایی شروع کنند و سپس آن را به دوره های تحصیلی بالاتر تسری بدهند. اما وقتی به مرحله اجرا رسید، مدیران، البته بنابه دلایلی که خودشان داشتند، تصمیم گرفتند از دوره متوسطه آغاز کنند که مغایر بود با آنچه تدوین و تصویب شده بود. یعنی مدیران به حد کافی به طرح و برنامه مصوب وفادار نبودند. البته به دلیل همان شرایط و مشکلاتی که اشاره کردم.

این جا باید به نکته دیگری هم اشاره کنم. برخی از کارهای جاری وزارت آموزش و پرورش هم در دستور کار شورای عالی آموزش و پرورش قرار می گیرند. برای مثال، تعمیم شیوه آموزش قرآن در پایه سوم دبستان به همه مدارس، یکی از کارها بود. این کار ابتدا مصوبه ای برای اجرا در تعدادی از مدارس داشت. نوع اجرا و تأثیر آن مورد تحقیق قرار گرفت و گزارش آن به شورای عالی آمد. طبق تحقیق مشخص شد، تصمیم قبلی درست بوده، لذا شورای عالی تصویب کرد که شیوه آموزش قرآن در پایه سوم به تمام مدارس گسترش یابد.

نوع دیگر مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش کلان تر است. اصلی ترین مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش در سال های اخیر، که مدتی وقت مرا به عنوان مدیر پروژه به خود اختصاص داد، موضوع تدوین، بررسی و تصویب سند ملی آموزش و پرورش بود؛ یعنی سند تحول بنیادین در این وزارت خانه که زمینه ساز تحقق سند چشم انداز ۲۰ ساله کشور است. ذیل همین سند ملی، تغییر ساختار آموزش و پرورش قرار دارد. طبق این سند و براساس مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش، موظف شدیم طرح جامع تحول آفرینی را متناسب با سند چشم انداز ۲۰ ساله کشور تنظیم کنیم.

□ شما اصولاً فلسفه تغییر را در چه می بینید؟

بسیاری از صاحب نظران و متخصصان حوزه آموزش و پرورش کشورمان به این نتیجه رسیده بودند که در مبانی و کارکردهای این نهاد ناکارآمدی وجود دارد و استمرار وضع موجود اصلاً به صلاح کشور نیست و باید در آن تغییرات جدی به وجود آورد. تجلی این نیاز را در سخنان مقام معظم رهبری دیدیم که فرمودند: آموزش و پرورش ما بر فلسفه تربیتی اسلام مبتنی نیست و براساس فلسفه وارداتی دیگران طراحی شده است. تازه، ما هم آن را خوب اجرا نکردیم. صاحبان اصلی آن، کار خود را اصلاح و به روز کردند، اما ما این کار را نکرده ایم.»

این نوع آسیب پذیری در آموزش و پرورش وجود دارد و نیازمند بازسازی و بازمهندسی است تا خانه آموزش و پرورش را از نو بنا کنیم. لذا ابتدا تهیه طرح سند ملی آموزش و پرورش تصویب شد. مسئولیت تهیه طرح به عهده بنده گذاشته شد و دکتر محمود مهرمحمدی، مدیر طرح شدند. حدود ۶۰۰ نفر از صاحب نظران دانشگاهی و همکاران مجرب در آموزش و پرورش (در ستادها و استان ها) درگیر کارهای این طرح بودند و بیش از پنج سال روی آن کار شد. بدین ترتیب، تحقیق سنگین و کم نظیری را در آموزش و پرورش انجام دادیم و مجموعه ای تدوین شد و به تصویب رسید.

□ بار دیگر از شما تشکر می کنیم.

■ اگر بخواهند درسی را به برنامه یک کلاس یا پایه اضافه کنند، یا نمره امتحانی را از وضع ارزش یابی تراکمی به شیوه توصیفی تغییر دهند، کار مطالعاتی اولیه در معاونت های اجرایی انجام می شود. سپس براساس نیاز در حوزه اجرا، به صورت طرح درمی آید و در اختیار وزیر قرار می گیرد. اگر وزیر صلاح دانست، آن طرح را به شورای عالی می فرستد

■ آموزش و پرورش پل ارتباطی بین جامعه و نسل جوان است و آن چه را امروز به عنوان مهارت فرهنگی جامعه در اختیار دارد، باید به زبان نسل جدید (امروز) ترجمه کند و در اختیارشان قرار دهد تا این نسل را برای زندگی مناسب در آینده آماده کند

قانون

تشکیل

شورای عالی

آموزش و پرورش

جامعه دارد و نظر به لزوم برقراری ضوابط تعلیماتی برای توسعه علوم و فنون و اصلاحات تربیتی بر مبنای اعتقادات دینی و تأمین استقلال و آزادی و بنا به ضرورت مشارکت عمومی فرهنگیان، مربیان و صاحب نظران در امر تعلیم و تربیت کشور، شورای عالی آموزش و پرورش براساس این قانون تشکیل می گردد.

ماده ۱. شورای عالی آموزش و پرورش، مرجع سیاست گذاری در حوزه وظایف آموزش عمومی و متوسطه در چارچوب سیاست های کلی نظام و قوانین و مقررات موضوعه است و سازمان اداری آن با بودجه و تشکیلات مستقل زیر نظر شورای عالی آموزش و پرورش فعالیت می کند. وظیفه دبیرخانه شورا، پشتیبانی علمی، پژوهشی و خدماتی متناسب با وظایف و مسئولیت شورا، نظارت بر حسن اجرای مصوبات و توسعه ارتباطات با مجریان و مردم می باشد که در آیین نامه داخلی شورا تنظیم می شود و توسط هیئت دولت به تصویب می رسد.

ماده ۲. ریاست شورای عالی آموزش و پرورش با رئیس جمهور است و در غیاب وی، وزیر آموزش و پرورش ریاست جلسه را برعهده خواهد داشت. نایب رئیس شورا از بین اعضا برای مدت دو سال تعیین می شود.

ماده ۳. سازمان اداری شورای عالی آموزش و پرورش دارای دبیر کلی خواهد بود که هم ردیف معاون وزیر است و به پیشنهاد وزیر آموزش و پرورش و با موافقت شورای عالی آموزش و پرورش منصوب می شود و سمت دبیری شورا را نیز خواهد داشت. سازمان و وظایف آن، در آیین نامه داخلی شورا منظور خواهد شد.

ماده ۴. هیچ یک از مقررات آموزشی و پرورشی کشور که با وظایف شورای عالی آموزش و پرورش مربوط است، قبل از تصویب در شورا رسمیت نخواهد یافت.

ماده ۵. مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش در حدود اختیارات قانونی شورا برای مؤسسات ذی ربط لازم الاجرا است. این مصوبات پس از تأیید رئیس شورا، توسط دبیر کل به مؤسسات مربوط ابلاغ خواهد شد.

ماده ۶. وظایف و اختیارات شورا به شرح زیر است:

- تعیین خطی مشی آموزشی وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران طبق قانون اساسی کشور با رعایت قوانین موضوعه کشور؛
- بررسی و تصویب هدف ها و نظام آموزشی وزارت آموزش و پرورش جهت ارائه به مجلس شورای اسلامی؛
- بررسی و تصویب برنامه های درسی و تربیتی کلیه مؤسسات آموزشی کشور که در حوزه وزارت آموزش و پرورش قرار دارد؛
- بررسی طرح ها و لوایح قانونی مربوط به آموزش و پرورش قبل از طرح در مجلس شورای اسلامی؛
- تأیید انطباق مطالب کتاب های درسی با برنامه های مصوب

شورای عالی آموزش و پرورش را می توان به تعبیری «شورای قانون گذاری» بزرگ ترین نهاد تعلیم و تربیت کشور دانست. قانون شورای عالی برای آخرین بار در ۱۶ ماده و ۲ تبصره در سال ۱۳۶۵ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. در این جا برای آشنایی کارشناسان و معلمان، بندهایی از این قانون را نقل می کنیم.

مقدمه: نظر به ضرورت انقلاب فرهنگی در راه استقرار نظام جمهوری اسلامی و نظر به رسالتی که آموزش و پرورش کشور در راه رشد و خودکفایی و به سازی



www.sce.ir

شورا؛

● بررسی و تصویب اساس نامه هر نوع مؤسسه تعلیماتی جدید؛

● بررسی و تصویب مقررات اجرایی و انضباطی مدارس؛

● تصویب آیین نامه ها و مقررات امتحانات مدارس؛

● بررسی و تصویب ضوابط ارزش یابی نظام آموزشی وزارت آموزش و پرورش؛

● تصویب آیین نامه رسیدگی و ارزش یابی مدارک تحصیلی صادره از مدارس کشورهای خارجی تا پایان دوره متوسطه؛

● بررسی و تصویب مقررات و اصول لازم برای گزینش تخصصی و تربیت و استخدام معلمان به تناسب احتیاجات در مراحل تحصیلی با رعایت ضوابط عمومی گزینش در کل کشور؛

● بررسی و تصویب طرح های توسعه در مراحل و رشته های تحصیلی براساس احتیاجات نیروی انسانی و با توجه به امکانات کشور؛

● تهیه و بررسی و تصویب طرح های لازم برای بسیج و مشارکت مردم در امر آموزش و پرورش؛

● پیشنهاد اعطای نشان و مدال و تصویب آیین نامه مربوط؛

● تصویب آیین نامه های مربوط به شوراهای منطقه ای آموزش و پرورش و شوراهای فرهنگی محلی و شوراهای مدارس؛

ماده ۷. اعضای شورای عالی آموزش و پرورش باید دارای شرایط ذیل باشند:

● مسلمان و معتقد به ولایت فقیه بوده و التزام عملی به احکام اسلامی داشته باشند (در مسائل خاص مربوط به اقلیت های رسمی کشور، از صاحب نظران آنان استفاده می شود)؛

● حداقل سی سال داشته باشند؛

● دارای مدارج عالی در یکی از رشته های معارف اسلامی یا علمی یا ادبی یا فنی باشند و در این زمینه ها تجربه و بصیرت داشته و با مسائل تعلیم و تربیت آشنا و دارای بینش سیاسی و اجتماعی لازم باشند؛

● دارای حسن شهرت و فضیلت اخلاقی باشند.

ماده ۸. اعضا شورای عالی آموزش و پرورش بر دو قسم اند:

● اعضای رسمی و پیوسته که برای مدت چهار سال تعیین و منصوب می شوند؛

● اعضای وابسته که برای مدت دو سال از طرف شورا انتخاب می شوند و تجدید انتخاب آن ها بلامانع است.

ماده ۹. تعداد اعضای رسمی یا پیوسته ۲۲ نفر به شرح زیر خواهد بود:

● رئیس جمهور؛

● وزیر آموزش و پرورش؛

● وزیر علوم، تحقیقات و فناوری؛

● وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی؛

● وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛

● وزیر جهاد کشاورزی؛

● وزیر صنایع و معادن؛

● معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور؛

● دبیرکل شورای عالی آموزش و پرورش؛

● یک نفر مجتهد آشنا به مسائل تعلیم و تربیت به انتخاب شورای عالی حوزه علمیه قم؛

● رئیس سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور؛

● سه نفر مطلع و صاحب نظر در هر یک از رشته های علوم پایه، فنی و مهندسی؛

● سه نفر از اعضای هیئت علمی گروه های تخصصی دانشگاه ها و پژوهشگاه ها در رشته های مدیریت آموزشی، برنامه ریزی درسی و روان شناسی تربیتی؛

● سه نفر صاحب نظر از نمایندگان معلمان یا مدیران مدارس از هر یک از دوره های تحصیلی؛

● رئیس پژوهشکده تعلیم و تربیت وزارت آموزش و پرورش،

● یکی از مدیران کل آموزش و پرورش استان ها به انتخاب مدیران کل استان ها.

تبصره ۱- دو نفر از اعضای کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی به انتخاب کمیسیون و تصویب مجلس به عنوان ناظر در جلسات شورای عالی آموزش و پرورش شرکت خواهند کرد.

تبصره ۲- افرادی که حسب رشته شغلی و بر حسب سمت، عضو شورا هستند، در زمان عضویت باید در رشته شغلی و سمت مورد نظر اشتغال داشته باشند.

ماده ۱۰. اعضای وابسته در موارد لزوم برای شرکت در جلسات شورا دعوت می شوند و حق شرکت در مذاکرات را بدون مشارکت در رأی گیری خواهند داشت.

تبصره - اعضای وابسته که در دوره عضویت خود در شورا نظارت و خدمات ارزنده ای را عرضه کرده باشند، در تجدید انتخاب اعضای پیوسته حق تقدم خواهند داشت.

ماده ۱۱. اعضای شورای عالی آموزش و پرورش با حکم رئیس جمهور منصوب می شوند.

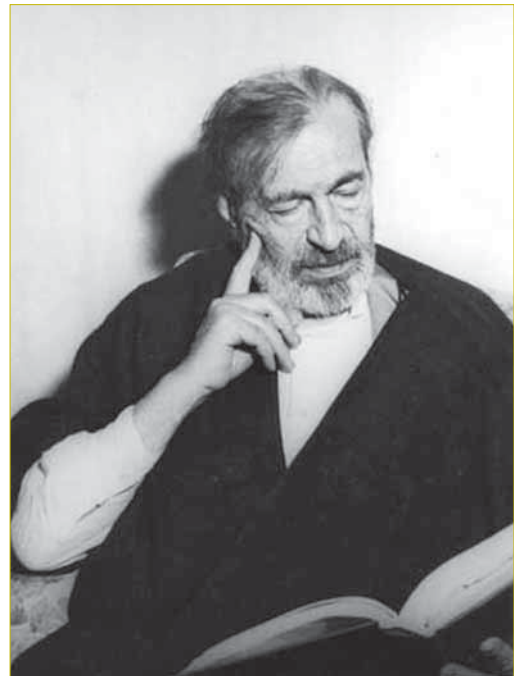
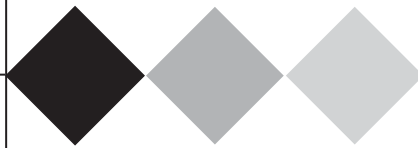
ماده ۱۲. رئیس شورا موظف است بعد از پایان مدت عضویت هر یک از اعضا، ترتیب انتخاب جانشین او را بدهد، به نحوی که حداکثر یک ماه پس از پایان دوره عضویت هر فرد، جانشین او تعیین شده باشد.

ماده ۱۳. در صورت استعفا یا فوت هر یک از اعضای شورای عالی آموزش و پرورش، انتخاب جانشین به ترتیب مقرر در این قانون به عمل خواهد آمد.

ماده ۱۴. شورای عالی آموزش و پرورش می تواند در حدود وظایف خود کمیسیون هایی تشکیل دهد و اعضای آن ها را از بین استادان و متخصصان و دبیران و آموزگاران انتخاب نماید. حدود وظایف و نحوه و مدت کار و میزان حق الزحمه اعضای کمیسیون ها بر طبق آیین نامه ای که به تصویب شورا خواهد رسید تعیین می گردد.

ماده ۱۵. هرگونه اصلاح یا تغییر در این لایحه قانونی، با موافقت دو سوم اعضا و تصویب نهایی مجلس شورای اسلامی امکان پذیر است.

ماده ۱۶. از تاریخ تصویب این قانون، کلیه قوانین مغایر ملغی است.



جلال الدین همای

اسفندیار معتمدی

۱۳۵۸-۱۲۷۸

اصفهان تدریس می‌شد، تسلط یافت و از علما و مراجع تقلید زمان اجازه روایت و اجتهاد دریافت کرد.

در علوم نقلی، مقدمات را نزد آقا شیخ علی یزدی شروع کرد و کتاب‌های درسی مُغنی اللیب، مَطُول و بخشی از شرح لَمْعَة را نزد این استاد خواند، ادبیات عرب را نزد حاج محمد کاظم کروندی و شرایع محقق را پیش ملا عبدالکریم گزی آموخت.

مرحوم آمیرزا احمد اصفهانی کتاب نجات‌العباد و شرح باب حادی عَشْر و رجال و علم درایه را به او درس داد و کتاب قوانین را سید مهدی درچه‌ای برایش تدریس کرد. آیت‌الله العظمای سید محمدباقر درچه‌ای، مراد همایی بود و میرزا جلال‌الدین مدت ۱۲ سال در درس‌های خارج فقه ایشان شرکت می‌کرد و تا آخرین لحظه حیات در خدمت و مواظبت او بود. متون علمی، فلسفی و عرفانی مانند کتاب‌های تحریر اقلیدس، شرح منظومه، شرح هدایه، اشارات و تنبیهات، شفا، اسفار و شرح مخصوص و شرح مفتاح‌الغیب را نزد شیخ محمد خراسانی فراگرفت. حاج میرسید علی جناب -پدر دکتر کمال جناب استاد فیزیک- هیئت، ریاضی، فنِ اسطرلاب و استخراج تقویم را به او آموخت و سرانجام آیت‌الله حاج آقا رحیم ارباب، استاد هیئت و فقه و حساب او بود. از این‌ها که بگذریم، استاد جلال‌الدین همایی یادگیرنده‌ای مادام‌العمر بود.

تدریس استاد

استاد علامه جلال‌الدین همایی در سراسر زندگی خود درس آموخت و درس داد. او زمانی که در مدرسه نیماورد بود، به تدریس هم مشغول شد. درس دادن ایشان به دو دلیل بود: یکی مطابق رسم معمول طلبه‌ها، که در مدت تحصیل خود دروس مختلف را، از صرف میر و عوامل ملامحسن گرفته تا

عشق به آموختن، آمادگی برای یادگیری، تشویق پدر و مادر و وجود معلم و استادانی که لذت و مسئولیت یاددهی یادگیری را احساس کرده بودند، سبب شد که جلال پسر میرزا ابوالقاسم و نوه مرحوم همای شیرازی، یکی از نام‌دارترین عالمان زمان خود شود و او را استادالاساتید بنامند.

جلال‌الدین همایی معلم، محقق، مؤلف، ریاضی‌دان، عارف، فقیه و شاعر، در خاندانی متدین، عالم و هنرمند در اصفهان به دنیا آمد. از پنج سالگی به مکتب رفت و تا واپسین روزهای عمر به آموختن مشغول بود. نخستین آموزگارانش پدر و مادرش بودند. آن‌گاه در مکتب «نبات بیگم» مشهور به ملا باجی، آداب وضو و نماز و روزه، و خواندن عمّ جزء را آموخت و در هفت سالگی به مکتب میرزا عبدالغفار پاقلعه‌ای -که معلم پدرش هم بود- رفت و چون در نخستین روز درس، از عهده خواندن دیوان حافظ برآمد، مورد تحسین استاد قرار گرفت و برایش اسفندی دود شد که از آن پس بوی مطبوع آن را در سراسر عمر احساس می‌کرد و به یاد استاد فاتحه می‌خواند.

جلال‌الدین پس از مکتب در مدرسه‌های حقایق و قدسیه مدتی درس خواند تا آن که به «مدرسه علوم دینی نیماورد» رفت و مدت ۲۰ سال در آنجا درس خواند. سه سال اول را شب‌ها به منزل می‌آمد تا آن که سیزده ساله و یتیم شد و از آن پس به مدت ۱۷ سال مقیم آن مدرسه شد و در حجره‌ای که به قول خودش به تابوت می‌مانست، در فقر و تنگ‌دستی زندگی کرد و علم آموخت تا آن که در ۱۳۰۷ به تهران آمد و معلم شد.

معلمان استاد

استاد همایی مدت ۲۴ سال به انواع علوم عقلی و نقلی که در



آثار استاد

۱. از محضر درس استاد جلال‌الدین همایی هزاران دانشجوی مستعد، باذوق، پرتلاش و بعضی مدرک‌خواه بهره بردند. بعضی از شاگردان ایشان که خود سرچشمه علم و ادب ایران هستند، عبارت‌اند از: محمد معین، ذبیح‌الله صفا، ناصرالدین شاه‌حسینی (داماد استاد)، مهدی محقق، محمد خوانساری، جمال رضایی، خسروفرشیدپور، امیرحسین یزدگردی، محمدرضا شفیعی کدکنی، فیروز حقیقی و خدامراد مرادیان ریزی.
۲. تألیفات استاد عبارت‌اند از: تاریخ ادبیات ایران (۱۳۴۶)، تفسیر مثنوی مولوی (۱۳۴۹)، فنون بلاغت و صناعات ادبی (۱۳۵۴)، مولوی‌نامه (۱۳۵۴)، اسرار و آثار واقعه کربلا (۱۳۵۷)، مختاری‌نامه، تصوف در اسلام (چاپ ۱۳۶۲ و نگارش ۱۳۱۴)، تاریخ علوم اسلامی (۱۳۶۴)، تقریرات (۱۳۴۸) و دیوان سنا (۱۳۶۴).
۳. تصحیحات استاد همایی بیش از ده جلد کتاب چاپ شده، ۱۵ جلد اثر چاپ نشده و حدود یک‌صد مقاله علمی و تحقیقی در زمینه‌های متفاوت است. نمونه‌ای از آثار تصحیحی استاد، کتاب ارجمند «التفهیم لاوائل صناعات التنجیم، تألیف ابوریحان بیرونی از انتشارات انجمن آثار ملی است. مقدمه این کتاب، به قلم همایی، حدود ۲۰۰ صفحه است که یکی از کارهای تحقیقی استاد است.
۴. کتاب‌های درسی. تألیف یک مجموعه ده جلدی فارسی، دستور زبان و تاریخ ادبیات برای کلاس‌های اول تا ششم دبیرستان با همکاری دکتر رضازاده شفق، دکتر صفا و علی اکبر شهابی. علاوه بر آن مجموعه سه جلدی قرائت فارسی با همکاری ملک‌الشعرای بهار، عبدالعظیم قریب، بدیع الزمان فروزانفر، و مجموعه سه جلدی قرائت و صرف و نحو عربی با همکاری عبدالله اله قراقری، علی اکبر شهابی، محمد خوانساری و حسین بحر العلومی است. استاد باستانی پاریزی درباره ایشان چنین نوشته است:

«اگر کسی بخواهد در باب شخصیت کم‌نظیر استاد جلال‌الدین همایی سخن بگوید، حق این است که باید حداقل در بسیاری از رشته‌های علمی و معارف اسلامی ذی‌فن باشد و این امر در چنین روزگاری امکان‌پذیر نیست. چه کسی می‌تواند اظهارنظر کند در باب کسی که در عالم ادب فارسی از اوتاد و قوائم به شمار می‌رود و در فنون عربیت کم‌نظیر است و در عین حال تاریخ اسلام و فرهنگ اسلامی در پیش چشم او چون خورشید تابانک می‌نماید...؟ از جهات ملکات فاضله اخلاقی، تواضع، تهذیب نفس، پاک‌دامنی، بی‌نیازی و امثال این صفات ملکوتی، کافی است نظری به غزالی‌نامه استاد بیندازیم. گویی استاد همه آن خاصه‌ها و خلقیات را به صورت مجسم، خود گرد آورده‌اند و غزالی روزگار شده‌اند.

یک جهان خواهیم به پهنای فلک
تا بگویم وصف آن رشک ملک

منابع

۱. زندگی‌نامه استاد به قلم خود ایشان که به صورت نظم و نثر در آثار متعددشان چاپ و نشر شده است.
۲. کارنامه همایی عبدالله نصری. دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ۱۳۶۷.
۳. همایی‌نامه استادان زبان و ادب فارسی به همت دکتر مهدی محقق دانشگاه تهران، ۱۳۵۵.
۴. زندگی‌نامه و خدمات علمی مرحوم استاد جلال‌الدین همایی. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۲۵ تیرماه ۱۳۷۹.

صمدیه، سیوطی، مغنی، مطول و شرح شمسیه و منطق، تدریس می‌کردند، و دیگر نیاز مالی. «در آن روزگار که با شوق کامل و عشق مانع‌سوز، پیوسته مشغول تحصیل بودم، هیچ ممر معیشتی ثابت و معلوم، خواه موروثی و خواه از دولت وقت و مراجع و وجوهات و اوقاف نداشتم. ناچار با کمال قناعت و مناعت، از راه کتابت، قوت لایموت به دست می‌آوردم و به هیچ وجه آبروی فقر و قناعت را نمی‌ریختم. همواره اظهار خوش‌وقتی و شکرگزاری می‌کنم. از این جهت که از کودکی تا بزرگی در تمام دوره تحصیل زیر بار منت هیچ مرجعی نرفته و احدی نیست که بتواند دیناری حق بر گردن من داشته باشد.»

ورود به فرهنگ

حوزه درس استاد تا سال ۱۳۰۸ در اصفهان ادامه یافت و او در آن سن شاگردانی چون شیخ مرتضی اردکانی، شیخ عباس ادیب حبیب‌آبادی، شیخ محمود شریعت ریزی، سید حسن میرید قمشه‌ای، کمال‌الدین نوربخش و جعفر آل ابراهیم دهکردی را تربیت کرد. با تأسیس مدرسه متوسطه اصفهان به دعوت مرحوم ضیاءالدین جناب، دروس فقه، عربی، منطق و فلسفه را در دروه دوم دبیرستان برعهده گرفت و شاگردانی چون پروفیسور تقی فاطمی استاد نام‌دار ریاضی، دکتر محمد نصیری رییس سابق دانشکده حقوق، دکتر کمال‌الدین جناب استاد ممتاز فیزیک و حسین عریضی رییس سابق دبیرستان ادب اصفهان را آموزش داد. استاد همایی پس از استخدام در فرهنگ به تبریز رفت و به عنوان دبیر در دبیرستان‌های آن شهر به تدریس فلسفه و ادبیات فارسی مشغول شد و هم‌زمان کتاب تاریخ ادبیات را نوشت.

استادی‌دانشگاه

در سال ۱۳۱۰ به تهران منتقل شد و در دبیرستان‌های دارالفنون و شرف به تدریس پرداخت. از شاگردان استاد همایی در این دوره ذبیح‌الله صفا، حسین خطیبی و علی اکبر شهابی بودند. در سال ۱۳۱۹ تدریس در کلاس ششم ادبی که جزو دانش‌سرای عالی و ویژه شاگردان اول و دوم دانش‌سرای مقدماتی کشور بود به ایشان واگذار شد و از آن پس به دانشگاه تهران راه یافت: «از قوانینی که مجلس آن را تصویب کرد استفاده شد و من و آقای نصرالله فلسفی، مرحوم ابراهیم پور داوود، مرحوم میرزا عبدالعظیم خان قریب و آقای مدرس رضوی، طی مراحل بی‌شماری که همه مشکل و سخت بود، به استادی انتخاب شدیم. به یاد دارم که یکی از شرایط این بود که حداقل ده سال تدریس در دانشگاه داشته باشیم و شرط دوم تألیفاتی بود که از هر جهت دارای ارزش فرهنگی و دانشگاهی باشد که بتوان آن را هم‌طراز دکترای آن روز دانشگاه‌های معتبر دنیا به شمار آورد.»

مدت خدمت استاد جلال‌الدین همایی در دبیرستان‌ها و دانشگاه تهران ۳۷ سال بود. مدت ۱۲ سال در دانشکده حقوق تهران به تدریس فقه اشتغال داشت تا آن که به دانشکده ادبیات منتقل شد و در آن‌جا به تدریس صناعات ادبی و مطول تفتارانی در دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای پرداخت. در سال ۱۳۴۵ درخواست بازنستگی کرد که پذیرفته شد، اما کار تدریس او در دانشگاه هم‌چنان ادامه یافت.

تَعَاوُنٌ عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ

کلیدواژه‌ها:
تعاون، تقوا،
اثم، عدوان.

«لَا يَحْمِلْنَكُمْ». یعنی شما را به یک کار خلاف وادار نکنند. این ترکیب، در آیه هشتم همین سوره و نیز آیه ۸۹ سوره هود به چشم می‌خورد و اساساً از یک قانون کلی حکایت می‌کند که مسلمان نباید کینه‌ورز باشد و چیزی را به حساب چیز دیگر بگذارد و مرتکب کار مجرمانه‌ای شود و به اصطلاح گروه‌کشی کند.

خدای متعال در ادامه آیه، موضوع را بازتر و موارد مجاز و غیرمجاز تعاون و تشریک مساعی را مشخص فرموده است. همین مورد بحث این مقاله است:

و تعاونوا على البرِّ والتقوى، ولا تعاونوا على الاثم والعدوان

در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید و هرگز در راه گناه و تجاوز همکاری نکنید.

بنابراین، رواست که مسلمانان دست در دست هم گذارند و متحد شوند و به اذن خدا و ولی خدا، با دشمنان حق و عدالت مبارزه کنند. یا یکدیگر را معاونت کنند و مظلومان و مستضعفان را از چنگال تجاوزگران برهانند، پادسته جمعی به یاری سیل زدگان، زلزله‌زدگان، قحطی‌زدگان و مصیبت‌دیدگان بشتابند؛ اما تعاون و معاضدت با گناهکاران، ستمگران و متجاوزان حرام است، گرچه از دوستان و خویشان ما باشند.

این اصل و قانون اسلامی، درست برخلاف قانون عرب جاهلی است که می‌گفت: أَنْصُرْ أَخَاكَ ظَالِمًا أَوْ مَظْلُومًا: دوست (و هم پیمان) را نصرت کن، چه ظالم باشد و چه مورد ظلم قرار گرفته باشد.

بر پایه این قانون، عرب عصر جاهلیت برای این که بتواند به خوبی از امنیت و منافع خود و خانواده و قبیله خویش دفاع کند، با برخی قبایل دیگر هم‌پیمان می‌شد. آنان موظف بودند هرگاه این قبیله طلب کمک نماید، گرچه در قتل عام و یا غارت قبیله دیگر باشد، سریعاً به حمایت او برخیزند و به نفع او شمشیر زنند و احیاناً کشته شوند. این قبیله نیز متقابلاً در مشکلات به کمک هم‌پیمانان خود می‌شتافت و نمی‌پرسید که نیروی کمکی برای چه

از آموزه‌های تردیدناپذیر قرآنی، وحدت، هم‌دلی، همراهی و تعاون است. انسان‌ها همه از یک جا ریشه گرفته‌اند و پدر و مادر واحد داشته‌اند؛ غرایز آن‌ها یکسان، فطرت‌های خدادادی‌شان یکسان، مبدأ و مقصد و مسیرشان یکسان و از تعالیم آسمانی مشابه برخوردار بوده و هستند؛ تفاوتی اگر هست، در اقلیم و بوم، رنگ رخسار، زبان و گویش و شدت و ضعف در بعضی گرایش‌های آن‌هاست. از این رو، دلیلی بر تفرقه و جدایی و تکیروی وجود ندارد و انسان‌ها، به‌ویژه مؤمنان، باید یار و غم‌خوار یکدیگر باشند؛ به نحوی که به درد آمدن عضوی از این اندام واحد، از سایر اعضا سلب آرامش کند و تعاون و تشریک مساعی آنان باعث درد زدایی شود.

حال سؤال این است که این حس همکاری و ارضای آن تا کجاها باید پیش رود و ملاک تشخیص «تعاون به‌جا» و «تعاون بی‌جا» کجاست؟

در ابتدای سوره مبارکه مائده- آیه دوم- به بعضی مناسک حج اشاره شده و حرمت بعضی امور بیان شده است. سپس می‌افزاید: دشمنی به جمعیتی که [زمانی] شما را از آمدن به مسجدالحرام مانع شدند، نباید شما را به تعدی و تجاوز [به آن‌ها] وادارد.

شیایان ذکر است، عده‌ای از بت‌پرستان در دوره جاهلیت و در ماجرای «صلح حدیبیه»، مانع از آن شدند که مسلمانان زیارت خانه خدا را در مکه به‌جا آورند و آنان را از این فیض محروم کردند. بعد از آن، مکه فتح شد و بت‌پرستان به اسلام روی آوردند و از شرک دوری گزیدند. اینک خداوند به مسلمین هشدار می‌دهد که نکند مسائل گذشته را زنده کنید و کینه این گروه را به دل گیرید. به این صورت که دست به دست هم دهید و تعاون کنید و عمل خلاف گذشته آنان را تلافی کنید! هم‌اکنون، شما همگی مسلمانید و سزاوار است که دوره جاهلیت را فراموش کنید و از انتقام و کینه‌توزی پرهیزید [و لایجر منکم شنان قوم...]. واژه جرم به معنی کار خلاف است و کلمه «لایجر منکم» مترادف است با

وَلَا تَعَاوُنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ

لازم شده است و اساساً دعوا بر سر چیست؟ و حق با کیست؟ عرب جاهلی در پای بندی به این تعهد، بسیار دقیق و حساس بود و آن را نشانگر غیرت مندی و وفاداری می دانست.

این پدیده منحصر به آن دوران نبود، امروز هم بشر به اصطلاح متمدن! وقتی در مناسبات سیاسی بین کشورها، با دولتی هم عهد می شود، و پیمان نامه دو جانبه امضا می کند، در هر حال به آن وفادار می ماند و کاری ندارد که طرف مقابل او در این استمداد و کمک خواهی، ظالم است یا مظلوم!

برای نمونه، در اثنای جنگ اول جهانی و در پی انقلاب بلشویکی اکتبر ۱۹۱۷ روسیه و بروز مشکلات داخلی در این کشور، روسیه پیشنهاد صلح بدون قید و شرط با آلمان را مطرح کرد، اما متفقین نپذیرفتند و خواستار دخالت مثبت روسیه در جنگ بودند. لذا بلشویک ها مجبور شدند در سال ۱۹۱۸ عهدنامه صلح جداگانه ای با آلمان امضا کنند و متصرفات زیادی را از دست بدهند. متفقین تصمیم به حمله به روسیه گرفتند؛ روسیه ای که به دنبال انقلاب، دچار کشمکش های شدید داخلی شده بود. انگلیس و فرانسه و آمریکا، هر کدام قسمتی از خاک روسیه را اشغال کردند، ژاپن هم در کنار آمریکا وارد جنگ علیه روس ها شده بود. اما در جنگ دوم جهانی که آلمان و ژاپن هم پیمان بودند، آلمان شکست خورد و هیتلر خودکشی کرد و برلین به دست نیروهای متفقین افتاد. ولی ژاپن هنوز تسلیم نشده بود؛ با این که چین و انگلیس قاطعانه با آن می جنگیدند، شوروی هم به آن ها پیوست و آمریکا در ششم اوت سال ۱۹۴۵، هیروشیما و سه روز بعد ناگازاکی را با بمب اتمی هدف قرار داد که... [تاریخ عمومی. دفتر برنامه ریزی و تألیف. ۱۳۷۱].

آری، این رفتار آمریکا با ژاپن در خلال برهه ای از دو جنگ جهانی بود. حال باید پرسید، آیا این اتحادها و افتراقها، براساس بر و تقوا از یک سو، و اثم و عدوان از سوی دیگر است؟! نمونه دیگر، اتحاد آمریکا با رژیم منحوس صهیونیستی است که در هر شرایط با آن ها تعاون و هم دستی دارد و مدام از «حق و تو» به نفع آن ها و علیه مردم مظلوم فلسطین استفاده می کند.

در ایام حاضر نیز شاهد تعاون آمریکا با یکی از دول عربی مدعی اسلام هستیم که اگر چه دائماً قرآن و آیه شریفه مورد نظر را از بلندگوهای خود برای مسلمین جهان پخش می کند، اما پناهگاه امن و امان پادشاهان فراری عرب شده است و امکانات نظامی خویش را تحت عنوان هم پیمانی، برای سرکوب قیام مردمی مسلمانان منطقه، به این کشور و آن کشور گسیل می کند! به قول عبید زاکانی: «این زمان پنج پنج می گیرد/ که شده عابد و مسلمانان» بی جهت نیست که مردم سابقه ذهنی خوبی از سیاست و سیاست مداران ندارند و سیاست به معنی پاک آن را کمتر دیده اند.

مسلمانان مسلمانان، مسلمانی ز سر گیرید

که کفر از شرم یار من مسلمان وار می آید!!

(مولوی)

به آیه شریفه برگردیم. دو واژه «بر» و «تقوا» با هم ذکر شده است. یکی جنبه اثباتی دارد و به اعمال مفید اشاره می کند و دیگری جنبه نفی دارد و به جلوگیری از اعمال خلاف اشاره می کند. از این رو، تعاون و همکاری باید هم در جبهه دعوت به نیکی ها و هم در صحنه مبارزه با بدی ها انجام پذیرد [تفسیر نمونه، ج: ۲۵۳].

در فقه اسلامی، از این قانون در مسائل حقوقی استفاده

شده است. از این رو معاملات و قراردادهایی که جنبه کمک به گناه دارد، تحریم شده است. مانند فروختن انگور به کارخانه های مشروب سازی، فروختن سلاح به دشمنان اسلام و انسانیت و اجاره محل یا مرکب به کسانی که کار نامشروع دارند.

معروف است که صفوان جمال، از یاران امام هفتم (ع)، شترانی داشت که گاه به اجاره به هارون الرشید می داد؛ با این که شترها برای اعزام زائران حج به مکه مکرمه بود، امام کاظم (ع) از صفوان پرسید: آیا از او کرایه می گیری؟ گفت آری. فرمود: دوست داری که زنده بماند و سرکار باشد، تا کرایه تو را بپردازد؟ گفت: آری. فرمود: کسی که بقای آن ها را دوست بدارد، از آن ها است. کسی که از آن ها باشد، در آتش دوزخ خواهد بود. صفوان با شنیدن این سخن، منقلب شد. رفت و تمام شتران خود را فروخت تا معاونت در ظلم نکرده باشد، با این که مورد عتاب هارون قرار گرفت.

نهی از مشارکت در جرم و خلاف، در احادیث ما فراوان است؛ از جمله حدیث شریفی است که پیامبر (ص) به علی (ع) می فرماید: ده طایفه از این امت به خدا کافر شده اند، یکی از آن ها (بایع السلاح من اهل الحرب) یعنی کسی است که به دشمنان اسلام که با آن ها در حال جنگ اند، اسلحه بفروشد [وسائل الشیعه، ج ۱۲: ۷۱].

در میان قواعد فقهی، دو باب مشهور وجود دارد به نام های قاعده اتلاف و قاعده تسبیب که هر دو موجب ضمان است. یعنی اگر کسی به صورت مباشر و بدون واسطه، و یا با واسطه و سببیت موجب شود که مالی از دیگری تلف شود، یا خسارتی به دیگری برسد، شرعاً ضامن است و در جرم واقع شده مسئول. حال اگر این کار سهوی نباشد، بلکه از روی قصد و عمد انجام بگیرد و فاعل دارای اراده و اختیار بوده باشد، مصداق تعاون در گناه و تجاوز است.

خواننده محترم و همکار ارجمند توجه دارد که گستره شمول آیه شریفه، به سیاست مداران و ارباب تجارت و مکتب منحصر نیست، بلکه مصادیق آن در نظام تعلیم و تربیت کشور نیز فراوان است.

اگر مدیر و معاون مدرسه ای تبانی کنند و به مرخصی های کوتاه بروند و کرسی مدرسه را به جای یکدیگر نگاه دارند و کسب مجوز از اداره ذی ربط نکرده باشند، این کارشان همکاری در اثم و عدوان است. اگر هیئت امنای مدرسه ای غیر انتفاعی، جلسه ای بگیرند و صورت جلسه صوری فراهم کنند و به توشیح حاضران رسانند و از این طریق قانونی را دور بزنند، تعاون در جرم است. اگر رئیس اداره ای، آشنایی را خارج از ضوابط و استحقاق ها به کار گیرد و افراد سزوار و واجد شرایط را پس زند، مصداق تعاون در اثم و عدوان است. اگر دانشجو معلمی، در جلسه امتحان، برگه اش را طوری بگیرد که دوست او از روی آن بنویسد، مثال بارزی از تعاون در اثم و عدوان است. او نمی تواند مسائل عاطفی را مستمسک قرار دهد و بگوید: او نیز همکار من است، چه عیبی دارد مدرکی بگیرد و چند تومانی به حقوقش اضافه شود! و یا خطاب به مراقب جلسه بگوید: سخت مگیر، شاه می بخشد، ولی شیخ علی شاه نمی بخشد! این تمسکات او را بری الذمه نمی کند و مساعدت در جرم داشته است. اگر خدای ناکرده از این دست معلمان در مجموعه آموزش و پرورش فارغ التحصیل شوند، چه دانش آموزانی را با چه بضاعت تربیتی و صداقت پرورش خواهند داد و برون داد نظام تربیتی و تعلیمی ما چه خواهد بود؟!

مرکز تحقیقات معلمان اصفهان

از نخستین روزهای پس از انقلاب اسلامی، رؤیای جمعی از معلمان پر تلاش و علاقه‌مند اصفهان، پس از سال‌ها، به تحقق پیوست و آن‌ها توانستند به کمک یکدیگر سنگ بنای تشکیلاتی را بگذارند که به مرور بر وسعت و اهمیتش افزوده شد تا امروز که خود به یک نهاد علمی، آموزشی و تحقیقاتی در قلب اصفهان تبدیل شده است. این تشکیلات، «مرکز تحقیقات معلمان اصفهان» نام دارد که موزه فرهنگی را هم شامل می‌شود و تنها هنگامی به ارزش آن پی می‌بریم که از نزدیک آن را مشاهده کنیم. بنابراین، جا دارد اولیای آموزش و پرورش استان‌های کشور، گروه‌هایی از کارشناسان و دبیران خود را برای بازدید از این مکان اعزام کنند؛ چه بسا که همین دیدارها، مقدمه تأسیس مراکزی مشابه در سایر استان‌ها شود.

مدت‌ها در صدد بودیم گزارشی از این مرکز را در مجله منتشر کنیم که امکان آن فراهم نمی‌شد تا این که اخیراً در بازدیدی که از آن داشتیم، این امکان برابمان میسر شد. این گزارش را در سه بخش می‌خوانید. نخست گفت‌وگویی با آقای مجید مظفری، رییس مرکز؛ سپس معرفی موزه فرهنگی و در صفحات پایانی مجله نیز روایت‌های جعفر شیخ‌الاسلام از چگونگی شکل‌گیری مرکز را مطالعه می‌کنید. وی یکی از همکاران با سابقه مرکز تحقیقات است.



● آقای مظفری، لطفاً بفرمایید سیر تحول مرکز تحقیقات معلمان از ابتدای تأسیس تا امروز چگونه بوده است؟

● سه مرحله را در این سیر تحول می‌توانم نام ببرم: اول، مرحله تأسیس و شکل‌گیری که عمدتاً شامل تشکیل کتابخانه بود و یکی دو آزمایشگاه برای ارتقای آموزش‌های معلمان. در این مرحله، مرکز در یک مدرسه راهنمایی در کوچه سید علی‌خان - بین خیابان چهارباغ و خیابان فردوسی - مستقر بود. در مرحله دوم، مرکز به مدرسه بزرگ و قدیمی حاتم‌بیک در کوچه حاتم‌بیک، نزدیک چهارراه نقاشی، انتقال یافت که هم گروه‌های آموزشی در آن مستقر شدند و هم دوره‌های آموزشی خودگردان در آن جادایر شد و موجب شد مرکز رونق و اعتبار بیشتری پیدا کند. در این مرحله، مرکز بیش از پیش تثبیت شد و مسئولان وقت به فکر افتادند ساختمان مستقل و ساختار اداری تعریف‌شده‌ای برای آن تدارک ببینند که این کار سرانجام در سال ۸۷ به بهره‌برداری رسید.

مرحله سوم وضعیتی است که الان مرکز دارد و این ساختمانی که در زمین حیاط موزه آموزش و پرورش (در خیابان شمس‌آبادی) ساخته شد و همان‌طور که می‌بینید، ساختمانی است نوساز، مجهز و دارای امکانات کافی که در سال ۸۷ با حضور آقای علی احمدی، وزیر وقت آموزش و پرورش، افتتاح شد. از سال ۹۰ هم موزه به تشکیلات مرکز اضافه شده است.

● مدیران اجرایی این مرکز تا امروز چه کسانی بوده‌اند؟
● ما عکس‌های مدیران را روی یکی از دیوارهای مرکز نصب کرده‌ایم. نخست آقای محمود کوهی (۶۷-۶۰) و بعد به ترتیب آقایان محمد کردآبادی (۷۰-۶۷)، محمود کفایی (۷۴-۷۰) و سید مهدی آل صاحب فصول (۸۴-۸۲). از سال ۸۳ تاکنون هم من مدیریت مرکز را به عهده دارم.

● درباره امکانات موجود در این مرکز به اختصار توضیح دهید.

● مرکز دارای امکانات و بخش‌های متنوعی است که مهم‌ترین آن‌ها را نام می‌برم. در درجه اول، کتابخانه است که ۱۸۰/۰۰۰ مجلد کتاب (در ۱۲۰/۰۰۰ عنوان) دارد و در کشور (در محیط‌های آموزشی) بی‌نظیر است. ما ۳۶۰ عنوان از نشریات کشور را مشترک هستیم و آرشیو یا بایگانی مجلاتمان بسیار غنی است. آرشیو کتاب‌های درسی داریم. یک سالن مطالعه به ظرفیت ۲۰۰ نفر داریم. کافی‌نت داریم که دارای ۲۰ کابینت است و در بانک نرم‌افزارمان هم حدود ۶۰۰۰ عنوان سی‌دی موجود است. هم چنین، دارای ۱۸۰۰۰ سی‌دی و دی‌وی‌دی علمی و



■ **معلمان شاغل در آموزشگاه‌های آزاد و مدارس غیرانتفاعی را- با دریافت هزینه از خودشان- آموزش می‌دهیم. به آن‌ها فنون معلمی، روش‌های تدریس دروس دوره‌های گوناگون، روان‌شناسی، اصول تعلیم و تربیت و... یاد می‌دهیم. این بویژه برای معلمان تازه‌کار ضروری است و لذا از آن استقبال می‌شود**



روز در دفتر آزمایشگاه حضور داشته باشند و به سؤالات علمی معلمان، به صورت تلفنی پاسخ دهند. در حال حاضر، آقایان جعفر شیخ‌الاسلام (شیمی)، عباس دهکردی (فیزیک)، اسلامی و شهر مستوفی (زیست‌شناسی) و جواهریان (فیزیک) این خدمت را انجام می‌دهند.

● آیا مرکز تحقیقات شعبه‌هایی هم در استان دارد؟

● خیر، ندارد. البته در ۲۰ منطقه و شهرستان آموزش و پرورش در استان اصفهان، مراکزی به همین نام، ولی مستقل از ما، زیر نظر ادارات خودشان، فعال هستند و ما اگر بتوانیم، به آن‌ها کمک‌هایی مثل دادن کتاب و... می‌کنیم.

● ساختار اداری مرکز تحقیقات چگونه است؟

● این‌جا از ابتدا دارای ساختار اداری و مدیریتی نبود و افراد به صورت مأمور در آن خدمت می‌کردند. بعد هم، از سال ۸۳، مرکز تحت عنوان رسمی «آزمایشگاه مرکزی» که در تشکیلات آموزش و پرورش تعریف مشخصی دارد، اداره شده و عمده‌تاً شامل آزمایشگاه فیزیک، شیمی و زیست‌شناسی است که هنوز هم بر همان منوال است. بنابراین، در این‌جا افراد تحت سه عنوان طبقه‌بندی شده‌اند: کادر مرکزی، کارکنان و کادر خدماتی.

● درباره موزه، علاوه بر آن‌چه ما از قول آقای شیخ‌الاسلام شنیده‌ایم، چه می‌توانید بگویید؟

● همان‌طور که می‌دانید، موزه- البته در این مکان- قبل از ساخت مرکز تحقیقات وجود داشت و از سال ۹۰ هم، به مجموعه تحت مدیریت مرکز پیوست. در حال حاضر، خانم محمدی مسئول موزه است و آقای پارساخو که قبلاً هم در این‌جا حضور داشت، دستیار ایشان است.

● آیا کسانی از خارج استان هم برای بازدید از این مرکز مراجعه می‌کنند؟

● بله، از وزارت آموزش و پرورش (تهران) مسئولان زیاد می‌آیند و از مرکز بازدید می‌کنند. از استان‌ها هم گروه‌هایی برای بازدید اعزام می‌شوند. ما از همه همکاران خود در استان‌ها دعوت می‌کنیم برای بازدید از این مجموعه به اصفهان بیایند.

● چشم‌انداز فعالیت‌های آینده شما؟

● در کتاب‌خانه درصدد هستیم یک نرم‌افزار تهیه کنیم که بتوانیم تا ۵۰ هزار جلد از کتاب‌های کتاب‌خانه را رایگان از طریق شبکه اینترنت در اختیار مدارس قرار دهیم.

● در امر آموزش، در نظر داریم ابعاد آن را توسعه دهیم. از جمله این‌که کارگروه‌های اتاق فکر و ایده‌پردازی تشکیل دهیم. این کار را در زمینه معارف اسلامی شروع کرده‌ایم و کارگروه

آموزشی هستیم. سه آزمایشگاه علوم پایه داریم: فیزیک، شیمی و زیست‌شناسی که آزمایشگاه زمین‌شناسی هم هست.

● بخش آموزشی مرکز چگونه و با چه امکاناتی فعالیت می‌کند؟

● اولاً باید بگوییم که کل مجموعه در اختیار آموزش معلمان قرار دارد، ولی بخش آموزشی هم به طور خاص و آزاد، ویژه برگزاری دوره‌های آموزشی گوناگون برای معلمان تأسیس شده‌است. این بخش سه کارگاه رایانه دارد. کارگاه‌ها به فناوری‌های روز مجهز هستند و از جمله مجموعاً ۵۰ دستگاه رایانه در آن‌ها به خدمت گرفته شده‌است.

● چه دوره‌هایی برگزار می‌کنید؟

● دوره‌های متنوع و بنا به نیاز مراجعه‌کنندگان؛ مثلاً معلمان شاغل در آموزشگاه‌های آزاد و مدارس غیرانتفاعی را- با دریافت هزینه از خودشان- آموزش می‌دهیم. به آن‌ها فنون معلمی، روش‌های تدریس دروس دوره‌های گوناگون، روان‌شناسی، اصول تعلیم و تربیت و... یاد می‌دهیم. این بویژه برای معلمان تازه‌کار ضروری است و لذا از آن استقبال می‌شود. به جز این، دوره‌های دیگر هم برگزار می‌کنیم: انواع دوره‌های رایانه‌ای مثل ICDL و...، روش‌های تحقیق، مقاله‌نویسی و...

این بخش یک سالن اجتماعات هم دارد که به طور متوسط، سالانه ۱۸۰ جلسه در آن برگزار می‌شود؛ اعم از همایش‌های علمی، سخنرانی و...

● روزانه چه تعداد مراجعه به کتاب‌خانه و یا کافی‌نت دارید؟

● در کتاب‌خانه به طور متوسط روزی ۵۰۰ کتاب مبادله می‌شود و کافی‌نت هم حدوداً ۱۰۰ مورد مراجعه‌کننده دارد.

● آزمایشگاه‌ها چگونه کار می‌کنند؟

● ما همواره برای انجام آزمایش‌های کتاب‌های درسی در آزمایشگاه‌های مرکز، به سه شکل مراجعه داریم:

۱. معلمان با وقت قبلی (که به آن‌ها داده می‌شود) می‌آیند و آزمایش‌های مورد نظر خود را- زیر نظر استادان حاضر در این‌جا- انجام می‌دهند.

۲. خودمان برنامه‌ریزی می‌کنیم و معلمان شاغل مراجعه می‌کنند. در این شیوه، حداکثر ۱۰ نفر را می‌پذیریم تا همه بتوانند با فراغ بال آزمایش‌ها را انجام دهند. مجموعاً سالانه حدود ۶۰۰ نفر به این ترتیب (و بدون پرداخت هیچ‌گونه وجهی) آموزش می‌بینند.

۳. از تعدادی دبیر باتجربه و با سابقه دعوت کرده‌ایم هفته‌ای یک

■ **از وزارت آموزش و پرورش (تهران) مسئولان زیاد می‌آیند و از مرکز بازدید می‌کنند. از استان‌ها هم گروه‌هایی برای بازدید اعزام می‌شوند. ما از همه همکاران خود در استان‌ها دعوت می‌کنیم برای بازدید از این مجموعه به اصفهان بیایند**

موزه

آموزش

و پرورش

اصفهان

موزه آموزش و پرورش اصفهان، در سال ۱۳۷۸ در ساختمان دو طبقه و باشکوهی که زمانی منزل مسکونی شادروان **عطاءالملک دهش** بود، تأسیس شد. عطاءالملک مرد ثروتمند و کارآفرینی بود که در سال ۱۳۰۴ برق را به اصفهان آورد. در آن سال، وی با خرید دو مولد هیزم-سوز؛ به همراه یک ژنراتور ۵۰ کیلوواتی، نخستین چراغ‌های برق را در اصفهان روشن کرد. امروز او را پدر برق اصفهان می‌شناسند. خانه عطاءالملک که از سوی ورثه او به آموزش و پرورش واگذار شد، چند سالی مدرسه بود، ولی از سال ۷۸ به موزه فرهنگیان اختصاص یافت تا بتواند میراث فرهنگ معاصر این شهر را در خود نگه دارد. بعداً در جنب موزه و در حیاط بزرگ همین خانه، مرکز تحقیقات معلمان ساخته شد.

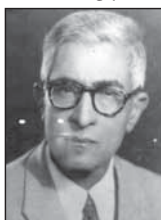
موزه فرهنگیان بخش‌های متعددی دارد به شرح زیر:

۱. **بخش نمایش تاریخ و فرهنگ اصفهان:** شامل تصاویر مدارس قدیمی، کتاب‌های درسی، عکس‌هایی از پیشگامان فرهنگ اصفهان چون **سید سعید طباطبایی نایینی**، **ضیاءالدین جناب**، **عبدالحسین قدسی** و نیز پاره‌ای از مدیران کل استان اصفهان چون **حسین امید**، **معزالدین مهدوی**، **معصوم خانی** و...
۲. **واحد آرشیو:** شامل مجموعه‌ای نفیس از اسناد وزارت معارف و سپس وزارت فرهنگ و بعداً آموزش و پرورش.
۳. **کتابخانه:** شامل مجموعه‌ای از کتاب‌های خطی، چاپ سنگی، کتاب‌های درسی، مطبوعات و روزنامه‌های قدیمی.
۴. **واحد سمعی و بصری:** شامل پاره‌ای از وسایل آزمایشگاهی و سمعی و بصری دهه‌های گذشته و نیز فیلم‌های مستند، لوح‌های فشرده و...
۵. **نمایشگاه آثار معاصر:** محل نمایش آثار و آفرینش‌های هنری فرهنگیان و دانش‌آموزان
۶. **نمایشگاه افتخارات علمی و ورزشی:** مجموعه‌ای از

سه تن از مدیران کل اسبق اصفهان



کازم معصوم‌خانی



حسین امید



معزالدین مهدوی

معارف اسلامی را تشکیل داده‌ایم که در آن به مباحثی فارغ از مسائل و مباحثی که به کتاب‌های درسی محدود است، می‌پردازیم. ما تاکنون از این طریق سه مجموعه مطالب معارفی به مدرسه‌ها داده‌ایم و می‌خواهیم این کار را به رشته‌های دیگر هم تعمیم بدهیم.

□ در زمینه پژوهش هم، بخش جدیدی به نام «مشاور پژوهش» ایجاد کرده‌ایم تا بتوانیم در زمینه تهیه مقاله و کارهای تحقیقاتی، به صورت رایگان به معلمان خدمات برسانیم.

● **جناب مظفری از شما به خاطر شرکت در این گفت‌وگو سپاس گزاریم.**

※

□ مرکز تحقیقات معلمان اصفهان زیر نظر معاونت پژوهشی اداره کل آموزش و پرورش اداره می‌شود.

آقای مجید مظفری (متولد ۱۳۳۵) که از سال ۸۳ تاکنون مدیریت مجموعه را برعهده دارد، مدرک مهندسی صنایع دارد و در دو رشته مدیریت سیستم و بهره‌وری، و مهندسی متالورژی، مدرک کارشناسی ارشد گرفته است.

● سایت مرکز به نشانی www.TRC.ISFED4.org به روز و فعال است. بازدید از آن شما را با جلوه‌های بیشتری از این نهاد علمی-آموزشی و پژوهشی آشنا می‌کند.

● مرکز تحقیقات، واحد نجوم نیز دارد و دو دستگاه تلسکوپ ۱۰ اینچی در آن مستقر است. معلمان برای آموزش‌های مرتبط با کتاب‌های درسی، به این واحد مراجعه می‌کنند.

درباره کتابخانه

خود درخواست و پس از یک هفته، آن را با بیک رایگان، در محل کتابخانه دریافت‌کنند.

- کتابخانه مرکز تحقیقات، از نظر دارا بودن عنوان کتاب بسیار غنی است و از این جهت، بعد از آستان قدس رضوی قرار دارد. مثلاً به اظهار مدیر مرکز، تعداد عناوین کتاب‌های معماری این مرکز، از تعداد عناوین کتاب‌های معماری دانشگاه صنعتی شریف بیشتر است.

- در این کتابخانه هر سال پنج تا شش هزار کتاب و جین و از رده خارج می‌شود که برای استفاده، در اختیار سایر کتابخانه‌های آموزش و پرورش استان قرار می‌گیرد.

● ساعات کار روزانه مرکز از ۷/۳۰ تا ۱۹/۳۰ و موزه از ۸ تا ۱۳ است.

کتابخانه مرکز تحقیقات معلمان اصفهان ویژگی‌هایی دارد که آشنایی با آن‌ها ضروری است:

- ۱۸۰/۰۰۰ مجلد کتاب (۱۲۰/۰۰۰ عنوان) دارد.

- با هفت کتابخانه بزرگ اصفهان مبادله کتاب دارد؛ این کتابخانه‌ها عبارت‌اند از: دانشگاه صنعتی اصفهان، دانشگاه مالک اشتر، کتابخانه مرکزی دانشگاه اصفهان، دانشگاه هنر، دانشگاه علوم پزشکی، دانشگاه پیام نور و کتابخانه مرکزی شهرداری اصفهان.

- سایت‌های این هشت کتابخانه با یکدیگر لینک می‌شوند و عضو هر کتابخانه می‌تواند کتاب مورد نیاز خود را از هر کتابخانه‌ای که باشد، از کتابخانه محل عضویت



عطاءالملک دهش



در گذری که بر تصاویر دیوارها و درنگ بر ویرتینها و مطالعه در اسناد موزه داشتیم، نکته‌های جالب توجهی مشاهده کردیم؛ از جمله:

- عکسی از دانش‌آموزان دبیرستان سعدی اصفهان در سال ۱۳۳۱ به دیوار نصب شده که دانش‌آموزی به نام **سید محمد حسینی بهشتی** (شهید بهشتی) بین آن‌ها دیده می‌شود.

- سندی وجود دارد مبنی بر این که مدیر مدرسه صارمیه به اداره گزارش داده است دو روز حقوق **احمد آرام** (استاد احمد آرام، مترجم برجسته بعدی)، به علت غیبت از مدرسه کسر شود. - در محل ورودی موزه، ویرتینی به معرفی آثار آقای **اسفندیار معتمدی** (عضو فعلی هیئت تحریریه رشد معلم و دبیر اسبق فیزیک مدارس اصفهان)، اختصاص یافته است.

- عکسی از عطاءالملک داخل یکی از اتاق‌ها نصب شده که اگر در ورودی بنا نصب می‌شد، شایسته‌تر بود.

لوح‌های تقدیر، مدال‌ها و جام‌های ورزشی، تصاویر اولین معلم ورزش اصفهان و...

۷. **آموزش و پرورش و دفاع مقدس**: بازتاب فعالیت فرهنگیان و دانش‌آموزان، شهدای فرهنگی و بسیجی، آثار بازمانده از شهیدان و... در این قسمت قابل مشاهده است.

۸. **واحد رایانه**: به منظور حفظ سلامت اسناد و مدارکی که در موزه نگهداری می‌شود، اسناد را به صورت لوح فشرده درآورده‌اند که پژوهشگران و دیگر علاقه‌مندان می‌توانند از آن‌ها استفاده کنند.

۹. **واحد پژوهش**: کمک به پژوهشگران حوزه تاریخ آموزش و پرورش اصفهان، برنامه‌ریزی برای برگزاری همایش‌های علمی، فراخوان مقالات و... از فعالیت‌های این واحد است.

۱۰. **انتشارات موزه**: چاپ مقالات، بروشورهای تبلیغاتی، کارت‌های ویژه برای بزرگداشت شهدای فرهنگی و امثال آن، از فعالیت‌های این بخش است.

شهید (آیت‌الله)
سید محمد حسین بهشتی
در میان دانش‌آموزان
دبیرستان سعدی (۱۳۳۱)



آسیب‌شناسی

آسیب‌شناسی یا پاتولوژی^۱ به معنای علم شناخت بیماری‌هاست و در زبان فارسی به ناخوشی‌شناسی، علم تشخیص امراض، مطالعه علائم غیرعادی، انحراف از حالت طبیعی و... ترجمه شده است. جامعه‌شناسانی که این واژه را وام گرفته‌اند و از آن آسیب‌شناسی اجتماعی^۲ را ساخته‌اند، برخلاف پزشکان، به سختی قادرند بگویند که در جامعه، مرزهای تثبیت‌شدهٔ هنجارهای فرهنگی کجاست و چگونه است. با وجود این، مسلم است که اگر هنجار پذیرفته شده از سوی افراد جامعه نادیده گرفته شود، کز رفتاری به وجود می‌آید و کردار و رفتار انسان شکل و شمایل بیماری به خود می‌گیرد.

آسیب اجتماعی و مشکل اجتماعی

خودکشی، اعتیاد و فحشا، از انواع آسیب‌های اجتماعی تلقی می‌شوند. باید دانست که آسیب اجتماعی با مشکل اجتماعی متفاوت است. مفهوم آسیب‌شناسی از علوم زیستی گرفته شده است و در معنای اجتماعی به معنای مطالعهٔ بی‌سازمانی‌های اجتماعی نظیر: فقر، بیکاری، تبعیض و... همراه با علل و عوامل و شیوه‌های درمان آن‌ها و همچنین شرایط بیمارگونه و نابهنجار اجتماعی است. این مفهوم گستره‌ای بسیار وسیع دارد و از ابعاد ارزشی فراوانی نیز برخوردار است؛ اگرچه در مورد قلمرو آن اتفاق نظر نیست. اما به طور کلی، موضوع آسیب‌شناسی اجتماعی شناخت دردها و نابسامانی‌های اجتماعی، مسائل مربوط به نقش و آثار جرائم و جنایات، فقر و اعتیاد، فحشا و الکلیسم، خودکشی و نابسامانی، تخاصم گروه‌ها و طبقات، آثار و عوارض اختلالات روانی در جامعه، تبعیض‌ها، پیش‌داوری‌ها، کشمکش‌های

آسیب اجتماعی چیست؟

آسیب‌های اجتماعی که به تعبیر بعضی از اندیشمندان حاصل و معلول مستقیم عصر صنعتی شدن است، در اکثر جوامع وجود دارد. مهم این است که بدانیم این آسیب‌ها چرا به وجود آمده‌اند؟ آیا وجود آسیب‌ها در جوامع امری اجتناب‌ناپذیر است یا می‌توان جامعه‌ای بدون آسیب داشت؟ پاسخ به این پرسش‌ها، مستلزم شناخت نظریه‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی است که هر کدام می‌کوشند مسائل، آسیب‌ها و بحران‌های اجتماعی را از نظرگاه‌های متفاوت تبیین کنند.

مشکلات اجتماعی نوجوانان

اجتماعی شدن فرایندی است که در آن هنجارها، انگیزه‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای فرد شکل می‌گیرد تا ایفای نقش کنونی یا آتی او در جامعه، به عنوان مهارتی مناسب و مطلوب شناخته شود. پس می‌توان گفت، مهارت‌های اجتماعی به رفتارهای آموخته شده و مقبول جامعه اطلاق می‌شود. رفتارهایی که شخص می‌تواند طی آن با دیگران به نحوی ارتباط متقابل برقرار کند. در برابر «مهارت اجتماعی»، «مشکل اجتماعی» نیز وجود دارد که به مانع به وجود آمده در فرایند انطباق و سازگاری نوجوانان با جامعه اشاره دارد. نوجوانان علاوه بر رشد جسمی و شناختی، نیاز دارند که از نظر اجتماعی نیز رشد کنند. روابط اجتماعی با هم‌سالان و ادراک از خود، عواملی هستند که در رشد اجتماعی نوجوانان نقش مهمی دارند. پژوهش‌هایی که در مورد روابط اجتماعی با هم‌سالان انجام گرفته است، نشان می‌دهد که روابط ضعیف با گروه هم‌سن، با الگوهای عمومی منفی «ادراک از خود» همراه است.

آسیب‌شناسی
یا پاتولوژی
به معنای
علم شناخت
بیماری‌هاست و
در زبان فارسی به
ناخوشی‌شناسی،
علم تشخیص
امراض، مطالعهٔ
علائم غیرعادی،
انحراف از حالت
طبیعی و... ترجمه
شده است

آسیب‌های اجتماعی

مریم سلیمی
دبیر آموزش و پرورش منطقه ۱۵ تهران



به مواد مخدر پیدا می‌کند و آن موقع دیگر هیچ چیز و هیچ کس را نمی‌شناسد، به راحتی اهانت می‌کند، به راحتی خانه را ترک می‌کند، خانواده را در مرحله بعد از اعتیاد قرار می‌دهد، دوستان معتادش برایش «مرواریدی در صدف» می‌شوند. این فرد دیگر انسان عادی نیست. تحملش کم می‌شود و به اندک بهانه‌ای از کوره درمی‌رود و داد و فریاد می‌زند؛ غافل از این که مغز او دیگر کارایی لازم را از دست داده است.

زیان و خطرات اعتیاد

اعتیاد جنبه‌های متعددی دارد که برای نمونه به مواردی از آن اشاره می‌کنم:

الف. جنبه فردی: اعتیاد دارای عوارض جسمی و عوارض روانی و در نتیجه موجب پیدایش کجروی‌هاست. بخشی از جمعیت زندان‌ها را معتادان تشکیل می‌دهند و اینان غالباً از کسانی هستند که برای تأمین پول دارو و مواد مخدر، تن به دزدی، جنایت و خودفروشی می‌دهند.

دیگر عوارض اعتیاد عبارت است از:

- بروز تغییرات بدنی و عوارض جسمی در فرد معتاد؛
- تخفیف تمایلات جنسی فرد و نقصان میل در او که خود پدیدآورنده بدبینی‌هاست؛

- اختلال در سازگاری روانی فرد و پیدایش کج رفتاری در او که زمینه‌ساز بیماری روانی است؛

- پیدایش حالت رویایی در نحوه احساس، تخیل، درک از زمان و مکان و غلبه افکاری مبهم بر او؛

- اختلال در حرکات ارادی؛

- سلب ابتکار و اراده؛

- پیدایش حالت جنگ و ستیز با خود و بعدها با دیگران؛ یعنی امری صرفاً زیستی، به امری اجتماعی تبدیل می‌شود.

ب. جنبه اجتماعی: چه بسیارند معتادانی که از راه خودفروشی و فحشا مرتکب جرم می‌شوند و حتی دزدی و آدم‌کشی می‌کنند تا پول مورد نیاز را به دست آورند.

شخص معتاد از ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی دورو تهی است و نمی‌تواند تابع قانون باشد. اثر زیان‌بار اعتیاد در نسل خطر آفرین است و این امر در جنین و نسل اثر می‌گذارد.

از دیگر زیان‌های اجتماعی اعتیاد، موارد زیر را می‌توان مورد اشاره قرار داد:

- گاهی به معتاد حالت هذیانی دست می‌دهد که در این حال از ضرب و جرح و قتل باکی ندارد.

- موجب فساد نسل و کاسته شدن از مولید و افزایش متوفیان می‌شود.

ج. جنبه اقتصادی: یک محاسبه ساده در جامعه ایرانی ما می‌تواند دامنه این ضایعه را نشان دهد که تا چه حد است:

با فرض این که یک میلیون نفر معتاد، هر یک برای اعتیاد خود روزانه فقط ۲۰۰۰ ریال مصرف کند، رقم آن ۲ میلیارد ریال در روز، ۶۰ میلیارد ریال در ماه و ۷۲۰ میلیارد ریال در سال می‌شود! و این ضایعه بزرگی برای اقتصاد کشور است. و البته می‌دانیم که در واقعیت امر بسیار بیشتر است. ضمن این که تنزل اقتصادی برای خود فرد هم هست، بنابراین، معتادها از کار و شغل و کسب

اجتماعی، بز هکاری‌های کودکان، نوجوانان و جوانان، صور و اشکال انحراف، علل و عوامل پیدایش آن شیوه‌ها و راه‌های پیشنهادی برای پیش گیری و درمان آن‌هاست.

تعبیرات اسلامی در این زمینه

مطالعه در آثار اسلامی این نکته را به ما تفهیم می‌کند که اسلام در رابطه با جامعه و جمع از تعبیراتی استفاده می‌کند که گویی جامعه چون پیکر است و مردم هم چون اعضای آن هستند. برای مثال، در روایتی از رسول اکرم (ص) آمده است: **اَلْمُسْلِمُونَ كَيِّدٌ وَاحِدٌ**: مسلمان‌ها همه چون یک دست هستند. و یا شعر معروف سعدی، حاکی از همین انداموار دانستن جامعه است:

بنی آدم اعضای یک پیکرند

که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار

دگر عضوها را نماند قرار

در ادامه، از انواع آسیب‌های اجتماعی، مسئله اعتیاد را که امروزه یکی از مشکلات حاد و آسیب‌های اجتماعی تباه کننده در جامعه ماست، بررسی می‌کنیم.

آسیب شناسی اجتماعی اعتیاد

ضروری است نخست متذکر شویم: انسان موجودی است که در سایه حیات اجتماعی به زندگی انسانی رسیده است. اگر حیات اجتماعی از حیات انسان‌ها حذف شود، فرد آدمی هرگز موفق نخواهد شد خویش را بسازد و به اصول و ضوابط مدنیت و حقوق، آشنا و یا بدان عامل گردد.

حیات گروهی خاص انسان نیست. بسیاری از حیوانات و شاید همه آن‌ها به نحوی حیات جمعی دارند، ولی با درجات و مراتبی از شدت و ضعف. در تفاوت اساسی حیات گروهی انسان (حیات اجتماعی) با حیوان، این نکته را ذکر کرده‌اند که عامل پدیدآورنده آن برای انسان، اندیشه و تعقل و برای حیوان غریزه و یا هدایت تکوینی و الهی است. انسان‌ها در سایه عقل و فکر به گرد هم آمده و در تحقق اهداف مشترک و انسانی، با نظم و ترتیب دقیقی همکاری می‌کنند.

حیات اجتماعی انسان‌ها در مواردی، به علل و انگیزه‌های گوناگونی، دچار عوارض و اختلالاتی می‌شود که آن را آسیب اجتماعی می‌نامیم.

اعتیاد

یکی از آسیب‌های اجتماعی است که سلامت فرد و جامعه را به خطر می‌اندازد، موجبات انحطاط روانی و اخلاقی افراد را فراهم می‌آورد، حالت پرخاشگری به افراد می‌دهد و حتی در مواردی فرد را به دیوانه‌ای خطرناک تبدیل می‌کند، طوری که ممکن است خود و دیگران را بکشد.

امروزه اعتیاد بیش از پیش به مشکلی بزرگ در جوامع بشری تبدیل شده است. زیرا مخلوط کردن مواد مخدر با مواد بسیار خطرناک دیگر و استفاده از آن‌ها، سیستم مغزی، فکری، ذهنی و عقلی فرد معتاد را متلاشی می‌کند. مواد مخدر در ابتدا دوست داشتنی و عاقبتش جهنمی است که همه را می‌سوزاند. وقتی فردی به مواد آلوده شود و سیستم بدن او عادت کند، نیاز بیشتری

تحقیقات

گسترده در

کشورهای

گوناگون جهان

نشان داده

است که افراد

معتاد پیش

از بقیه به

خانواده‌های از

هم پاشیده و

بی ثبات‌تعلق

دارند

بازمی‌مانند، و ناچار انگل خانواده و اجتماع می‌شوند. ضمن این‌که هیچ‌گونه مسئولیتی در برابر هیچ چیز احساس نمی‌کنند و همیشه دیگران را مسئول رفتار خود می‌دانند.

د. جنبه سیاسی: معتادان پای‌بند قوانین و مقررات جامعه نیستند و به سادگی بدان تن در نمی‌دهند. در فعالیت‌های سیاسی مشارکتی ندارند. قادر به انجام خدمات دفاعی نظامی نیستند. حالت بی‌تفاوتی و حتی ضدقانونی آن‌ها سبب آن می‌شود که سیاست‌بازان جهان به این قشر چشم بدوزند و آن‌ها را عاملان جنایت و قتل و خرابی قرار دهند.

کمترین صدمه اینان خنثا و بی‌تفاوت شدن است. در جریانات و وقایع سیاسی، کاری به کار مملکت ندارند. دلشان در گرو مواد مخدر است؛ به هر قیمتی و به هر صورتی که به دست آید.

بنابراین، بین جرم و اعتیاد رابطه‌ای مستقیم برقرار است و معتادان از راه ارتکاب جرم و ضدیت با قوانین، مواد مورد نیاز خود را تأمین می‌کنند. قانون‌شکنی برای آن‌ها شرم‌آور نیست و در موارد نیاز شدید، تن دادن به جنایت، حتی قتل و سرقت و ترور، برایشان کاری آسان است.

اعتیاد و محیط خانواده

مهم‌ترین علت اعتیاد در سطح میانه خانواده است. روابط خانوادگی و الگوهای رفتاری خانواده نقش مهمی در سوق دادن افراد به استفاده از مواد مخدر دارد. تحقیقات گسترده در کشورهای گوناگون جهان نشان داده است که افراد معتاد بیش از بقیه به خانواده‌های از هم پاشیده و بی‌ثبات تعلق دارند.

آشفته‌گی خانوادگی از توانایی نوجوانان و جوانان برای سازش با انواع فشارهای روانی می‌کاهد و این عامل، نوجوان را برای استعمال مواد مخدر مستعد می‌کند.

اعتیاد در سطح میانه / گروه همالان

از دیگر عواملی که در سطح میانه می‌تواند در اعتیاد و سوءمصرف مواد مخدر به خصوص در میان جوانان و نوجوانان مؤثر باشد، گروه همالان یا هم‌سالان است. این گروه شامل کودکان هم‌بازی، حلقه‌های دوستانه در محله‌ها و مناطق روستا و شهر و گروه‌های دوستی در مدارس و دانشگاه‌هاست که اعضای آن‌ها موقعیت اجتماعی نسبتاً برابر و پیوندهای نزدیکی با هم دارند. در این گروه‌ها، افراد به خاطر این‌که همدیگر را دوست بدارند و یا به همدیگر احترام بگذارند و یا برای این‌که می‌خواهند شبیه به هم باشند، نظریات همدیگر را می‌پذیرند. شخص در گروه هم‌سالان غالباً آن‌طور نیست که ممکن است در خانواده باشد. گروه هم‌سالان یکی از عوامل مهم در روی آوردن افراد به مواد مخدر است.

علل اعتیاد و مشخصات فردی

خصوصیات شخصیتی و روانی شاید یکی از علل گرایش افراد به مواد مخدر باشد. مطالعاتی که روان‌شناسان با استفاده از تست روان‌شناسی M.M.P.L در مورد اعتیاد انجام داده‌اند، نشان می‌دهد که معتادان در میزان‌های اضطراب، احساس تنهایی، گرایش به افسردگی، فقر در روابط عاطفی

و احساس بی‌کفایتی، نمرات بیشتری نسبت به گروه گواه دریافت کرده‌اند. مطالعه دیگری که در ایران، در یک نمونه ۱۰۰ نفری از معتادان بیمارستان ونک انجام گرفته، نمایانگر وجود سابقه بیمارگونه شخصیتی و روانی در معتادان است. براساس این تحقیق، معتادان بیشتر منزوی و افسرده بودند و دلهره و اضطراب داشتند و تماس چندانی با مردم نداشتند. از نظر عاطفی، نابالغ، عصبانگر، پرخاشگر و بی‌قرار بودند و از رشد اجتماعی برخوردار نبودند.

در یک مطالعه دیگر که روی ۱۱۶۷ معتاد انجام گرفت، معلوم شد که بیشتر معتادان، مواد مخدر را عامل از بین بردن مشکلات روانی خود می‌دانستند. فقدان هدف و زندگی ایده‌آل، ناامیدی و نداشتن اعتمادبه‌نفس و ضعف اراده، شکست در رسیدن به آمل، زودرنجی، شخصیت تلقین‌پذیر، نداشتن اعتماد به محیط و آینده، عقده حقارت، رشد ناسالم شخصیت، کنجکاری، تمایل و کشش مصرف، سرخوردگی در زندگی و اجتماع، از دیگر عوامل شخصیتی و روانی افراد است که به سوءمصرف مواد مخدر منجر می‌شود.

علل جسمانی اعتیاد

علاوه بر عوامل شخصیتی و روانی، عوامل جسمانی نیز در سطح فرد مطرح است. اعتیاد والدین، اثر ارثی مستقیم در اعتیاد فرزندان دارد. کودکانی که مادرانشان به مواد مخدر معتادند، با اعتیاد به همان ماده‌ای متولد می‌شوند که مادر به آن اعتیاد دارد. در مورد انتقال اعتیاد از طریق ژن‌ها، هنوز تحقیقات دقیقی به عمل نیامده است. گرایش به اعتیاد در نژادهای گوناگون متفاوت است. زردپوستان و سفیدپوستان بیش از سیاه‌پوستان معتاد می‌شوند. البته در ایران این مسئله به دلیل نبود تنوع نژادی صادق نیست. اگر در خانواده، پدر، مادر یا هر دو معتاد باشند، فرزندان به همان ماده‌ای که والدین معتاد هستند، اعتیاد پیدا می‌کنند؛ سپس در ادوار متفاوت سنی، نوع اعتیاد خود را تغییر می‌دهند.

یکی دیگر از دلایل جسمانی اعتیاد به مواد مخدر، تجویز موقت مواد مخدر و ترکیبات دارویی اعتیادآور توسط پزشک یا افراد دیگر برای تسکین موقت درد است. همین تسکین موقت، همراه با نگرش‌های مثبت، فرد را تشویق می‌کند که به استعمال مواد ادامه دهد.

پی‌نوشت

۱. کلمه پاتولوژی (pathology) در واژه‌یونانی pattoos به معنای احساسات، تجربه، غضب، رنج، محنت و آسیب ریشه دارد.

2. Social Pathology

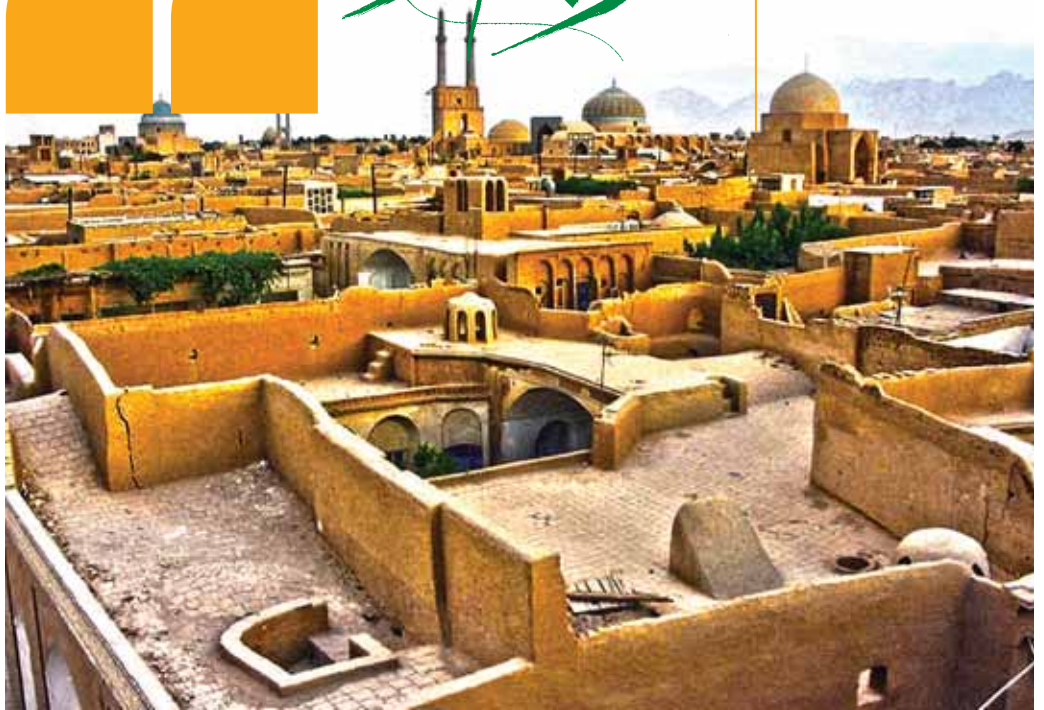
منابع

۱. خسروپناه دزفولی، عبدالحسین. آسیب‌شناسی جامعه دینی. نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها. پژوهشگاه فرهنگ و معارف قم. دفتر نشر معارف. ۱۳۷۷. تهران.
۲. سهراب‌زاده، مهران. فرهنگ‌نامه آسیب‌های اجتماعی. جامعه‌شناسان ۱۳۸۹ زیر نظر اداره مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران. تهران.
۳. قائمی، علی. آسیب‌ها و عوارض اجتماعی (ریشه‌یابی، پیش‌گیری، درمان). انتشارات امیری. چاپ دوم. ۱۳۶۶.
۴. کوثری، مسعود و دیگران. اینترنت و آسیب‌های اجتماعی (مجموعه مقالات). نشر تهران. سلمان. ۱۳۸۷.
۵. میرزایی، حسنعلی. پرخاشگری و راه‌های کاهش آن. فراگفت. چاپ ۱۳۸۷.

شهر یزد

ویژه نامه آموزش و پرورش استان یزد

شهید آیت الله صدوقی



شده به وسیله زرتشتیان خیر و نیکو کار ساخته شد.

اولین دولت مردی که مدرسه ای را به سبک نوین در یزد تأسیس کرد، میرزا فتح الله خان مشیر الممالک بود. به طور کلی اندیشمندان، علما و روشنفکران یزد در دوره قاجار تحت تأثیر فرهنگ جدید، به تأسیس مدارس نوین اقدام کردند.

وقوع انقلاب مشروطه، تأثیر بسیار مثبتی در آموزش و پرورش ایران به جا گذاشت. بویژه با دولتی و اجباری شدن سوادآموزی، زمینه مناسبی برای تأسیس مدارس نوین در شهرهای ایران چون یزد فراهم شد.

مدارس نوین در یزد

آموزش در مدارس نوین، به طور کلی از نظر نوع دروس، شیوه تدریس، شیوه ارزش یابی و وسایل تدریس، با آموزش مکتب خانه ای متفاوت بود. در این مدارس، علاوه بر آموزش خواندن و نوشتن، حساب کردن و تعلیم مسائل شرعی، به تدریس تاریخ، جغرافی، ورزش و علوم تجربی و کاربردی نیز پرداخته می شد.

مدارس نوین در یزد به دو دسته تقسیم می شدند: مدارس ملی و مدارس دولتی.

۱. مدارس ملی خود دو دسته بودند: الف) مدارس که توسط خیرین و بزرگان مسلمان تأسیس می شدند و اداره کردن و نیز هزینه آن ها اعم از حقوق معلمان، کمک به دانش آموزان بی بضاعت و هزینه های دیگر، به وسیله مؤسسان، دریافت شهریه از دانش آموزان و کمک هزینه دولت تأمین می شد؛ ب) مدارس اقلیت های مذهبی شامل مدارس زرتشتیان، مسیحیان و یهودیان که به هزینه خیرین آن ها تأسیس و اداره می شد.
۲. مدارس دولتی که تأسیس، اداره و مخارج آن ها بر عهده دولت بود.

یزد از دیرباز یکی از مراکز مهم علمی و فرهنگی ایران به شمار می رفته، از این رو علما و دانشمندان بسیاری را در خود پروراند است. چون یزد در مرکز جغرافیایی ایران و در دل کویر واقع شده است، به سهولت قابل دسترسی نبوده، در نتیجه کمتر مورد تهاجم قرار گرفته و در طی تاریخ از امنیت نسبتاً مناسبی برخوردار بوده است. به علاوه، مذهبی بودن جامعه و توجه مردم به مسائل دینی، موجب اهتمام آنان به امر تعلیم و تربیت شده و توجه بزرگان شهر را به ساخت مراکز دینی و علمی و سنت حسنه وقف معطوف کرده است.

از ویژگی های بارز مردم استان یزد، سخت کوشی و پشتکار آنان است. به طوری که مشهور است مردم یزد دارای فرهنگ قنوت و قناعت، یعنی دین داری، سخت کوشی و کم توقعی هستند و همین فرهنگ موجب پایداری و ماندگاری آنان طی قرون و اعصار شده است. در دو قرن اخیر، زرتشتیان از اولین کسانی بودند که زمینه ورود علوم جدید و سبک نوین آموزشی به یزد را فراهم ساختند. روابط تجاری - فرهنگی مردم کرمان و یزد با هندوستان سرزمینی که تحت تأثیر فرهنگ جدید اروپا قرار گرفته بود، در ترویج آموزش نوین در ایران و یزد مؤثر بود. وقتی ملنک جی، یکی از روشن فکران و تحصیل کردگان زردشتی ساکن هند به ایران سفر کرد، ضمن تأسیس مدرسه ای در تهران، تعدادی از کودکان زردشتی یزد را برای تحصیل به تهران برد. این دانش آموزان بعدها از اولین معلمان مدارس جدید یزد شدند که در ترویج روش آموزش نوین و علوم و فنون جدید و نیز تأسیس مدارس مؤثر واقع گشتند.

به طور کلی، تأسیس مدارس نوین در یزد توسط زرتشتیان، تأثیر بسزایی بر فرهنگ استان و اشاعه علوم و فنون جدید داشت؛ به طوری که نیمی از مجموع ۳۰ مدرسه ای که به سبک جدید در دوره قاجار تأسیس



گفت‌وگویی با مدیرکل آموزش و پرورش استان یزد

برای محمدپیرسال

اشاره

محمد کاظم رحیمی نژاد مدیرکل آموزش و پرورش استان یزد است. وی دانش آموخته رشته علوم اجتماعی از دانشگاه اصفهان است و مدرک کارشناسی ارشد همین رشته را نیز در دانشگاه تهران اخذ کرده است. یک سال است که در این مسئولیت خدمت می‌کند و پیش از آن، به مدت شش سال معاون اداره کل بوده است. گفت‌وگوی کوتاه و صمیمانه ما با آقای رحیمی نژاد، در نگاه یک صبح پاییزی و از طریق تلفن انجام شد. با سپاس از ایشان، شما را به خواندن متن گفت‌وگو دعوت می‌کنیم:



□ آقای رحیمی نژاد، اخیراً که ما سردبیران رشد به یزد آمده بودیم، شنیدیم هفده سال پیاپی است یزد رتبه اول قبولی کنکور را در سطح کشور به دست می‌آورد. در این باره توضیح می‌فرمایید!

□ بله، اولاً باید بگویم که ۱۷ سال بود و با امسال ۱۸ سال شد! ثانیاً، استان یزد در این هجده سال نه تنها رتبه اول قبولی کنکور را به دست آورده، بلکه از نظر سطح معدل نمرات آزمون‌های کنکور هم بالاترین استان در کشور است. اما عوامل این موفقیت، دلایل متعدد دارد که من به چند مورد از آن‌ها فقط اشاره می‌کنم: ۱. دین مداری و باور به حاکمیت و نظارت الهی بر امور در مردم.

۲. سخت‌کوشی و پی‌گیر بودن دانش‌آموزان که خصلت عمومی مردم این استان است.

۳. عوامل طبیعی از جمله محیط خشک و کم‌آب استان که موجب تلاش بیشتر مردم از گذشته تا امروز شده است.

۴. تعهد اخلاقی و مسئولیت‌پذیری عموم معلمان مانسبت به کار و شغلشان.

۵. علاقه‌مندی خانواده‌ها نسبت به تحصیل علم و برنامه‌ریزی و آینده‌نگری آن‌ها برای فرزندان‌شان.

۶. توجه خاص مسئولان امر به آموزش و پرورش. مثلاً امامان جمعه یزد - شهید صدوقی و بعد از ایشان آیت‌الله خاتمی و نیز مرحوم شیخ محمدعلی صدوقی و حتی امام جمعه کنونی دیارمان حضرت آیت‌الله ناصری - به آموزش و پرورش خیلی توجه داشته و دارند. و نکته مهم این جاست که این موفقیت‌ها تنها شامل "آموزش" نیست، بلکه در بعد "پرورش" هم وضعیت الحمدلله رضایت‌بخش است.

□ پوشش تحصیلی شما چگونه است؟

□ ما یکی از بالاترین پوشش‌های تحصیلی را در کشور داریم. در ابتدایی ۹۸ درصد و اجدين شرایط و در متوسطه ۸۹ درصد، زیر پوشش‌اند و این با وجود فاصله‌ای حدوداً ۱۰۰۰ کیلومتری است که بین دو نقطه از استان وجود دارد؛ یعنی منطقه دستگردان در مرز استان خراسان و شهرستان خاتم در مرز استان فارس.

اشاره کنم که از نظر سوادآموزی هم، در سال ۱۳۸۵ قرار شده بود پنج استان کشور موظف شوند تا سال ۹۰ تعداد افرادی سواد ۱۰ تا ۴۹ ساله را به صفر برسانند که این کار در یزد هم انجام شد و استان در این کار نیز رتبه اول را به دست آورد.

□ به جز کنکور، قبولی دانش‌آموزان استان شما در امتحانات داخلی چگونه است؟

□ آن هم خوب است. همین دیروز (۹۰/۷/۲۱)، در جلسه‌ای که در ستاد امتحانات اداره کل داشتیم، نتیجه بررسی سه ساله اخیر نمرات درسی دانش‌آموزان دوره‌ها و پایه‌های گوناگون در سطح کشور اعلام شد. در این بررسی معلوم شده بود که نمرات بچه‌های استان یزد در درس‌های فیزیک، شیمی، ریاضی و... در کشور اول است. مثلاً خوب است بدانید، معدل نمرات درسی کل بچه‌های استان یزد در دوره راهنمایی ۱۴/۷۶ است که بالاترین معدل در سراسر کشور است.

□ بعد از استان یزد کدام استان‌ها قرار دارند که به اصطلاح می‌توانند رقیب شما باشند؟

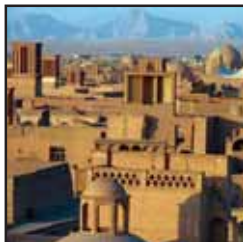
□ از نظر قبولی کنکور، بعد از ما مازندران و سمنان، و از نظر سطح نمرات استان‌های قم و سمنان قرار دارند.

□ آنچه ما مشاهده کرده‌ایم، در استان یزد مدارس از ساختمان‌های خوب و فضای خوبی برخوردارند. آیا همه مدارس همین‌طور است؟

□ البته شما مدارس خوب را دیده‌اید، ما مدارس فرسوده هم داریم و خودمان راضی نیستیم. باین حال، باید بگویم که مشارکت خیرین مدرسه‌ساز و اصولاً مشارکت مردمی در مدرسه‌سازی، بسیار خوب است. در ساخت حدود یک سوم مدارس، خیرین همکاری داشته‌اند. از ۳۰ تا ۱۰۰ درصد. مثلاً یکی از خیرین آقای میرجلیلی است. ایشان که از معماران یزدی مقیم تهران است، شخصاً یک هنرستان شبانه‌روزی در یزد احداث کرده که بالغ بر ۳/۶۰۰ میلیارد تومان هزینه



محمدعلی اسلامی ندوشن | نویسنده



استاد محمد کریم پیرنیا | معمار



برداشته است. اکنون این هنرستان فعال است.

□ مدارس غیر دولتی (غیر انتفاعی) در یزد چگونه اند.

□ ما حدود ۹ درصد و دقیق تر ۷۸ درصد دانش آموزانمان زیر پوشش مدارس غیر دولتی هستیم که عمدتاً در مرکز استان قرار دارند. اگر بخواهم نام ببرم، باید به مجتمع ها و مدارس سیدالشهدا (ع) و شعبه آن در مهریز، جوادالائمه (ع)، امام حسین (ع)، امام حسن مجتبی (ع)، امام موسی کاظم (ع)، خاتم الانبیا (ص)، سما و خالقیه اشاره کنم. خوب است بدانید، در حال حاضر در کل کشور به طور متوسط ۸ درصد دانش آموزان زیر پوشش مدارس غیر دولتی اند، ولی برای مثال، ناحیه ۲ مادر یزد ۱۹ درصد است.

□ سفرهای استانی ریاست جمهوری چه دستاوردهایی برای

آموزش و پرورش یزد داشته است؟

□ نسبتاً زیاد بوده است. از جمله در دور دوم، هفت میلیارد تومان وام قرض الحسنه برای معلمان در نظر گرفته و پرداخت شد. در سفر سوم هم ساخت ۵۲ سالن ورزشی، استخر و ۲۵۰ نمازخانه به تصویب رسید.

□ سؤال آخر: اساسی ترین دغدغه شما برای آموزش و

پرورش استان چیست؟

□ راهبردمان، تفکر قرآنی - جهاد علمی است؛ یعنی همان که مقام معظم رهبری روی آن تأکید دارند. استدلال، تفکر، جهاد علمی و... مواردی هستند که ما تا رسیدن به نقطه مطلوب، از آنها فاصله داریم و باید در این زمینه برنامه ریزی کنیم.

□ بار دیگر از شما تشکر می کنیم.

در سال تحصیلی جاری آموزش و پرورش استان یزد با ۱۷۶۳ واحد آموزشی، ۸۸۶۲ کلاس درس و ۱۳۹۹۴ نفر کارمند شاغل، کار تعلیم و تربیت ۲۰۲۸۹۳ نفر دانش آموز را به عهده دارد. از این تعداد ۱۰۱۹۴۹ نفر در دوره ابتدایی و ۴۷۲۱۴ نفر در دوره راهنمایی و ۵۳۷۳۰ نفر در دوره متوسطه به تحصیل مشغول اند. استان یزد هم چنین از تجربه ۱۰۲۷۶ نفر از پیش کسوتان و بازنشستگان عرصه تعلیم و تربیت برخوردار است. قابل ذکر است که در استان، ۴۸۸ باب کودکستان، شامل ۶۶۶ کلاس، دایر است.

اسامی رؤسای ادارات آموزش و پرورش شهرستان ها و مناطق استان یزد

ردیف	نام و نام خانوادگی	شهرستان
۱	جاوید خطیبی	ابرکوه
۲	سید علی طاهری زاده	اردکان
۳	محمود خواجه ای	بافق
۴	حسن عبداللهیان	بهباد
۵	محمد حسین دهقان	تفت
۶	حسین پورمقدم بهمن	دستگردان
۷	سید یحیی نورالدینی	خاتم
۸	علیرضا کمالیان	صندوق
۹	غلامحسین طاهری	طبس
۱۰	حسن حاضری	مهریز
۱۱	سید حسین اسعدی	میبد
۱۲	محمدرضا برزگری	نیر
۱۳	محمود دانشور	مروست
۱۴	اصغر امیریان	زارچ
۱۵	عبدالحمید صابری	ناحیه یک یزد
۱۶	مرآت امین الرعایا	ناحیه دو یزد
۱۷	مصطفی پایدار	استثنایی

گذری در موزه علوم یزد

کارگاه تاکسیدرمی

در کارگاه تاکسیدرمی، بازدیدکنندگان با چگونگی حفظ و نگهداری انواع جانوران به صورت طبیعی اما بی جان آشنا می شوند. متخصصان این کار علمی و جالب، نمونه های گوناگون حیوانات موجود در موزه را در این کارگاه تاکسیدرمی می کنند.

بخش زمین شناسی

در این بخش، نمونه های گوناگونی از ذخایر معدنی کشور، از جمله سنگ های زیتی، معدنی و انواع فسیل های دیدنی در قسمت های متفاوت به طرز باشکوهی به معرض دید گذاشته شده است. کوه مشهور عقاب یزد و نیز چشمه کهن سال غربال نیز که از آثار کشف شده توسط زمین شناسان است، بینندگان را از قیمت خود مطلع می سازد.

بخش گیاه شناسی

بیش از ۵۰۰ نوع گیاه، با تقسیم بندی علمی در این بخش نگهداری می شود. وجود بیش از ۷۰۰ نوع گیاه دارویی، و دانه های آن ها، همراه با ذکر خواصی که دارند، این بخش را برای محققان در این زمینه علمی آماده کرده است. نمایش اکوسیستم های گیاهی از جمله کوه های شیرکوه و ارنا یزد، در این بخش توجه بینندگان را به خود جلب می کند.

بخش جانور شناسی

در سالن های این بخش، پیکر های تاکسیدرمی شده جانوران گوناگونی، با تقسیم بندی علمی در معرض دید گذاشته شده است. اکوسیستم های جانوری از جمله: جنگل، غار، کوستان، کویر، دشت و قطب، همراه با نمایش حیوانات گوناگونی که در این اکوسیستم ها زندگی می کنند، توجه هر بیننده ای را به خود جلب می کند. اسکلت مهره داران، در سالن اسکلت موزه، بینندگان زیادی دارد. اسکلت طبیعی ۸۰۰ ساله یک انسان، اسکلت های مار و ماهی، لاک پشت و... از نمونه های دیدنی این قسمت است. آغازیان، پستان داران، پرندگان، خزندگان، دوزیستان و ماهی ها، با تقسیم بندی هایی که دارند، در این بخش جا گرفته اند و در هر قسمت نمونه های جالب و نادری از حیوانات به معرض نمایش گذاشته شده اند.

نمونه های طبیعی از بدن انسان و حیوانات نظیر دستگاه گوارش، قلب، دستگاه تنفس، کلیه، تو موهای متفاوت در بدن و... قسمت های تماشایی این بخش را تشکیل می دهند. چنین دو قلوی به هم چسبیده انسان، که دارای ۴ دست، ۴ پا، ۲ قلب و ۴ شش است، مرغ ۴ پا و... از نمونه های استثنایی این بخش است.

موزه علوم یزد در سال ۱۳۶۷ تأسیس شد. محل آن در بخش زیرین ساختمان دبیرستان ایرانشهر یزد است که ساختمانی است قدیمی، با معماری سنتی. مساحت موزه حدود ۳۵۰۰ مترمربع است. موزه در حال حاضر دارای بخش های جانورشناسی، گیاهشناسی، زمین شناسی، نجوم، فیزیک، تاریخ طبیعی و کارگاه تاکسیدرمی است..

بخش نجوم

سالن افلاک نما، سالن تلسکوپ مجهز رایانه ای، قسمت اطلاع رسانی از طریق صوت و تصویر، سیارات منظومه شمسی و گردش زمین، و بالاخره نمایش خسوف و کسوف، قسمت های این بخش را تشکیل می دهد که هر یک به نوبه خود، بینندگان را در جهت معرفی این علم راهنمایی می کند.

بخش فیزیک

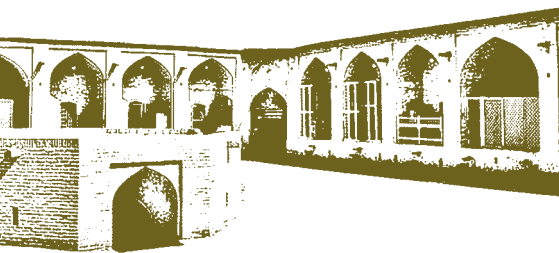
پدیده های جالب و دیدنی علم فیزیک، که اکثراً در زندگی روزمره با آن سروکار داریم، در این بخش نمایش داده می شود. نمایش طرز کار گیرنده ها و فرستنده هایی نظیر رادیو، تلویزیون، ماهواره، آنتن ها، انجام آزمایش های دیدنی در نور، صدا و صوت، نشان دادن فشار غیر قابل تصور هوا، توزین در کره ماه، نمایش قدرت آهن ربای الکتریکی و... از قسمت های اصلی این بخش است.

کار با رایانه و به ویژه رانندگی با رایانه، تغییر چهره و عکس برداری از آن به وسیله رایانه، نمایش قدرت انرژی اتمی، اشعه لیزر، احساس گرما، کابل های نوری، بخش ماهواره، نمایش کارهای جالبی که ربات ها در صنعت انجام می دهند و بخش اختصاصی مجهز رایانه ای، در زمینه لایه ازن و عوامل و علل تخریب آن، این قسمت از موزه را به یک بخش منحصر به فرد تبدیل کرده که بسیار تماشایی است. در فروشگاه موزه، که در بخش فیزیک قرار دارد، وسایل و ابزارهای ساده به فروش می رسد.

بخش تاریخ طبیعی

نام تاریخ طبیعی، یا به عبارت بهتر «دیرینه شناسی» که بر این بخش نهاده شده است، اهداف و ابعاد بخش را مشخص می کند. نمایی از آتش فشان، نمایش دوران های زمین شناسی با ویژگی های هر دوران، مقایسه زندگی دیروز، امروز و فردا، نمایش انواع دایناسورها و اکوسیستم آن ها، قسمت های متفاوت این بخش است که نظر هر بیننده ای را به خود جلب می کند.





محمد تقی بر خردار - سرمایه گذار و کارآفرین



یزد از دیرباز جایگاه والایی در عرصه علم و اندیشه و فرهنگ داشته است و استادانی برجسته در بیشتر زمینه‌ها، هم چون شیخ عبدالکریم حائری یزدی مؤسس حوزه علمیه قم، مهدی آذر یزدی نویسنده کودکان، مهدی بهزاد یزدی پدر علم گراف، استاد فیاض پدر علم قنات، علی اکبر سیاسی پدر علم روان شناسی، علی محمد کاردان استاد روان شناسی و تعلیم و تربیت، محمد کریم پیرنیا استاد معماری، و عالمان بزرگی چون سید محمد محقق داماد، ابوالفضل رشیدالدین میبیدی، سید محمد کاظم یزدی، غلامرضا فقیه خراسانی، شیخ محمد تقی بافقی، سید روح الله خاتمی، شیخ محمد صدوقی و شاعران بنامی هم چون وحشی بافقی، فرخی یزدی، ریاضی یزدی و صدها عالم و فرهیخته دیگر که آوازه آنان فراگیر شده است؛ هم چنین تشکیل مدارس و مراکز علمی جدید و متعدد و انتشار هزاران اثر مکتوب فرهنگی، از جمله نمادهای این مرتبه والاست.

تقدیم ۱۲۲ شهید معلم و افزون بر ۱۰۰ شهید دانش آموز و حضور فعال در عرصه های انقلاب، دفاع مقدس، انتخابات، مناسبت ها و همراهی در اجرای برنامه های نظام، از افتخارات فرهنگیان دارالعباده و دارالعلم یزد است.

استان یزد ۱۶ منطقه، شهرستان و ناحیه آموزش و پرورش دارد. شهر یزد به دو ناحیه آموزش و پرورش تقسیم شده است. اردکان، میبد، صدوق، طبس، تفت، ابرکوه، خاتم، مهریز، بافق و بهاباد، از دیگر شهرستان های استان هستند و بخش های مروست، زارچ، نیر و دستگردان نیز چهار منطقه آموزشی دیگر استان را تشکیل می دهند که از این میان، منطقه زارچ و شهرستان صدوق کمترین فاصله و منطقه دستگردان و شهرستان طبس بیشترین فاصله را با مرکز استان دارند.

اداره کل آموزش و پرورش استان نیز با برخورداری از مدیریت کل، ۶ معاونت، ۲۱ اداره و ۱۳ گروه، به عنوان حوزه ستادی استان در حال فعالیت است.

آموزش و پرورش در یزد



محمد فرخی یزدی، شاعر و آزادی خواه

جلال مسعودی نه تنها مدیر که مؤسس موزه علوم یزد است. به همت و تلاش بی دریغ او بود که قسمت زیرین دبیرستان ایران شهر، که قبلاً مکانی غیر قابل استفاده و تنگ و تاریک بود، در سال ۱۳۶۷ به محلی برای موزه علوم یزد تبدیل شد. جلال مسعودی (متولد ۱۳۲۱)، در همین دبیرستان (ایران شهر) دیپلم گرفت و سپس به دانش سرای مقدماتی رفت و یک سال بعد معلم دبستان های مهریز شد. از آن پس، به مدت ۳۸ سال در سمت های آموزشی، اداری و کارشناسی انجام وظیفه کرد. از این مدت، ۲۳ سال اخیر آن تماماً بر سر تأسیس و مدیریت موزه علوم گذشته است و اکنون، آقای مسعودی در حالی که بازنشسته شده است، یازدهمین سال اداره موزه را پشت سر می گذارد، بدون این که علاقه خود را به این کار مهم، ذره ای از دست داده باشد.

هنگامی که از آقای مسعودی خواستیم یکی از خاطرات شیرین مربوط به دوران معلمی خود را بگوید، گفت: شیرین ترین خاطره ای که در ذهنم مانده، این است که روزی فرزندم را که مریض شده بود نزد پزشک بردم. من پزشک را نمی شناختم، ولی او مرا شناخت و با احترام و محبت بسیار به من گفت: «شما در فلان سال در فلان مدرسه معلم ما بودید.» سپس خودش را بیشتر معرفی کرد و همان جا عکسی را از دوران دانش آموزی خود و هم کلاسی هایش به من نشان داد و گفت: «این ها همه دانش آموزان همان کلاس و همان مدرسه هستند.» بعد ادامه داد: «ما در آن سال در مدرسه حدود ۸۰ نفر و همه شاگردان شما بودیم. حالا از این عده، حدود ۲۵ نفر مان دکتر شده ایم و من این را به شما تبریک می گویم.»

وقتی از آقای مسعودی خواستیم توضیح بیشتری درباره آن مدرسه و این تعداد دانش آموز بدهد، ایشان اضافه کرد، «بلی، این مربوط به حدود ۴۰ سال پیش است که من در جامعه تعلیمات اسلامی رمضان یزد تدریس می کردم و تعداد دانش آموزان حتی بیشتر از ۸۰ نفر بود و ما گاهی از در امتحان ها از بلندگوی دستی استفاده می کردیم.»



جلال مسعودی

مدیر و مؤسس

باشگاه علمی پژوهشی جوان

مقدماتی سطح یک و سطح دو، تکمیلی و پیشرفته، برگزار می شود.

انجمن نجوم

انجمن نجوم در سال ۱۳۸۰ با هدف گسترش و ساماندهی دانش نجوم در زمینه ها و رده های گوناگون تأسیس شد. در این انجمن، دوره های آموزشی و رصد نجومی، در سه سطح مقدماتی، پیشرفته و تکمیلی برگزار می شود.



باشگاه علمی - پژوهشی جوان یزد در سال ۱۳۷۹ با هدف تقویت انگیزه های تحقیقی و پژوهشی در بین دانش پژوهان جوان تأسیس شد. این باشگاه دارای چندین بخش است:

جشنواره خوارزمی

هر ساله در اواخر آذر ماه، گروه مشاوران و داوران جشنواره در محل باشگاه حاضر می شوند و به سؤالات دانش آموزان در زمینه های فنی مهندسی، زیست شناسی پزشکی، علوم انسانی، هنر و... به منظور شرکت در جشنواره جوان خوارزمی پاسخ می دهند.

المپیادهای علمی

المپیادهای علمی هر ساله در سه مرحله در رشته های ریاضی، کامپیوتر، نجوم، زیست شناسی، فیزیک، شیمی و ادبیات برگزار می شود؛ برای برگزیدگان مرحله اول کلاس های آمادگی توسط استادان مجرب و دارندگان مدال های المپیاد دوره های قبلی در محل باشگاه.

انجمن رباتیک

فعالیت های این انجمن شامل دوره آموزشی رباتیک، ارائه مشاوره به دانش آموزان (دبستان، راهنمایی و متوسطه) در زمینه ساخت ربات، اعزام تیم های منتخب به مسابقات داخلی و خارجی (جشنواره رباتیک خوارزمی) و برپایی نمایشگاه است. اهم برنامه های این انجمن عبارت است از برگزاری دوره های آموزش رباتیک، شامل مکانیک، نرم افزار PROTEUS، الکترونیک و برنامه نویسی AVR.

انجمن نانو

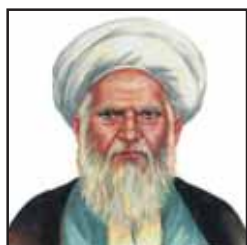
به منظور آموزش مفاهیم پایه و کاربردهای علم نانو به دانش آموزان، انجمن نانو در سال ۱۳۸۷ در باشگاه جوان تأسیس شد. آموزش نانو در سطوح

کارگاه های آزمایشگاهی

دانش آموزان علاقه مند به تحقیق می توانند در ساعات کار باشگاه، روی پروژه های علمی خود در فضای آزمایشگاه و تحت نظر مسئولان مربوطه فعالیت و تحقیق کنند. امکانات آزمایشگاهی باشگاه بدین شرح است:
- آزمایشگاه زیست شناسی در دو بخش جانوری و گیاهی؛
- آزمایشگاه فیزیک در بخش های مکانیک، گرما و نور، الکتریسیته، مغناطیس و الکترومغناطیس؛
- آزمایشگاه شیمی مجهز به دستگاه های اندازه گیری اسپکتروفتومتر، PH متر و کلیه مواد معدنی و آلی.

امکانات و خدمات باشگاه

- سالن مطالعه و تحقیق با ظرفیت حدود ۸۰ نفر
- تارنما (سایت) با پذیرش ۱۵ نفر در ساعت
- سالن کنفرانس های علمی
- کتابخانه با حدود ۵۰۰۰ عنوان کتاب تخصصی
- ثبت اختراعات و معرفی افراد به بنیاد نخبگان
- برگزاری مسابقات علمی
- تفریحی مانند مسابقات پرتاب موشک آبی، سازه های ماکارونی و...
- برگزاری دوره های آموزشی به منظور شرکت در مسابقات آزمایشگاهی.



آیت الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی
مؤسس حوزه علمیه قم



سیدعلی محمدوزیری | مؤسس کتابخانه وزیری



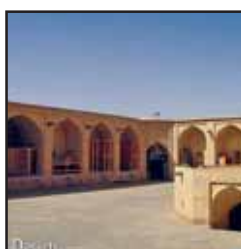
معلمان مؤلف

در میان معلمان استان یزد، بسیاری اهل قلم و دارای تألیفات ارزشمند هستند. در فهرستی که اداره کل آموزش و پرورش یزد در اختیار ما نهاد، اسامی نزدیک به ۱۰۰ معلم با حدود ۱۲۰ تألیف درج شده بود که ذکر نام همه آن‌ها در این جا مقدور نیست. لذا تنها کتاب‌هایی را نام می‌بریم که در حوزه تاریخ و جغرافیا و معرفی مشاهیر استان یا شهرستان‌های یزد تألیف شده است.

ردیف	کتاب	مؤلف
۱	فرهنگ و تاریخ مهریز	مهدی قاضی نسب
۲	زارچ، شهری بر کرانه کویر	جعفر شمس‌الدینی
۳	بهباد	سیدعلی رضوی بهابادی
۴	جغرافیای شهر طبس	محمود امینی
۵	سیمای نصر آباد	کاظم دهقانی نصر آبادی
۶	فرهنگ‌نامه گزستان	بی‌بی سادات میرعلی
۷	تاریخ بافقی	رضا کارگران بافقی
۸	ندوشن، نگین انگشتی کویر	علیرضا احمدی ندوشن
۹	تاریخ سال‌شماری استان یزد	اکبر قلم سیاه
۱۰	گوشه‌هایی از تمدن ماقبل تاریخ غربال بیز	حسین سرجمعی
۱۱	کتاب‌نامه یزد	یدالله آقایی
۱۲	مفاخر یزد	سید محمدکاظم مدرسی
۱۳	شهر بادگیرها	جواد انصاری فرد
۱۴	تذکره شعرای یزد	عباس فتوحی یزدی
۱۵	تاریخ ورزش یزد	علی مدیری
۱۶	تذکره شعرای قرن یزد	علیرضا احرامیان پور
۱۷	تاریخ ورزش باستانی یزد	محسن کلاهی
۱۸	زندگی‌نامه قاضی سید رکن‌الدین محمد	رضا زارع
۱۹	از یغما تا شکیب	مرتضی یغمایی
۲۰	شهید صدوقی و دفاع مقدس	محمد رضا کلانتری سرچشمه
۲۱	کنگره بزرگداشت ابوالفضل رشیدالدین میبدی	یدالله جلالی پندری
۲۲	بررسی قنوات از دیدگاه فنی و مهندسی	علی اصغر سمسار یزدی



مهدی آذریزدی
نویسنده داستان‌های کودک و نوجوان



دکتر علی محمد کاردان
استاد روان‌شناسی و تعلیم‌و تربیت



عظیمه عزیزی ابرقویی

دبیر علوم دینی و معارف اسلامی، حافظ کل قرآن کریم، معلم نمونه کشوری استان یزد در سال ۹۰-۱۳۸۹.



در سال ۱۳۴۹ در خانواده‌ای علاقه‌مند به اهل بیت (ع) در ابرقو (ابرقوه) متولد شدم. تحصیلات ابتدایی را در شیراز گذراندم. از همان کودکی علاقه زیادی به فراگیری معارف اسلامی و قرآن کریم پیدا کردم. تشویق دو تن از دایی‌هایم (سید علی محمد و سید احمد پورنج) که هر دو در جنگ تحمیلی به مقام شهادت نایل شدند، این عشق و علاقه را هر روز بیشتر و بیشتر کرد. با پایان دوره ابتدایی، به همراه خانواده، به زادگاهم ابرقوه برگشتم. پس از تحصیلات راهنمایی ازدواج کردم و دوره متوسطه را به طور داوطلب آزاد با معدل عالی به پایان رساندم (۱۳۶۸). در همان سال با کسب رتبه ۱۶۸ در کنکور سراسری در رشته علوم دینی و معارف اسلامی دانشگاه قم پذیرفته شدم و با همسر و فرزند خود به آن شهر رفتم. با پایان تحصیلات کارشناسی، به ابرقوه مراجعت و از مهر سال ۷۳ خدمت خود را در آموزش و پرورش ابرقوه آغاز کردم. در همان سال، به اتفاق برادر و دوستانم به تأسیس مهد قرآن امیرالمؤمنین (ع) در ابرقوه موفق شدم. در ضمن خدمت رسمی خود در آموزش و پرورش، همکاری در کلاس‌های حفظ قرآن را نیز آغاز کردم که هم‌چنان ادامه دارد.

در سال ۱۳۷۸ در آزمون کارشناسی ارشد رشته علوم قرآنی و حدیث دانشگاه اصول دین قم پذیرفته شدم. در سال ۱۳۸۰ با معدل عالی مدرک کارشناسی ارشد این رشته را دریافت کردم و از آن زمان تاکنون با دانشگاه آزاد اسلامی ابرقوه به عنوان مدرس همکاری دارم.

من موفقیت‌های خود را ناشی از عواملی چند از جمله توکل بر خداوند، اراده و پشتکار، همکاری خانواده، دل‌سوزی و تعهد نسبت به فرزندان کشور عزیز اسلامی ایران، جذب دانش‌آموزان با برخورد محبت‌آمیز و صمیمی و اهمیت دادن به کرامت انسان‌ها به ویژه نسل جوان می‌دانم. امیدوارم بتوانم با این خدمت ناچیز، در اعتلای فرهنگ غنی اسلام و قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام شمر ثمر باشم.

طاہرہ عسکری

مدیر آموزگار. معلم نمونه کشوری استان یزد در سال ۹۰-۱۳۸۹.

در سال ۱۳۵۰ در شهر بافق متولد شدم. تحصیلات راهنمایی و ابتدایی و دبیرستان را در بافق گذراندم. مدرم خانه‌دار و پدرم کارمند بازنشسته شرکت سنگ آهن بافق است. پدرم قبلاً از رزمندگان دفاع مقدس بود. مدتی در جبهه‌های کردستان بود و دو سالی را در جماران گذراند و تا آخر جنگ تحمیلی در جبهه بود و از جان‌بازان جنگ است. پنج خواهر و سه برادر دارم که همگی تحصیل کرده‌اند. خانواده پدری و مادری ما غالباً اهل مطالعه و تحصیل بوده‌اند و این محیط روی فرزندانمان تأثیر خوبی داشته است.

در دوران راهنمایی و دبیرستان، همواره در مسابقات علمی، فرهنگی و هنری و... شرکت می‌کردم و رتبه‌های خوبی کسب کردم. در سال ۶۷، نفر اول در مسابقات کتاب‌خوانی بوده‌ام. در زمان جنگ، همراه مادر و مادر بزرگم به ستاد جمع‌آوری کالا برای رزمندگان به خیاط‌خانه و به همراه جهادسازندگی به روستا می‌رفتیم و فعالیت داشتیم. دوره تربیت معلم خود را در رشته آموزش ابتدایی، در مرکز تربیت معلم فاطمه‌الزهر (س) یزد دوره کارشناسی را در مرکز تربیت معلم شهید دکتر پاک‌نژاد گذرانده‌ام.

در فروردین ماه ۷۱ ازدواج کردم. همسرم جانباز ۴۰ درصد و آزاده هشت ساله است. او در مرداد ماه ۶۸ به ایران بازگشت و با توجه به این که قبل از اسارت، در کنکور سراسری قبول شده بود، در مهر ماه ۶۸ به دانشگاه علوم پزشکی اهواز رفت و تحصیل خود را آغاز کرد. دو فرزند دارم. پسرم محمده از دانش‌آموزان ممتاز است. دخترم طوبی نیز پنجم ابتدایی و ممتاز است. او امسال در دوره ابتدایی در مسابقات شطرنج نفر اول شده است.

خودم تا سال ۸۵ به عنوان آموزگار و مربی پرورشی خدمت می‌کردم. در طول آن دوره، در زمینه‌های گوناگونی فعالیت داشتم و رتبه‌های منطقه‌ای و استانی در تدریس، طرح‌های کرامت و بهبود و... کسب کردم. در زمینه علمی و پژوهشی نیز فعالیت دارم و مقالاتی را نیز برگزیده کشوری دارم که به چاپ رسیده‌اند. از سال ۸۵ تاکنون به عنوان مدیر آموزشگاه استثنایی، افتخار خدمت دارم. سال تحصیلی ۸۹-۹۰ به عنوان معلم نمونه کشوری انتخاب شده‌ام که امیدوارم لایق این عنوان باشم.

خدا یا چنان کن سرانجام کار
تو خوشنود باشی و ماستگار



دکتر محمد حسین بابلی یزدی
استاد جغرافیا و مردم شناس



مدرسه فکر

ودانش آموزان فردا

محمد رضا حشمتی
سر دبیر مجله رشد راهنمایی

کلیدواژه‌ها:
فرصت یادگیری، محیط
یادگیری، محیط تعامل
فردانش، ارزش بایستی توصیفی.

از خود گذشته‌گی، تعاون، مشارکت، مسئولیت‌پذیری، دروغ‌نگفتن، رعایت حقوق دیگران و... صحبت می‌کنیم. در حالی که یادگیری این موضوعات با سخن‌رانی و خواندن متون حاصل نمی‌شود. بچه‌ها باید با این اخلاقیات زندگی کنند تا آن را یاد بگیرند و بخشی از وجودشان شود. زندگی کردن با این فضایل، به فرصت احتیاج دارد؛ همان فرصت یادگیری!

این فرصت‌ها باید با تآنی و آرامش، اما پر چالش در مدارس ایجاد شود. آرامش به معنای کندی نیست؛ به معنای نداشتن اضطراب و هیجان است. دانش‌آموز باید در محیطی مملو از صلح و صفا، این مفاهیم را یاد بگیرد. برای مثال، باید برای او فرصت ایثار کردن پیش بیاید تا آن را یاد بگیرد. نمی‌شود این مفاهیم را قراردادی و کلاسیک به دانش‌آموزان آموخت. باید ببیند که از معلمان مدرسه یا هم‌کلاسانش کسی بدون این که دیگری متوجه شود، از حق خود می‌گذرد یا نه؟ نه این که از حق خودش بگذرد تا به او یک امتیاز مثبت در کارنامه تعلق بگیرد. متأسفانه، امروز کنترل که بر معلمان و دانش‌آموزان اعمال می‌شود، بی‌سابقه و بی‌معناست و با ذات معلمی سازگاری ندارد. در چنین فضایی، دانش‌آموز چگونه می‌تواند آیین شهروندی را یاد بگیرد؟ فرصتی برای او ایجاد نمی‌شود! آن‌قدر رقابت فردی و مادی در مدارس زیاد شده که کارکرد جمعی مدارس از بین رفته است.

با توجه به آن‌چه بیان شد، اگر "مدرسه فردا" بخواهد برای "دانش‌آموزان فردا" کارکرد اصلی خود را داشته باشد، انجام اقدامات زیر از سوی مسئولان امور اجتناب‌ناپذیر است.

• فراهم ساختن محیط جذاب، توجه به معماری و ترکیب فضا، انتخاب رنگ‌ها و مؤلفه‌ها، فضای سبز، مطابق نیازمندی‌ها و خصوصیات اسلامی، محلی و بومی.

• فراهم ساختن محیطی ایمن و امن از ابعاد گوناگون، به گونه‌ای که در این محیط، امکان پرورش و شکوفایی استعدادها، خلاقیت و توانمندی‌های نهفته در ذات انسان‌ها فراهم آید و فراگیرندگان با دریافت این احساس امنیت و ایمنی، خارج از محدودیت‌ها، ممنوعیت‌ها و برخورد‌های شدید، فرصت یادگیری، تفکر، تجربه، خطا و یادگیری از خطاهای خود را داشته باشند.

• فراهم ساختن محیطی برای تربیت مهارت‌های فکری، عملیاتی، رفتاری، و تعقل در کنار تعلیم دانش، و ایجاد ساز و کارهای

کانت در رساله واکنش به "تعلیم و تربیت" گفته است: "تعلیم و تربیت مهم‌ترین و مشکل‌ترین مسئله‌ای است که انسان با آن درگیر است" [ادگار مورن، ۱۳۸۳: ۹]. از این رو برخی اندیشمندان مدعی شده‌اند که "علم تعلیم و تربیت، جدلی‌ترین، متغیرترین، پیچیده‌ترین و متنوع‌ترین علوم است [همان، نقل از ماکارنکو]."

هم‌چنین، برخی اعتقاد دارند "فرمول تعلیم و تربیت هنوز پیدا نشده است [همان، نقل از اسکار اشپیل]."

راستی! چرا آموزش و پرورش چنین وضع پیچیده‌ای دارد؟ به نظر می‌رسد، یکی از علت‌ها این است که مدرسه محلی است که در آن کنش‌هایی از جنس عمل رخ می‌دهد و فعالیت‌های آن در حیطه شدن قرار دارد. به عبارت دیگر، در این محیط، مدام کنش‌های جدید انجام می‌شود و زایش پدیده‌های آموزشی آنی است. این همان ویژگی "پدیده‌زایی" نظام‌های آموزشی است.

با مروری بر تاریخ آموزش و پرورش، می‌توان گفت، مدارس در گذشته قلب جامعه خود بودند. اما همین‌طور که جلو می‌آیم، از کارکرد اجتماعی خود فاصله گرفته‌اند تا امروز که بیشتر در شأن یک مؤسسه آموزشی، انجام وظیفه می‌کنند. مطالعات متعدد نشان می‌دهد که در گذشته، با افزایش سطح سواد، جامعه از حوادث سوء مصون‌تر می‌شد و از نظر تولید اقتصادی رشد می‌کرد. و شاید به همین دلیل، رفتن به مدرسه و با سواد شدن اجباری شد. وظیفه مدرسه انتقال معینی از سواد و دانش است، اما با چه رویکردی و چه کارکردی؟ اگر قرار باشد علوم جدای از هم را، همانند تولیدات خطوط جدا از هم یک کارخانه، محصول مدرسه بدانیم، در ظلمات عقلانی گام برداشته‌ایم.

شاید بتوان کارکرد اصلی مدرسه فردا را ایجاد فرصت یادگیری دانست. فرصت‌های یادگیری به موضوعات علمی و درسی محدود نمی‌شود، بلکه انواع مهارت‌های ضروری را شامل می‌شود.

بچه‌های فردا به مدارسی نیاز دارند که زمینه‌های اجتماعی شدن آن‌ها را مهیا سازد. در بحث‌های نظری، ما مرتباً از معارف اخلاقی،



یادگرفتن، به جای تعلیم مفاد آموزشی، و نیز آموزش فرادانش به جای آموزش دانش؛ حتی در سطح دبستان.

• فراهم کردن بستر فکر کردن و آموزش شیوه فکر کردن، و دادن فرصت کافی برای فکر کردن به دانش آموزان، به جای پرکردن وقت و انرژی آنان، با ارائه جزئیات و مفاد گوناگون.

• برنامه ریزی آموزشی در حجم درسی کم، و فعالیت زیاد به صورتی چالش گرایانه، جست و جو گرایانه و هنرمندانه.

• فراهم سازی زمینه ورود به مباحث انتقال دانش، با گذار از مسیر تجربه، و برخورد با مشکلات و سؤالات، و یافتن آمادگی ذهنی و انگیزه کافی برای فراگیری دانش.

• تلاش برای سوق دادن برنامه های آموزشی از "استفاده کردن" به "پدید آوردن"، و "یادگیری از طریق پدید آوردن"، در تربیت و تعلیمی خلاقانه، و تربیت خلاقیت.

• سوق دادن برنامه های آموزشی، از محوریت ساختار طبقه بندی شده مفاد آموزشی بر حسب مباحث و حوزه های علمی، به محوریت ایجاد انگیزه و احساس نیاز برای یادگیری موضوعات، و ایجاد حرکت خودجوش دانش آموز برای جست و جو، یافتن و یادگیری موضوع؛ بنابراین، اولاً ترتیب ارائه مفاد آموزش را برنامه آموزش تعیین نمی کند، بلکه ابراز علاقمندی دانش آموز، مسائل جاری، شرایط کنونی و سؤالات ایجاد شده برای دانش آموزان تعیین می کند. ثانیاً، جهت گیری های کلی بلندمدت و اقدامات جاری کوتاه مدت، در برنامه ریزی آموزشی، بیشتر بر تعیین برنامه، ایجاد انگیزه و احساس نیاز و و سازوکارهای آن است تا ارائه محتوا. ثالثاً، سازمان دهی و کلاس بندی دانش آموزان، به صورت شناور و با توجه به زمینه ها و انگیزه ها و علاقه های ایجاد شده آنها انجام می شود، نه سازمان و سطوح آموزشی.

• توجه ویژه به برنامه ها و فعالیت هایی که روح دانش آموزان را مخاطب قرار دهد، نظیر نقاشی، کارهای هنری آزاد، قصه خوانی، ایفای نقش در نمایش نامه ها و سرودها، انشا، داستان نویسی و نمایش نامه نویسی، و گردش علمی، با حضور در فضاهای خارج از مدرسه، و جمع آوری و طبقه بندی ساده یافته ها، بدون هیچ اجبار و انتظار برای ارائه خروجی مشخص.

• واگذاری بخشی از امور مدرسه به خود دانش آموزان، نظیر تربین و نظافت کلاس، کاشتن و مراقبت از گل و گیاه در گلدان در کلاس و حیاط مدرسه، مسئولیت استفاده و نگهداری تجهیزات مدرسه، مدیریت اجرای برنامه های مدرسه به صورت عملیاتی و جدی، نظیر مراسم صبحگاهی، ورزش و نظایر آن، و حتی به صدا در آوردن زنگ مدرسه در ساعات مقرر، برای افزایش حس مسئولیت پذیری، به انتخاب و اختیار خود دانش آموزان.

• مشارکت دادن اولیا در امور آموزشی و اجرایی مدرسه، به صورت جدی، و در برنامه های آموزشی رسمی و غیررسمی، و فراهم ساختن بستر اجرایی مشخص برای این مشارکت؛ به نحوی که تعدادی از اولیا با حضور منظم حتی در محیط کلاس، به خصوص در سطح دبستان، در فعالیت های جاری مدرسه مستقیماً نقش ایفا کنند و فراگیرندگان نیز، محیطی نزدیک تر با محیط خانه

مناسب برای آن، از روش های تفکر، تصمیم گیری، مدیریت و برنامه ریزی کارهای خود، اخلاق شایسته، فنون تعاملات اجتماعی، فن بیان، فن نگارش و هنر گرفته تا به کارگیری ماهرانه ابزارها و فناوری ها، با برقراری تعادل مناسب بین مباحث نظری و مباحث کاربردی، به شکلی که مباحث نظری قابلیت پشتیبانی کاملاً مشخصی از مباحث کاربردی را داشته باشد.

• به وجود آوردن محیطی پر تحرک، فعال، پر جنب و جوش و شکل دادن بستری برای روی دادن حرکت های خودجوش و سازمان دادن و جهت دادن به این حرکت ها به سمت رشد استعدادها و خلاقیت.

• ایجاد محیط تعامل و کار گروهی و پرورش توانایی تعاملات و کار گروهی دانش آموزان و ارتقای روحیه همکاری، هم فکری، احترام به دیگران و حقوق آنها، افزایش آستانه تحمل و حوصله و صبر در کار گروهی و آموزش سازمان دهی کار گروهی، با تمهیدات گوناگون از جمله: تغییر سازمان دهی شکل کلاس از محیط تسلیم ساز، گوش به فرمان و نقش معلم به عنوان متکلم وحده در مدارس کنونی، به محیطی متعادل، دایره وار، همکار و فعال گرفته تا ارزیابی مؤثر خروجی فعالیت دانش آموزان به صورت دسته جمعی.

• محور قرار دادن هویت دانش آموز در سازمان دهی تربیت و تعلیم، و سازمان دهی سازوکارهای تربیت و تعلیم به صورتی که آن را تقویت و حفظ کند و از آن در جهت پیشرفت روند تربیت و تعلیم بهره جوید.

• ویژه گرایی تربیت و تعلیم، و سازمان دهی ارائه آموزش متناسب با نیازها، خصوصیات، استعدادها و علاقه های دانش آموز.

• تغییر نقش دانش آموز از نقشی منفعل به نقشی فعال در فعالیت کلاس، و به جای اختصاص دادن بخش عمده آموزش به ارائه محصولات تولید شده توسط نویسندگان کتاب های درسی و... تولید محصولات آموزشی در قالب پروژه ها، مقالات، ابزارها و نظایر آن، با استفاده از ابزارها و فناوری اطلاعات، و منابع مصور و تصاویر متحرکی که در دسترس آنها قرار داشته باشد.

• محور قرار دادن آموزش روش جست و جو کردن و



نیره زهدی شایان
معلم نمونه کشوری.
همدان

خانم زهدی متولد همان دارای کارشناسی آموزش ابتدایی است و ۲ سال سابقه خدمت دارد. وی در سال های ۷۵ و ۸۲ به ترتیب معلم نمونه و مدیر نمونه در شهرستان در سال ۸۸ معلم نمونه در استان شد. این معلم موفق به جز در زمینه های آموزشی و مدیریتی، در فعالیت های فرهنگی نیز سوابق ارزنده ای دارد. از جمله در سال های ۸۵ تا ۸۶ رتبه ممتاز رادر مسابقات حفظ و تفسیر قرآن و همین رتبه ها را در مسابقات نهج البلاغه فرهنگیان کسب کرده است. همچنین، به کسب رتبه اول در همایش بهداشت روانی در آموزش پرورش موفق شده است.



را در مدرسه احساس کنند.

• تعامل معلمان و مربیان با خانه و خانواده دانش آموز و مسائل او در بیرون از مدرسه، به صورت منظم و منسجم، برای شناخت بهتر ابعاد و رفتار دانش آموز و یاری به او در رفع مشکلات تربیتی و آموزشی.

• تأمین مالی، روانی و اجرایی کادر آموزشی، برای فارغ شدن از تقریباً هر گونه فعالیت آموزشی یا غیر آموزشی در آمدزا در بیرون از مدرسه.

• ایجاد محیط کاری مطلوب، برای کادر آموزشی و مربیان، و اختصاص بخشی از فضا به صورت اختصاصی به معلمان، برای انجام فعالیت های خلاقانه خود، و برنامه ریزی و مدیریت امور آموزشی.

• خارج ساختن معلمان از حالت مجری فرامین مجموعه آموزشی در ارائه محصولات تولید شده، به صاحبان نقش جدی در تولید و ارائه محصولات آموزشی، برنامه ریزی آموزشی، طراحی شیوه های آموزشی، و مؤثر در اداره عمومی مدرسه.

• سازمان دهی کادر آموزشی در رشته های گوناگون تخصصی، برای هدایت فعالیت تربیتی و آموزشی به شکلی علمی، به نحوی که کلیه فعالیت ها مطابق اصول علمی از ابعاد گوناگون قرار داشته باشد.

• استفاده از هنرمندان، متخصصان و صاحب نظران طراز اول (تصویر سازان و نویسندگان کودک، متحرک سازان، عالمان دینی متخصص در حوزه کودکان، متخصصان تربیت و تعلیم) در کشور، برای فراهم ساختن بستری مطلوب از ابعاد هنری و علمی، به صورت مستمر یا در تناوب مطلوب ممکن.

• ادغام و تفکیک نکردن دانش آموزان تیزهوش، عادی و گاهی استثنایی در سطح قابل قبول و فراهم ساختن محیطی که هر یک از آن ها بتواند در این محیط، با در نظر گرفتن واقعیت های محیط بیرونی، فرصت رشد مناسب را داشته باشند و توان برقراری ارتباط با سایر افراد را، چه در یاری رساندن به آن ها، و چه در تعاملات عمومی، به نحو مطلوب بیاموزد؛ با توجه به این که کادر لازم برای پوشش های حمایتی به هر سطح از دانش آموزان، در محیط وجود داشته باشند.

• گرایش جدی به سوی ارزش یابی توصیفی، و حذف نمره به صورت تقریباً کامل در دوره ابتدایی و بخش هایی از سایر دوره ها، و تبدیل مقیاس های کمی به کیفی در ارزیابی. هم چنین داخل ساختن ابعاد خصوصیات شخصیتی و انسانی و جنبه های عاطفی، اجتماعی، تعاملات، و نیز مهارت ها، علاوه بر دانش و

محفوظات، در ابعاد این ارزش یابی توصیفی.

• فراهم ساختن بستری برای رفع اضطراب دانش آموز در محیط تربیتی - آموزشی.

• پرهیز از انضباط ماشینی خشک و پادگان گونه در محیط آموزشی، و فراهم آوردن محیطی آرام، فعال و پر جنب و جوش.

• سازمان دهی سازوکار و برنامه ریزی و ارائه مفاد تربیتی و آموزشی، براساس انتقال و ترکیب روح پدیده ها، و نه تجزیه آن ها، با مفروضات انتقال هنر، و انتقال هنری.

• فراهم کردن تدریجی زمینه حذف مرزهای آموزش و پرورش و آموزش عالی و امکان ورود

مباحث و مفاد آموزشی مجموعه به حوزه های تخصصی، فراتر از آن چه اکنون در قالب آموزش و پرورش جای گرفته است.

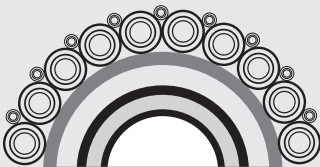
• انجام تکالیف، زیر نظر مربیان و در محل مدرسه. هیچ کار اجباری برای خانه وجود نداشته باشد تا دانش آموز حداقل در خانه، محیطی تقریباً فارغ از دغدغه های آموزشی را برای یافتن فرصت تفکر آزاد و انجام کارهای مورد علاقه خود داشته باشد. • استفاده از تجهیزات رایانه ای، به شکل وسیع و مؤثر. هر دانش آموز یک رایانه در کلاس، روی میز و متعلق به خود داشته باشد. کلیه کلاس ها به پروژکتور مجهز باشند. پروژکتور در محیط شبکه، امکان نمایش تصویر کلیه رایانه های کلاس را، بدون رفتار سخت افزاری، داشته باشد.

• فراگیری مهارت های استفاده از رایانه در کنار مهارت های نوشتاری و ترسیمی روی کاغذ. بخشی از فعالیت ها بر کاغذ و برخی در محیط رایانه انجام شود.

• استفاده از بازی های مفید رایانه ای، و ارائه مفاد آموزشی در قالب بازی های رایانه ای و غیر رایانه ای، برای پرورش توانمندی های ذهنی، مهارتی، تصمیم گیری، و نظایر آن. و نیز افزایش محفوظات و معلومات ضروری، به صورت برنامه ریزی شده و منسجم. **سخن آخر:** داشتن چنین رویکردی، مستلزم برداشت کاملاً متفاوتی از یادگیری به منظور درک میزان مناسب بودن آن است. در این رویکرد، هدف اصلی آموزش، توانا کردن دانش آموزان برای موفقیت در مدرسه نیست، بلکه کمک به آن ها برای موفقیت در زندگی و خارج از مدرسه است.

منبع

۱. ادگار مورن. هفت دانش ضروری برای آموزش و پرورش آینده. ترجمه محمد یمنی. دانشگاه شهید بهشتی. تهران. ۱۳۸۳.



مژگان قاسمی
(۱۳۵۰)

معلم نمونه کشوری. همدان متولد اسدآباد و دانش اموزخته رشته دینی و عربی و قرآن از مرکز تربیت معلم شهید باهنر در همدان است. مژگان قاسمی همچنین مدرک کارشناسی الهیات و معارف اسلامی و سپس کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی را از دانشگاه آزاد همدان دریافت کرده است. وی فعالیت های علمی و پژوهشی را از سال ۸۲ با همکاری در اجرای یک پژوهش در شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان شروع کرد و از آن پس به شرکت در اجرای پژوهش تمایل پیدا کرد که در پی آن موفق به کسب رتبه های برتر شهرستانی و استانی شد.

گلندران

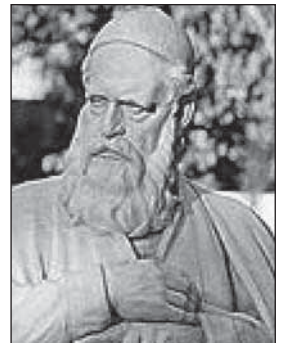
گندم‌های ابوریحان بیرونی

ماجرای محاسبه تعداد دانه‌های گندم در خانه‌های شطرنج را که می‌دانید؟! **ابوریحان بیرونی**، دانشمند بزرگ ایرانی، این تعداد را برابر با عدد

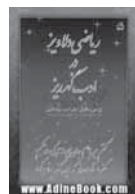
۱۸ ۴۴۶ ۷۴۴ ۰۷۳ ۷۰۹ ۵۵۱ ۶۱۵

حساب کرده است (این عدد را بخوانید!). آن‌گاه، ابوریحان، برای این که بتواند بزرگی این عدد را به تصور من و شما نزدیک کند، چنین نوشته است:

«اگر بر سطح زمین ۲۳۰۵ کوه وجود داشته باشد که از هر کوه ۱۰۰۰۰ رود جاری باشد و در طول هر رود ۱۰۰۰۰ قطار استر (روان) باشند و هر قطار مرکب از ۱۰۰۰۰ استر باشد و هر استر ۸ کیسه حمل کند و در هر کیسه ۱۰۰۰۰ دانه گندم باشد، باز عددهم این گندم‌ها کوچک‌تر از عدد بیست رقمی یاد شده خواهد بود! از کتاب ریاضی دلاویز در ادب گهریز (احمدشرف‌الدین)



تندیس حکیم عمر خیام
اثر شادروان استاد ابوالحسن صدیقی



از نوروزنامه حکیم عمر خیام

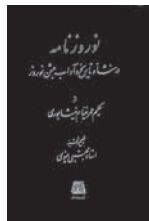
در فضیلت قلم

...وقتی، امیری رسولی فرستاد به ملک فارس با تیغی پرهنه. گفت این تیغ ببر و پیش او بنه و چیزی مگو. رسول بیامد و هم چنان کرد. چون تیغ بنهاد و سخن نگفت، ملک وزیر را فرمود: جوابش بازده. وزیر سر دوات [قلمدان] بگشاد و یکی قلم سوی وی انداخت. گفت اینت جواب! رسول مردی عاقل بود. بدانست که جواب برسید. و تأثیر قلم صلاح و فساد مملکت را کاری بزرگ است؛ و خداوندان قلم را که متعهد باشند، عزیز باید داشت.

در عزیز داشتن باز!

ماهان پادشاهی بزرگ بوده است، عاقل و کافی. یک روز بازدار خویش را دید. «باز بردست» آب می‌خورد. بفرمود تا صد چوبش بزدند و گفت: ای عجب! باز به تن خویش پادشاه پرندگان است و غم گسار و عزیز پادشاهان! روا بود که تو این چنین بی ادبی کنی؟ عزیز ملوک بر دست و تو آب خوری، یا جز آب چیز دیگر؟ بازدار گفت: زندگانی خداوند دراز باد. چون به شکارگاه تشنه گردم، چون کنم؟ که باز با من بود.

گفت: [آن را] به کسی دیگر ده که اهل آن بود که باز تواند داشت که تو آب خوری یا چیزی دیگر...



درخت گلندران

محمد ابراهیم خان معمارباشی... را می‌گویند، وقتی که دندان عاریه گذاشته بود، از خوبی آن مذاکره می‌کرد و می‌گفت: «از وقتی که دندان عاریه گذاشتم، هم تقریرم [حرف زدن] خوب شده است و هم تحریرم [نوشتن].»

باز هم معروف بود که روزی از چیزهایی که رفع عطش می‌کند، مذاکره شده بود. محمد ابراهیم خان که وزیر نظام هم لقب داشت، گفته بود سیرابی هم رفع عطش می‌کند. مگر نشنیده‌اید که شاعر گفته است:

بودند دیو و دد همه سیراب و می‌مکید

خاتم ز قحط آب سلیمان کربلا!

یکدفعه هم به باغبانش گفته بود، چرا درخت «گلندر» برای من نمی‌کاری؟

پرسیده بودند: گلندر چه گلی است؟

گفته بود: همان گلی که شیخ سعدی

تعریف آن را کرده و گفته است:

یکی درخت گل اندر

میان خانه ماست

که سروهای چمن پیش قامتش پستند

از کتاب: شرح زندگی من



نویسنده: عبدالله مستوفی

از اسلام تایقین!

الایمان افضل من الاسلام بدرجه و التَّقوی افضل من

الایمان بدرجه والیقین افضل من التَّقوی بدرجه

ایمان یک درجه از اسلام برتر، تقوا یک درجه از ایمان برتر و یقین یک درجه از تقوا برتر است.

نماز

لَا يَزَالُ الشَّيْطَانُ دَعْرًا مِّنَ الْمُؤْمِنِ مَحَافِظَ عَلَى الصَّلَاةِ الْخَمْسِ فَإِذَا ضَيَّعَهُنَّ تَجَرَّ أَعْلَيْهِ وَاقَعَهُ فِي الْعِظَامِ



شیطان پیوسته از مؤمن، تا آن‌گاه که بر نمازهای پنج‌گانه مواظبت می‌کند، می‌ترسد. پس هرگاه مؤمن نماز را ضایع کرد، شیطان بر او چیره می‌شود و او را به گناهان بزرگ گرفتار می‌کند.

از گنجینه دهنوی، تألیف غلامحسین شرکت و محمد کاظم بهنیا (نشر سبحان)

ماده تاریخ

استاد جلال‌الدین همایی، در بسیاری از زمینه‌های علوم، ریاضی، عرفان، ادب، شعر و... یگانه بود. یکی از توانایی‌های شگفت‌انگیز او، سرودن اشعاری با «ماده تاریخ» به مناسبت‌های گوناگون بود. در زیر دو مورد از ماده تاریخ‌های او را که از دیوان سنا انتخاب کرده‌ایم می‌خوانید:

الله‌نظر محمدی نیک
(۱۳۵۱)
معلم نمونه کشور.
کهگیلویه و بویراحمد
الله نظر محمدی نیک متولد دهمچنار یاسوج و دانش‌آموخته مرکز تربیت معلم شهید ایزدپناه این شهر است. وی مدرک کارشناسی الهیات و معارف اسلامی و کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی را نیز از دانشگاه آزاد یاسوج دریافت کرده است. دارای سوابق خدمت تدریس و مدیریت در دبیرستان هاکارشناس برنامه‌ریزی در سازمان دانش‌آموزی است و در حال حاضر مسئول گروه تحقیق و پژوهش در اداره کل استان است. محمدی نیک پیش از این یک بار معلم نمونه شهرستان و یک بار نیز معلم نمونه استان شده است و در سال ۹۰ نیز معلم نمونه کشوری از آن استان شناخته شد و وی تاکنون در بیش از ۲۰ مورد، حائز رتبه اول در فراخوان مقاله‌نویسی و فعالیت‌های فرهنگی - پژوهشی شده است.

تکبیت‌ها

به افعال مانده شو مر پری را
بسوزند چوب درختان بی‌بر
سزا خود همین است مر بی‌بری را
درخت تو گر بار دانش بگیرد
به زیر آوری چرخ نیلوفری را

حکیم ناصر خسرو (۴۸۱-۳۹۴ ه.ق)

از فارسی دوم دبیرستان ۱۳۴۷

تکبیت‌ها

به نزدیک من شب‌رو راهزن
به از فاسقِ پارسا پیرهن

سعدی

طبعی به هم‌رسان که بسازد به عالمی
یا همتی که از سر عالم گذشت

کلیم کاشانی

سبک مغزان به شور آیند از هر حرف بی‌مغزی
به آسانی بلرزاند نسیمی نیستانی را

صائب تبریزی

عاشق شو، ار نه روزی کار جهان سر آید
ناخوانده درس مقصود از کارگاه هستی

حافظ

مزد آن شب زنده‌داری‌های عهد عاشقی است
این دل روشن که در پایان کارم داده‌اند

صابر همدانی

روزگار است که آن‌که گه عزت دهد گه خوار دارد
چرخ بازیگر ازین بازیچه‌ها بسیار دارد

قائم مقام‌فراهانی

مبادا که در دهر دیرایستی
مصیبت بود پیری و نیستی

فردوسی

کمند مهر چنان پاره‌کن که گر روزی
شوی ز کرده پشیمان، دوباره بتوان بست

محتشم کاشانی

هر که نائخت از گذشت روزگار
نیز ناموزد ز هیچ آموزگار

رودکی

امیر قافله را هم تغافل باید
که ناامید نگردند قاطعان طریق

حالتی ترکمان

□ درگذشت عبدالعظیم قریب (۱۳۸۴ ه.ق)

خواستم تاریخ فوتش از همایی سنا

کز صمیم دل دریغا گوی باشد بر قریب

در جوابم گفت چون عبدالعظیم (۱۱۲۷) از جمع رفت

گو دریغ و حیف استاد ادب پرور برفت (۲۵۱۱)

۱۳۸۴=۱۱۲۷-۲۵۱۱

□ درگذشت حاج آقا رحیم ارباب اصفهانی (۱۳۹۶ ه.ق)

آیت حق رحیم ارباب است

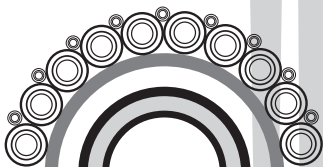
آن که امروز از جهان رفته

او برفت از جهان و گفت سنا:

جان علم از تن جهان رفته (۱۳۹۶)

شعرهایی که می‌خواندیم

نکوهش مکن چرخ نیلوفری را
برون کن ز سر باد خیره‌سری را
هم امروز از پشت بارت بیفکن
میفکن به فردا مر این داوری را
چو تو خود کنی اختر خویش را بد
مدار از فلک چشم نیک اختری را
به چهره شدن چون پری کی توانی؟



رضا باقری
(۱۳۴۷)

معلم نمونه کشوری. همدان

متولد روستای بابان از توابع
کیبورا هنک است. مدرک فوق دیپلم
علوم اجتماعی و مدرک کارشناسی
تکنولوژی (از دانشگاه بوعلی سینا)
همان‌بارد و اکنون به عنوان
مدیر یکی از مجتمع‌های آموزشی
شهرستان کیبورا هنک خدمت می‌کند
وی به خاطر فعالیت‌های اجرایی و
علمی پژوهشی خود، طی ۲۴ سال
خدمت، در سال گذشته به عنوان
معلم نمونه کشوری از استان همدان
انتخاب شد. از جمله موفقیت‌های او،
کسب رتبه اول استانی در اجرای طرح
ارزش‌یابی عملکرد و واحدهای آموزش
عمومی (۸۰-۷۹) و کسب رتبه اول
استانی در امر ارتقای کیفیت فعالیت
گروه‌های آموزشی (۸۶-۸۵) را نیز
می‌توان به‌شمارد.

انرژی خورشیدی را دریابیم

نوشته ایزاک آسیمواف*
ترجمه دکتر فرخ شادان، ابوالحسن حکیمیان

انرژی خورشیدی - این منبع بی‌زوال - یکی از پاک‌ترین انرژی‌های موجود در طبیعت است که بشر امروز بیش از پیش به دنبال استفاده از آن در عرصه‌های صنعتی از جمله تولید نور و گرماست. هم‌اکنون در پاره‌ای از نقاط کشورمان - از جمله استان‌های یزد و کرمان و سیستان و بلوچستان - که روزهای آفتابی بیشتری دارند، بسیاری از خانه‌ها و منازل با به کارگیری دستگاه‌های مخصوص خورشیدی، از این انرژی برای تولید برق استفاده می‌کنند. بنابراین، جا دارد به آن بیشتر بپردازیم. مقاله‌ای که می‌خوانید، در همین راستا، برای اطلاع شما، بویژه معلمان علوم، تهیه شده است. رشد

کلیدواژه‌ها:
خورشید
انرژی خورشیدی
ایزاک
آسیمواف
باتری
خورشیدی

تمام چیزهایی که می‌خوریم، به وسیلهٔ پرتوهای خورشیدی پرورش یافته‌اند. فناوری انسان نیز براساس انرژی خورشیدی استوارتر است. گرمای خورشید هوا و دریا را به طور نامساوی گرم می‌کند و جریان باد و باران را به وجود می‌آورد. این گرما اقیانوس را بتخیر می‌کند و چندین کیلومتر مکعب آب را به شکل بخار بالایی برد. بخار آب در هوا سرانجام متراکم می‌شود و به شکل باران فرو می‌بارد و مقداری از آن در خشکی‌های می‌بارد و در برکه‌ها و دریاچه‌ها گرد می‌آید و از راه نهرها و رودها دوباره به دریا می‌ریزد. باد و آب جاری از زمان‌های قدیم کشتی‌ها را به حرکت و چرخ‌ها را به گردش درآورده‌اند.

منبع بزرگ انرژی مصنوع انسان، یعنی آتش، بستگی به سوختن مادهٔ سوختنی در هوا دارد. مادهٔ سوختنی، چه چوب باشد چه چربی حیوانات و چه زغال‌سنگ و نفت، در هر صورت مولود انرژی خورشید است، زیرا همهٔ این‌ها برای رشد و نمو یا تشکیل و تشکیل، از پرتو خورشید سود برده‌اند. قسمتی از انرژی مورد استفادهٔ انسان منشأ خورشیدی ندارد. از جمله انرژی درونی زمین که به شکل چشمه‌های آب گرم ظاهر می‌شود، گردش زمین که جزر و مد را به وجود می‌آورد، و هسته‌های اتمی که می‌توانند تجزیه یا به هم متصل شوند و انرژی تولید کنند. این منابع انرژی غیر خورشیدی تاکنون سهم بسیار کمی در نیازهای کل بشر به انرژی داشته‌اند. منابع عمده در زمان حال و هم‌چنین طی دو قرن گذشته، زغال‌سنگ و نفت بوده است که از داخل پوستهٔ زمین به دست می‌آیند.

با این همه، این دو مادهٔ سوختنی آلی، به سختی از معادنشان استخراج می‌شوند. استخراج زغال‌سنگ مشکل خراب کردن زمین و مشکلات پیچیده حمل و نقل را پیش می‌کشد. نفت منبع محدودی است که احتمالاً در آینده‌ای نه چندان دور تمام خواهد شد. به علاوه، هم زغال‌سنگ و هم نفت، هنگام سوختن، مواد گوناگونی را از خود خارج می‌سازند که موجب آلودگی محیط زیست می‌شوند. حتی اگر زغال‌سنگ و نفت نیز به طور مناسب تصفیه و با بهره‌روری کامل سوزانده شوند، به طوری که از آن‌ها هیچ مادهٔ آلوده‌کننده‌ای تولید نشود، باز هم مقداری گرمای غیرقابل استفاده

سال‌ها پیش، یک داستان تخیلی علمی نوشتیم و در آن نیروگاه‌های ماهواره‌ای عظیم مداری را در نظر گرفتیم که با انرژی خورشیدی کار می‌کردند و در نزدیکی مدار عطارد به دور خورشید می‌گشتند. این نظریه، در آن زمان، همانند امروز، جنبهٔ تخیلی صرف داشت، اما اینک به طور قابل ملاحظه‌ای به واقعیت نزدیک‌تر شده است.

هنگامی که من آن داستان را نوشتم، هیچ کس، به جز نویسندگان داستان‌های تخیلی - علمی، به ماهواره‌ها و ایستگاه‌های فضایی توجهی نداشت، اما امروزه، با پیشرفت دانش و دقیق‌تر شدن فناوری، این مسائل کاملاً جنبهٔ تحقیق به خود گرفته‌اند. بنابراین، چه عواملی مانع آن است که این نوع انرژی را که فراوان، دائمی و بدون آلودگی به سطح زمین می‌رسد، مهار کنیم؟ تابش خورشید، در مدت ۲۴ ساعت تابش بر سطح زمین، همان مقدار انرژی به ما می‌دهد که در حال حاضر در مدت سه سال مصرف می‌کنیم. آن‌چه بشر امروز را از به کار گرفتن انرژی خورشید باز می‌دارد، سه عامل است: ۱. جمع و متراکم کردن انرژی خورشیدی در محلی که برای فناوری انسان مفید باشد، بسیار مشکل است. انرژی خورشیدی بسیار رقیق است، اگرچه مقدار آن زیاد است، اما به طور رقیق در یک سطح وسیع گسترده شده است.

۲. مقدار انرژی خورشیدی تغییر می‌کند. ابر و مه، مقدار آن را، حتی هنگامی که در حداکثر است، کاهش می‌دهند و در بسیاری از نقاط که صنایع بشر تمرکز بیشتری دارد [دنیای پیشرفته صنعتی] تابش خورشید بخصوص متغیر است.

۳. مردم در پیدا کردن راه‌حل برای مشکلات مهندسی مربوط به استفادهٔ مستقیم از انرژی خورشیدی، تازمانی که روش‌های ساده‌تر، یعنی سوزاندن زغال و نفت در دسترس است، زیاد جلی نیستند و آن‌قدر هم قوهٔ تخیل ندارند که نیازها و امکانات را از پیش درک کنند.

خورشید، منبع لایزال

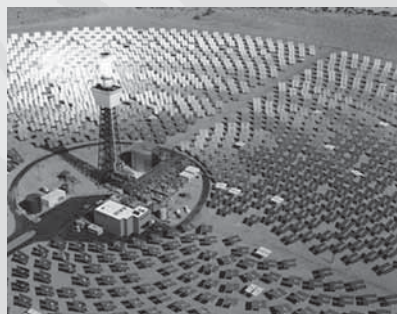
ما با انرژی خورشید درخشان زندگی می‌کنیم. از گیاهان گرفته تا حیواناتی که آن‌ها را مصرف می‌کنند، و از آن جمله انسان، و تقریباً

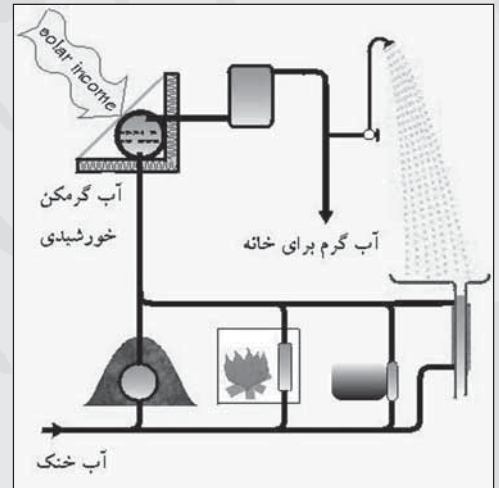


محمدعلی جهانمادی
(۱۳۴۵)

معلم نمونهٔ کشوری، کرمان.

سیرجان
محمدعلی جهانمادی متولد سیرجان است. از دانشگاه پیام‌نور سیرجان مدرک کارشناسی علوم تربیتی گرفته است و ۲۳ سال سابقهٔ خدمت دارد. در مناطق کهنو، فاریاب، پردیس و سیرجان، در مشاغل آموزگار، دبیر و مدیر و معاون مدرسه خدمت کرده است و اکنون در دبیرستان شهید چمران سیرجان به خدمت مشغول است. تاکنون به نوشتن مقالات و انجام پژوهش‌هایی با عنوان‌های اثرات روانی تشویق و تنبیه در یادگیری، چگونگی گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان، موانع نوآوری در آموزش و پرورش و بررسی علل افت تحصیلی دانش‌آموزان اول دبیرستان، اقدام کرده است.





ایجاد می کنند که آب و هوای جهان را تغییر می دهد. این مواد هم چنین، اکسیدکربن تولید می کنند که مانع از فرار این گرما به فضا می شود و این گرمی را تسریع خواهد کرد.

هرگاه بخواهیم از انرژی انفجار هسته ای استفاده کنیم، هنوز مشکلات ناشی از آلودگی تشعشعی حل نشده است. هرگاه بخواهیم از انرژی متصل شدن هسته ها به هم که امکان آلودگی تشعشعی در آن بسیار کمتر است استفاده کنیم، باید بدانیم که هنوز برای وصول به نتیجه، مشکلاتی بر سر راه داریم.

به این ترتیب، مجدداً به خورشید برمی گردیم. با آن که مقداری از انرژی خورشید صرف تولید باد یا جریان آبها یا رویاندن و رشد گیاهان می شود، بیش از ۹۰ درصد آن فقط صرف گرم کردن زمین می گردد. البته این گرما مفید است، زیرا زمین را به اندازه کافی گرم نگاه می دارد تا زندگی را امکان پذیر سازد. با وجود این، اگر این قسمت از نور اضافی خورشید برای مقاصد انسان مورد استفاده قرار گیرد، باز هم به شکل گرما در خواهد آمد (که قابل از بین بردن نیست) و زمین کماکان گرم خواهد ماند.

چه باید کرد؟

انرژی خورشیدی را می توان مهار کرد و در مقیاسی بسیار کوچک مورد استفاده قرار داد. تابش نور خورشید بر سقف ساختمانی که از صفحات سیاه یا سبز برای جذب گرما پوشیده شده است، می تواند آب را در محفظه های کم عمق که در زیر این صفحات کار گذاشته شده است، گرم کند و هرگاه این آب جریان یابد، با آن می توان تمام ساختمان را در هوای سرد گرم کرد. از این نظر، انرژی گرمایی را می توان برای به راه انداختن وسایل تهویه هوا که ساختمان را در هوای گرم خنک می کنند نیز مورد استفاده قرار داد.

البته خورشید برای اداره چنین «خانه خورشیدی» در هنگام

ابری بودن هوا یا هنگامی که هوای فوق العاده سرد یا گرم است، ممکن است به اندازه کافی قابل اعتماد نباشد، اما در این موارد می توان از منابع انرژی ذخیره ای معمولی استفاده کرد و در غایت امر، مقادیر بسیار ناچیزی از این انرژی مورد لزوم خواهد بود.

حال باید دید که انسان از نظر پژوهش های کنونی انرژی خورشیدی، در چه وضعی قرار دارد؟ خانه های خورشیدی در بعضی از کشورها وجود دارند، اما به ندرت و آن هم فقط برای مقاصد تجربی به کار می روند.

قیمت اولیه این خانه ها زیاد است و صنعت خانه سازی تازمانی که مردم هنوز به درستی ارزش پس انداز را درک نکرده اند یا فاقد سرمایه کافی هستند و تمایلی به خرید نشان نمی دهند، مایل نیست در این کار سرمایه گذاری کند.

موارد استفاده دیگر در مقیاس کوچک عبارت است از دستگاه های تبخیر خورشیدی که در آن ها نور خورشید برای تبخیر آب دریا و جمع آوری آب شیرین به کار می رود، و نیز کوره های آفتابی که در آن ها نور خورشید توسط ردیفی از آینه ها منعکس می شود و بر نقطه ای تمرکز می یابد. در این نقطه، دما به نزدیکی دمای سطح خورشید می رسد.

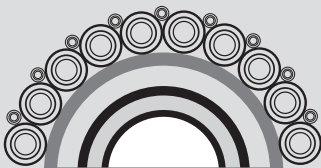
باتری خورشیدی

انرژی خورشیدی هم چنین می تواند برای تولید الکتریسیته، که شکلی قابل انعطاف تر و مفیدتر از گرماست، به کار رود. نوعی ساندویچ های فلزی با ترکیب دقیق تنظیم یافته اند که تا زمانی که تحت تابش نور خورشید قرار داشته باشند، مقدار کمی جریان الکتریکی تولید می کنند. این قبیل «باتری های خورشیدی» برای تولید نیرو در ماهواره های مصنوعی با موفقیت زیاد مورد استفاده قرار گرفته اند.

ردیفی از باتری های خورشیدی را در نظر مجسم کنید که روی پشت بام با سطوح دیگری در معرض تابش نور خورشید قرار گرفته باشند. در این حال، الکتریسیته می تواند به مقادیر پایداری برای به کار انداختن دستگاه های گوناگون تولید شود. این الکتریسیته را می توان در باتری ها ذخیره و در شب برای روشن کردن ساختمان از آن ها استفاده کرد.

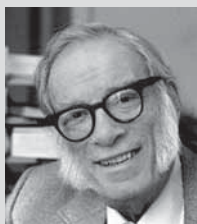
باید در نظر داشت که باتری های خورشیدی گران قیمت و شکننده هستند. در زمان حال، الکتریسیته خورشیدی حدوداً پانصد برابر گران تر از الکتریسیته تولید شده از راه های معمولی است. اما در عین حال، باتری های خورشیدی تاکنون به تعداد کم برای مقاصد اختصاصی تولید شده اند. هرگاه برای تولید باتری های مقاوم نیز به تعداد زیاد کوشش شود، قیمت آن به مقدار زیادی کاهش خواهد یافت.

ادامه در صفحه ۴۴



هاجر مرادی
معلم نمونه کشوری.
کهنگیلو به وبویر احمد

خانم هاجر مرادی مدیر کنونی مدرسه راهنمایی عفت یاسوج، دانش آموزه دانش سرای فاطمیه یاسوج است. هم چنین از مرکز ضمن خدمت یاسوج مدرک کارشناسی دینی و عربی دریافت کرده است. وی همواره در انجام وظایف معلمی و مدیریتی خود موفق بوده و بیش از ۱۲۰ مورد تشویق رسمی در پرونده خود دارد و به خاطر خدماتش، دو گروه تشویقی دریافت کرده است. پاره ای از موفقیت های وی عبارت است از:
- کسب رتبه دوم استانی در تفسیر جز سوم قرآن کریم ۸۲-۸۳.
- کسب رتبه ممتاز قرآن در مرکز تربیت معلم فاطمیه یاسوج.
مدیر نمونه منطقه در سال ۱۳۸۲
- کسب رتبه برتر و ممتاز کشوری انجمن اولیا و مربیان به مدت چهار سال پیاپی.



تفکرات انتقادی در معلمان

معصومه طاهری*
فاطمه سادات حسینی*
مرتضی شعبانی*

* دانشجویان کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه

مربیان بزرگ، تفکر را مبنا و اساس تعلیم و تربیت می‌دانند و رشد تفکر را هدف عمده مؤسسات تربیتی تلقی می‌کنند.

امروزه تفکر انتقادی به منزله مهارتی اساسی برای مشارکت عاقلانه در جامعه دموکراتیک شناخته شده و در دنیای مدرن تجارت، به منزله مهارتی ضروری، مورد حمایت است. تفکر انتقادی باعث می‌شود که فرد از مدارک و شواهد موجود بالاترین درک را داشته باشد و این امر او را قادر می‌سازد تا نظرات و معانی را که در ورای هر چیز مهم وجود دارد، آشکار سازد. حتی در موقعیت‌های روزمره، تفکر انتقادی تفاوت واقعی میان موفقیت و شکست در هر کار را آشکار می‌سازد و به موفقیت یاری می‌رساند.

مفهوم تفکر انتقادی از نظر تاریخی به سقراط باز می‌گردد. آن هدف اساسی که همیشه از تفکر موجود بوده، پرورش و توسعه تفکر عقلانی به منظور هدایت رفتار بوده است. گودلد (۱۹۸۴) در تحلیلی از هدف‌های آموزشی، دریافت که هدف فوق، یعنی "پرورش و توسعه تفکر عقلانی" یکی از اهداف مورد قبول اکثر دولت‌ها و نظام‌های آموزشی است و دلیل آن ضرورت وجود تفکر انتقادی برای شهروندان جامعه دموکراتیک است [یارمحمدیان، ۱۳۸۸].

تعریف تفکر انتقادی

واژه انگلیسی Critical (انتقادی) از واژه یونانی Kritikos (قضات) منشأ می‌گیرد [دوبونو، ۱۳۸۴: ۲۳]. ریچارد پاول، یکی از کارشناسان طراز اول تفکر انتقادی، آن را این گونه تعریف می‌کند: «هنر اندیشیدن درباره تفکر».

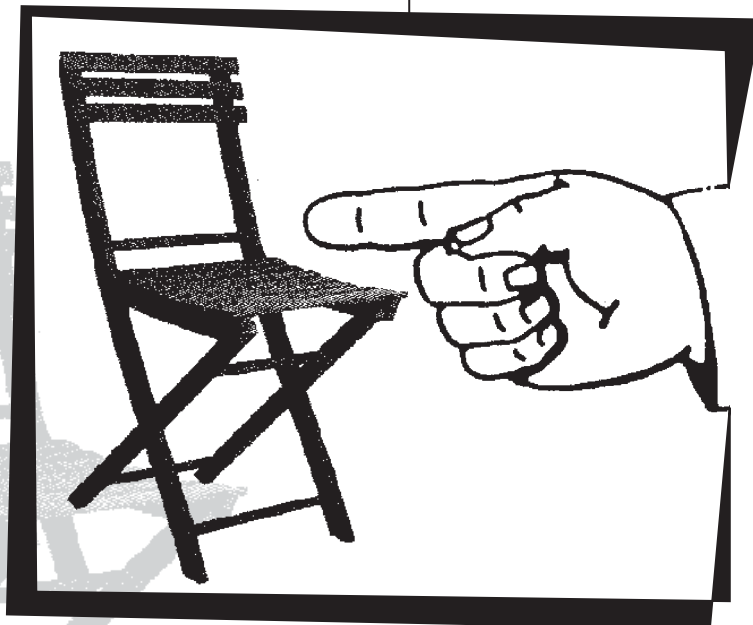
کلید واژه‌ها:
تفکر انتقادی، دوره‌های ضمن خدمت معلمان

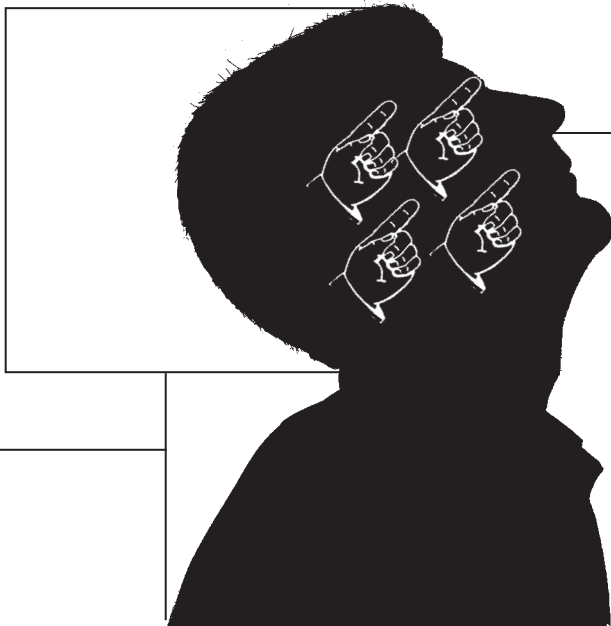
آن وقتی که شما می‌اندیشید تا تفکر خود را بهتر کنید، یعنی آن را روشن تر، درست تر و قابل توجیه تر بیان کنید».

انیس^۱ (۱۹۸۵) تفکر انتقادی را به عنوان "تفکر منطقی و مستدلی تعریف می‌کند که مرکز توجه آن تصمیم‌گیری و قضاوت درباره باورها یا اعمال است." از نظر انیس، وقتی یک نفر کوشش می‌کند مباحث را دقیقاً تحلیل کند، مدارک معتبری جست‌وجو کند و به نتیجه‌گیری‌های معتبر برسد، در حال تفکر انتقادی است. از نظری هدف تفکر انتقادی، پرورش افرادی است که ذهنی معتدل، خالی از غرض، عینی و متعهد به وضوح و دقت داشته باشند [عصاره، ۱۳۸۶]. انجمن فلسفه آمریکا نیز تعریف جامعی برای تفکر انتقادی به شرح زیر ارائه کرده است که شامل مؤلفه‌های عاطفی و شناختی است: "تفکر انتقادی قضاوت هدف‌مند و خودنظم‌دهنده‌ای است که به تعبیر، تحلیل، ارزیابی و استنباط و همچنین تحلیل ملاحظات موقعیتی، روش شناختی، ملاکی و مفهومی مبتنی است. متفکر انتقادی ایده‌آل کسی است که به صورت دائمی، کنجکاو، آگاه، دقیق در قضاوت، ارزیابی کننده عینی و بدون سوگیری، متماایل به بررسی مجدد، روشن‌بین در مسائل و مشکلات جدی و جست‌وجوکننده به منظور یافتن اطلاعات مرتبط و منطقی در انتخاب معیارهاست [بینگ، ۲۰۰۶: ۹۹].

ضرورت و اهمیت پرورش تفکر انتقادی

رشد مهارت‌های تفکر انتقادی غالباً به عنوان مهم‌ترین دلیل برای توسعه آموزش و پرورش رسمی ثبت شده است، زیرا توانایی تفکر انتقادی برای موفقیت در جهان معاصر ضروری است؛ جهانی که در آن سرعت تولید دانش جدید به سرعت در حال افزایش است





می‌توانند مستقل فکر کنند.

– قادرند مشکلات را شناسایی کنند، اطلاعات مربوط را جمع‌آوری و تجزیه‌تحلیل کنند و نتیجه بگیرند.
– می‌توانند بدون تکیه کردن به نظرات و ایده‌های دیگران فکر کنند و تصمیم بگیرند [بن، ۲۰۰۱].

لزوم توجه به تفکر انتقادی توسط معلمان

همگان می‌دانیم که یکی از ارکان اساسی رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورها، آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت) است و تمامی صاحب‌نظران عقیده دارند که اگر در پیاده کردن نظام صحیح آموزشی و پرورشی موفق باشند، بر بسیاری از مشکلات و معضلات فایده‌آمده و جامعه خود را به سوی پیشرفت و ترقی در بسیاری از زمینه‌ها سوق خواهند داد. این موضوع در جامعه اسلامی ما نیز صادق است. پیاده کردن نظام صحیح آموزش و پرورش، مستلزم برنامه‌ریزی‌های دقیق و علمی است و آن‌چه در این میان، چه در مراحل برنامه‌ریزی و چه در مراحل اجرا، به صورت شاخص نمود پیدا می‌کند، وجود و ماهیت معلمانی است که در برنامه‌ریزی و بویژه اجرای برنامه‌های آموزشی، نقشی اساسی ایفا کنند.

معلمانی که به تفکر انتقادی مجهز باشند، با فراهم‌سازی زمینه برای دقت نظر و بررسی اعمال‌نظر خود و دیگران، موجبات رشد شناختی دانش‌آموزانشان را، و با بهینه‌سازی و افزایش تعاملات، زمینه‌رشد اجتماعی آنان را، و نیز با رشد احترام به نظرات گوناگون و اعمال دیگران و افزایش جو فرهیختگی، زمینه توسعه و رشد علمی‌شان را مهیای سازند.

گزارش یونسکو

به منظور روشن شدن اهمیت نقش معلمان در پرورش تفکر انتقادی دانش‌آموزان، گزارش یونسکو را در زمینه رسالت و هدف غایی آموزش و پرورش می‌آوریم:

یونسکو در گزارش ۱۸ ماهه ۱۹۷۲ کمیسیون بین‌المللی توسعه تعلیم و تربیت، هدف غایی و اصلی آموزش و پرورش را چنین تعریف کرده است: در رسالت آموزش و پرورش، هدف پرورش انسان پرسش‌جویی است که می‌خواهد از قیدهای بی‌شمار و گوناگون وجود خود رها گردد، راه تکامل همه‌جانبه خود را هموار سازد و با رموز موفقیت فردی و اجتماعی خود و دنیای متغیری که در آن زندگی می‌کند، تا آن‌جا که ممکن است، آشنا شود. در این بین

[مارین هالپرین^۲، ۲۰۱۰]. بدیهی است که اهمیت و نقش نقادی در زندگی انسان و حل مشکلات شخصی و جمعی دارای جایگاه ویژه‌ای است. افرادی که تفکر انتقادی در آنان پرورش یابد، قادر به تحلیل، ارزیابی و قضاوت در مورد امور خواهند بود و بهتر مسائل فردی و شخصی را در زندگی خود حل خواهند کرد. کار برخی از فیلسوفان تعلیم و تربیت، نشانگر توجه به ضرورت تفکر انتقادی است. تفکر نقاد تنها یک گزینه تربیتی نیست، بلکه بیش‌تر یک بخش ضروری از تربیت است.

به طور کلی در ضرورت و اهمیت تفکر انتقادی به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

۱. تفکر انتقادی یکی از ابعاد وجودی انسان است و پرورش آن سبب رشد آدمی می‌شود.

۲. تفکر انتقادی با ویژگی‌های عقلانی انسان مانند کنجکاوی و ترقی‌طلبی منطبق است.

۳. تفکر انتقادی با ویژگی‌های عصر فراصنعتی و تغییر و تحول فزاینده آن متناسب است.

۴. تفکر انتقادی از اهداف اساسی تعلیم و تربیت برگرفته شده است [ملکی و حبیبی پور، ۱۳۸۵].

نظام آموزشی وظیفه دارد پژوهندگانی مجهز به تفکر انتقادی را تربیت کند که بتوانند از میان انبوه اطلاعات بازایی شده، اطلاعات مفید را تشخیص دهند تا با استناد به منابع معتبر، براعتبار فعالیت‌های تحقیقاتی خویش بیفزایند. البته آموزش این مهارت‌ها، در گرو برنامه‌ریزی اصولی و مناسب است و تربیت چنین افرادی مستلزم آن است که ابتدا مربیان و استادان، خود به مهارت‌های ارزیابی و قدرت تفکر انتقادی مجهز باشند [مون، ۲۰۰۹].

ویژگی‌های تفکر انتقادی

ریچارد پل و لیندلدر در خصوص ویژگی‌های تفکر انتقادی به این موارد اشاره می‌کنند:

– پیشرفت در تفکر انتقادی مثل پیشرفت در بسکتبال، نواختن موسیقی و... است و غیر ممکن است که بدون تعهد آگاهانه، یادگیری و پیشرفتی در این زمینه حاصل شود.

– پیشرفت در تفکر انتقادی نوعی فرایند تدریجی است که شامل سعی و کوشش و کار سخت است.

– اعتماد به نفس فرد در تفکرات خود، نشانه تفکر انتقادی نیست، همان‌طور که نمره بالا در تست هوش، نشانه نابغه بودن نیست.

– تفکر انتقادی نیازمند تمرین مرحله‌ای در یک دوره زمانی گسترده است.

بنابراین، افرادی که دارای تفکر انتقادی هستند، ویژگی‌های زیر را دارند:

– درباره عقاید جدید فکر می‌کنند.

– در پی کسب اطلاعات بیشتر هستند.

– اطلاعاتشان را از منابع معتبر به دست می‌آورند.

– سؤال دارند و از سؤال کردن نمی‌ترسند.

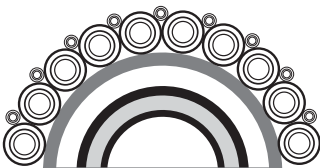
– سعی می‌کنند بین اطلاعاتی که دارند ارتباط برقرار کنند.

– واقعیت را از عقیده شخصی جدا می‌کنند.

– درباره چیزی که نمی‌دانند بحث (اظهاری نظر) نمی‌کنند.

– سعی می‌کنند حرف دیگران را بفهمند و حرفشان را به دیگران بفهمانند.

– بر اساس اطلاعات قضاوت می‌کنند.



پوران سلاجقه
(۱۳۴۷)

معلم نمونه کشوری، کرمان رابر
وی در روستای تنج رابر (از توابع سیرجان) متولد شده و مدرک فوق‌دیپلم علوم اجتماعی از مرکز تربیت معلم الزهرا در شهرستان سیرجان دریافت کرده است. هم‌اکنون در شهر رابر به خدمت اشتغال دارد و بیش‌ترین سال‌های خدمت خود را در مدرسه نمونه شهرستان رابر تدریس کرده است. خانم سلاجقه علاقه‌های پژوهشی قوی دارد. از این‌رو، با پژوهش برای تعلیم و تربیت همکاری و در این زمینه موفقیت‌هایی نیز داشته که از آن جمله است:

– کسب رتبه برتر استان در مسابقه ایثار و شهادت (۸۵)
– کسب مقام اول مسابقه معلم پژوهنده (۸۷)

– مقاله نویسی در مسابقه سلام بر خورشید (۸۸)

– مقام برتر در مسابقه نماز باران رحمت الهی (۸۷)

■ وظیفه

خطیر برنامه

درسی معلوب

در مراکز تربیت

معلم، باید

ایجاد و تقویت

تفکر انتقادی

در معلمان

باشد. هم چنین

تقویت این

باور که تفکر

انتقادی تفکر

ایرادگیرانه

نیست



زهره پیش‌بین
(۱۳۴۲)

معلم نمونه کشوری. کرمان.

سیرجان

متولد زیدآباد شهر سیرجان و دارای مدرک کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی از مرکز مدیریت دولتی کرمان است. از سال ۱۳۶۱ تاکنون در مشاغل آموزشی، آموزگار، دبیر، مدیر و معاون مدرسه در شهرستان سیرجان خدمت کرده است. خانم پیش‌بین در دو زمینه آموزشی و پژوهشی فعال بوده است. تدریس در دوره‌های کاردانی و ضمن خدمت فرهنگیان، مدرس آموزش خانواده، آموزش قرآن و آموزش رایانه و اینترنت، انجام پژوهش در زمینه دلایل افت تحصیلی در درس زبان انگلیسی و طرح‌های پژوهشی دیگر، از کارهای اوست.

آموزش و پرورش به او اجازه می‌دهد تا دنیا را روشن تر و آگاهانه تر ببیند [صفوی، ۱۳۸۴: ۱۵].

تفکر انتقادی و برنامه درسی

تفکر انتقادی چیزی بیشتر از مجموعه‌ای از مهارت‌هاست. به طوری که می‌توان ادعا کرد، جنبه عمده منش یا شخصیت فرد، تفکر انتقادی است [عصاره، به نقل از پال، ۱۳۸۶]. لذا معلمان باید تمایل طبیعی انسان به این که ارزش‌ها و نظرات شخصی خود را بالاتر از نظرات دیگران بدانند، بشناسند و بکشند تا همیشه بر این تمایل فائق آیند. این اقدام، یکی از اساسی‌ترین عوامل پرورش تفکر انتقادی در معلمان است. یک تفکر کننده انتقادی در مفهوم قوی از نظر پال فردی نیست که به طور عادی از نقطه نظرات شخصی خویش، چشم و گوش بسته پیروی کند. او ضرورت آموختن مفروضات و عقاید شخصی خویش را از طریق استفاده از قوی‌ترین ایراداتی که بتوان علیه آن به کار برد، درک می‌کند. وظیفه خطیر برنامه درسی مطلوب در مراکز تربیت معلم، باید ایجاد و تقویت تفکر انتقادی در معلمان باشد. هم چنین تقویت این باور که تفکر انتقادی تفکر ایرادگیرانه نیست، بلکه می‌تواند به عنوان خط ممیزی برای تفکیک اطلاعات سطحی و نادرست از اطلاعات عمیق و درست، راهگشا باشد. باید دانست که تولید علم در خلأ انجام نمی‌گیرد، لذا از آن‌جا که معلم‌ها بی‌هیچ شک و شبهه‌ای ستون اصلی آموزش و پرورش هستند، برای رشد و بالندگی و افزایش تولیدات علمی در کشور، باید ایشان را به این دانش کاربردی مجهز کنیم. اگر معلمان به سلاح تفکر، بویژه تفکر نقاد، مجهز باشند، موجب ارتقای یادگیری دانش‌آموزان و بالطبع ارتقای تعلیم و تربیت خواهند شد و به همین دلیل، مسئولیت اصلی بر عهده برنامه‌ریزان در مراکز تربیت معلم است.

توصیه‌ها و راهکارهایی

برای افزایش تفکر خلاق در معلمان

همان گونه که اشاره شد، زمانی ما در آموزش و پرورش شاگردانمان می‌توانیم از رشد تفکر انتقادی سخن بگوییم که معلمان ما خود متفکران انتقادی باشند؛ به عبارت دیگر، چگونه ممکن است کسی که خود صاحب تفکر انتقادی نیست، اشخاص منتقد تحویل جامعه بدهد. معلم منتقد است که می‌تواند شاگرد منتقد پرورش دهد. یکی از مواردی که به نظر می‌رسد در نظام آموزش و پرورش ما و به خصوص در تربیت معلم ما مورد غفلت واقع شده، این است که کمتر به تفکر انتقادی معلمان توجه شده و این در حالی است که انتظار داریم دانش‌آموزان ما در مدارس صاحب تفکر انتقادی شوند! بدیهی است تا زمانی که معلمان ما خود به تفکر انتقادی نرسند، انجام این مهم میسر نخواهد شد. سؤالی که در این جا پیش می‌آید، این است که چگونه ما معلمان انتقادی تربیت کنیم و چه راهکارهایی در این زمینه می‌تواند راهگشا باشد. در این بخش، به ارائه راهکارها و توصیه‌هایی در این زمینه می‌پردازیم.

– گزینش معلمان با توجه به توانایی آن‌ها در مهارت‌هایی مثل تجزیه و تحلیل امور، سؤال کردن، استدلال کردن و... که از

مهارت‌های تفکر انتقادی به شمار می‌آیند.

– برگزاری سمینارهایی برای معلمان در طول سال‌های خدمت به منظور رشد مهارت‌های تفکر انتقادی در آنان (کاری که در بسیاری از کشورهای دنیا مانند آمریکا انجام می‌گیرد). این روش (سمینار آموزشی)، یک روش ساده ولی اثربخش برای بهبود آموزش تفکر انتقادی ارائه می‌دهد.

– برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای معلمان به منظور توضیح ماهیت نگرش‌های خود از تفکر انتقادی.

– فراهم‌سازی محیط و فضای حمایتی، طوری که در آن همکاران (معلمان) یکدیگر را به ایجاد راهبردهایی جدید برای آموزش تفکر انتقادی تشویق کنند و حس مسئولیت برای انجام این راهبرد ایجاد شود.

– برگزاری آموزش‌های پیش و ضمن خدمت کلیه معلمان در مقاطع تحصیلی گوناگون برای آشنایی با روش تفکر انتقادی.

– فعالیت‌های آموزشی ضمن خدمت و فعالیت‌های آموزشی طولانی مدت، تا معلمان فرصت زمانی و تمرین کافی برای پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی داشته باشند.

– توجه به تجربیات کشورهای دیگر در زمینه توسعه تفکر انتقادی در محیط‌های تربیتی.

– توجه به ساختار دانش به جای یادآوری و بازیابی مجدد دانش.

– اصلاح روش‌های آموزش متداول با هدف گذاری در راستای رشد و توسعه تفکر معلمان.

– تنظیم برنامه زمانی کلاسی به گونه‌ای که معلم وقت کافی برای اجرا و پیاده‌سازی روش‌های تدریس متناسب با این سبک تفکر در کلاس را داشته باشد.

– آموزش و آشناساختن روش‌های ارزش‌یابی نوین و متناسب با این سبک تفکر به معلمان.

– تدوین و تدریس واحدی تحت عنوان تفکر یا مهارت‌های تفکر در مراکز تربیت معلم و سایر محیط‌های آموزشی مرتبط با علوم تربیتی.

– برگزاری دوره‌های سراسری آموزش از راه دور برای آموزش تفکر انتقادی در معلمان کشور.

– نوشتن کتاب‌های درسی گوناگون تحصیلی براساس شاخص‌های تفکر انتقادی.

– تدوین و بازنگری کتاب‌های راهنمای معلم در جهت ایجاد و تقویت روش‌های تدریس نوین برای تفکر انتقادی [ولکات و همکاران، ۲۰۰۲].

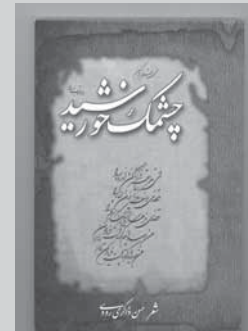
پی‌نوشت

1. Ennis
2. Critical thinking skills
3. Marin.Halpern

منابع

فهرست منابع در دفتر مجله موجود است.

معرفی کتاب



قبل از وقوع واقعه عاقل باشیم

(چگونگی غلبه بر بحران‌ها در مدارس)

نویسندگان: ویلیام یول، آنه گلد

مترجم: دکتر سپیده امیدواری

ناشر: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی

[۶-۶۶۴۸۷۶۲۵-۲۱]

در سرمقاله شماره قبل اشاره‌ای داشتیم به وقوع حوادث ناگوار در مدرسه‌ها و از معلم نیشابوری و احسان پیریایی، دانش‌آموز اهل بروجرد، یاد کردیم که یکی در سال ۸۷ و دیگری در سال ۹۰ بر اثر سقوط تیرک دروازه بازی فوتبال بر آن‌ها، هر دو جان باختند. اخیراً که کتاب «قبل از وقوع واقعه عاقل باشیم» به دستمان رسید، آن را در راستای سخن پیشین یافتیم و برای معرفی در مجله مناسب دیدیم.

کتاب موردنظر تألیف دو نویسنده انگلیسی است که خانم دکتر امیدواری آن را به فارسی ترجمه کرده است. مترجم حسن‌تألیف به خرج داده و در مقدمه‌ای مفصل که بر کتاب نوشته است، با ذکر پاره‌ای از حوادث و مصائب ناگوار در مدارس ایران، بر کارایی کتاب در مدارس ایران افزوده است. پاره‌ای از عناوین اصلی کتاب به این شرح است: بلایا و اثرات آن‌ها، واکنش‌ها به استرس‌های بزرگ در بزرگسالان و کودکان و نوجوانان، آنچه مدارس می‌توانند انجام دهند، اقدامات کوتاه‌مدت، اقدامات میان‌مدت، تدوین برنامه‌های احتیاطی. مطالعه این کتاب برای مدیران مدارس، مربیان بهداشت و مربیان پرورشی ضروری است. آن‌ها می‌توانند با خواندن این اثر، به جنبش و دانش تازه‌ای در مورد وقوع پدیده‌های ناگوار و جلوگیری از آن‌ها دست یابند.

چشمک خورشید (مجموعه شعر)

حسن ذاکری رودی

ناشر: انتشارات شاملو. مشهد. چاپ دوم. ۱۳۸۸

[۸-۹۱۵۱۱۵۶۰۸]

حسن ذاکری رودی دبیر آموزش و پرورش در شهرستان خواف است. وی طبع شعر و احساس خود را در این مجموعه انعکاس داده است. کتاب شامل شعر نیمایی، شعر قدیم و رباعی است. قسمتی از شعر دختر باران را که شاعر به «کویر تشنه خواف» تقدیم کرده است، می‌خوانیم:

الا یا ایها الساقی، در این جا تشنه بسیار است
که می‌خواند:

بیا ای دختر باران

بیا ای دختر باران،

تو گر لب تر کنی، این جا هزاران لاله می‌روید

قسم

کاین نکته را با من صدای دشت می‌گوید...

.....

بزن ای تار عثمانی^۱

بزن، ساز علیجانی^۲

برقص ای ورزشگی^۳

رقص بارانی

کنار رقص شاد آس بادی‌های نشیتقان^۴

بخوان با نای هر چوپان

بیا ای دختر باران

تو گر لب تر کنی این جا هزاران لاله می‌روید

کویر بکر ما را بین

که دریا را به یک تک جرعه می‌نوشد

بیا ای دختر باران.

پی‌نوشت

۱. اشاره به عثمان محمدپرست، استاد دو تار ایران.

۲. اشاره به علیجان مرادیان، استاد سرنای شرق کشور.

۳. اشاره به گروه رقص عرفانی محلی به مدیریت علی صنعتی.

۴. نشیتقان مرکز آس‌یادهای شهرستان خواف است.



نوربخش نوری

(۱۳۴۷)

معلم نمونه کشوری
کرمانشاه (کامیاران)

متولد کامیاران است. نخست در دانش‌سرای تربیت معلم شهید مطهری کامیاران تحصیل کرد و معلم شد. سپس در مرکز آموزش عالی فرهنگیان کرمانشاه در رشته دبینی و عربی ادامه تحصیل داد و مدرک کارشناسی این رشته را دریافت کرد. نوربخش نوری ۲۲ سال مدیریت مدرسه را به عهده داشته و اکنون نیز مدیر دبیرستان امام خمینی کامیاران است. نوری که در سال ۹۰ به عنوان معلم نمونه کشوری شناخته شد پیش از این نیز در شهرستان استان معلم نمونه بوده است و دوبار هم به عنوان معلم تلاشگر انتخاب شده است. وی اهل قلم است و دو اثر، یکی به نام «پرسش و پاسخ‌های قرآنی» و دیگری به نام «وصیت لقمان به فرزندش» آماده چاپ دارد. نوری معتقد است که آموزش و پرورش باید از وجود معلمان نمونه به عنوان مشاور و بیشتر بهره بگیرد. او پیشنهاد می‌کند باید حداقل سالی یک بار معلمان نمونه سال‌های گذشته در استان به همایش دعوت شوند و به بحث و مناظره پیرامون مسائل مهم آموزش و پرورش بپردازند.

گامی در پژوهش

کلیدواژه‌ها:
گزارش دلفی، تفکر
انتقادی، تربیت
معلم، اضطراب
رایانه

■ در پژوهش حاضر، ۵۳/۵ درصد دانش‌آموزان ایرانی - کم یا زیاد - اضطراب رایانه دارند که نسبتاً زیاد است

اشاره

فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی با درجه علمی - پژوهشی نشریه‌ای است که سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی منتشر می‌کند و اکنون نهمین سال انتشار آن سپری می‌شود. در این نشریه، منحصرأ مقالات پژوهشی، گزارش پژوهش‌ها و نتیجه مطالعات و بررسی‌های علمی در زمینه آموزش و پرورش منتشر می‌شود. چنان‌چه محتوای مطالب این نشریه، به زبان ساده‌تر و خلاصه‌تر، برای عموم معلمان - که فرصت و فراغت مطالعه مقالات علمی سنگین را ندارند - انتشار یابد، می‌تواند در تحول فکری آنان مؤثر واقع شود. ما در این‌جا به معرفی دو مطلب از مطالب این نشریه اقدام کرده‌ایم که همراه با توضیحی می‌خوانید. این دو مطلب از شماره ۳۸ این فصل‌نامه (تابستان ۱۳۹۰) انتخاب شده است.

۱. اندیشه انتقادی چیست؟

داشتن اندیشه انتقادی و تفکر انتقادی از لوازم زندگی در جهان امروز است و بویژه در امر آموزش اهمیت بسیار دارد. اگر ما بخواهیم دانش‌آموزان و دانشجویانمان متفکر و خلاق بار یابند و توانایی‌های علمی آن‌ها به داشتن یادداشتن انبوهی از معلومات و داده‌ها محدود و منحصر نباشد، راهی جز بسط آموزش و تفکر انتقادی در میان آن‌ها نداریم. در واقع «تولید علم» که در سال‌های اخیر در ایران، روی آن بسیار و بجا تأکید می‌شود، از این رهگذر تحقق می‌یابد. با این مقدمه، نگاهی داریم به مقاله پژوهشی با عنوان «ارزیابی برنامه درسی رشته مطالعات اجتماعی مراکز تربیت معلم ایران از منظر اندیشه انتقادی» که در شماره ۳۸ فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی چاپ شده است. در این مقاله چنین می‌خوانیم: «یکی از مشهورترین مطالعات در زمینه تفکر انتقادی را انجمن ملی فلسفی آمریکا صورت داده است که در آن ۴۶ متخصص از رشته‌های گوناگون شرکت کرده‌اند و نتیجه آن به نام «گزارش دلفی» شهرت یافته است. اتفاق نظر متخصصان پیرامون تفکر انتقادی به این شرح است:

«تفکر انتقادی تفکری است هدفمند و قضواتی است خودتنظیم که بر تفسیر، تحلیل، ارزش‌یابی و استنباط (همراه با تبیین مستدل، مفهومی، روش‌شناختی، و ملاک‌شناختی یا قضات براساس بررسی بافت و زمینه) مبتنی است. از این رو، اندیشه انتقادی ابزار ضروری پرسش و تحقیق به‌شمار می‌رود. از طرف دیگر، تفکر انتقادی نیروی رهایی‌بخش در تعلیم و تربیت و منبعی نیرومند در زندگی فردی و مدنی است. تفکر انتقادی مترادف با تفکر خوب نیست، بلکه تفکری خود تصحیح است. آرمان‌های هر متفکر نقاد عبارت است از: کنجکاوی، ذهن‌باز، انعطاف‌پذیری، دوراندیشی در



سید خالد حسینی
(۱۳۵۳)

معلم نمونه کشوری، کردستان
مدرک فوق‌لیسانس علوم تربیتی
با گرایش برنامه‌ریزی درسی
دارد. لیسانس خود را از دانشگاه آزاد اسلامی مهاباد و فوق‌لیسانس را از دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی دریافت کرده است. تکتون در مدارس پایه، سقز و زیویه خدمت کرده و اکنون دبیر دبیرستان‌های فرهنگ منطقه زیویه است.

سید خالد حسینی به مطالعه در مباحث آموزشی و پژوهش در آن‌ها علاقه دارد و در این زمینه فعال است که دستاورد آن، کسب چند نشان علمی، احراز عنوان معلم نمونه منطقه‌ای در سال ۸۶ و نمونه استانی در سال ۸۷ و معلم نمونه کشوری در سال ۹۰ بوده است. عنوان چند مقاله او را می‌آوریم:

۱. بررسی کتاب‌های علوم اجتماعی دوم راهنمایی، زنجان
۲. نگاهی به نتایج مطالعات تبیین در برنامه‌های درسی ریاضی و ارائه راهکارهایی برای آن، یزد
۳. بررسی رابطه استفاده از اینترنت و انسوزای اجتماعی دانشجویان پیام‌نور، ارومیه

قضات، انصاف و عدل در ارزش‌یابی، صداقت در سوگیری‌های شخصی، مایل به بازبینی مجدد اطلاعات، آگاه، دارای حسن‌ظن و شفافیت در مواجهه با مسائل پیچیده، مستدل در انتخاب ملاک، تأکیدکننده بر پژوهش و جست‌وجو، و نیز پشتکار تا حصول به نتیجه، ترکیب بسط مهارت‌های تفکر انتقادی با پرورش چنین گرایش‌هایی، مبنایی برای ایجاد جامعه دموکراتیک و عقلانی است.

پژوهش مورد نظر در مورد «رشته مطالعات اجتماعی مراکز تربیت معلم ایران از منظر اندیشه انتقادی»، به کوشش ناصر نوشادی، دانشجوی دکترای برنامه‌ریزی درسی دانشگاه شیراز و دکتر محسن خادمی، عضو هیئت علمی این دانشگاه، با مطالعه برنامه درسی مطالعات اجتماعی و تحقیق میدانی از ۳۳ مدرس و ۳۱۳ دانشجو، از مراکز گوناگون در چهار استان فارس، بوشهر، هرمزگان و اصفهان صورت گرفته است. پژوهشگران در چکیده گزارش خود چنین بیان کرده‌اند:

«یافته‌ها حاکی از ضعف دانشجویان و مدرسان رشته مطالعات اجتماعی مراکز تربیت معلم ایران در نمره کل گرایش‌ها و مهارت‌های تفکر انتقادی و زیرمقیاس‌های مربوطه بود».

این دو پژوهشگر در پایان نیز نکات مهمی را به شرح زیر آورده‌اند:

۱. تحلیل محتوای کتاب‌های تخصصی رشته مطالعات اجتماعی، نشانگر عدم ارتباط معنادار بین گرایش‌ها و مهارت‌های تفکر انتقادی با کتاب‌های یاد شده است.

۲. مدرسان، دانشجویان و کتاب‌های درسی رشته مطالعات اجتماعی مراکز تربیت معلم ایران (در این پژوهش)، همگی با اندیشه انتقادی بیگانه بودند؛ حال آن‌که فلسفه و هدف رشته مطالعات



■ یافته‌ها حاکی
از ضعف دانشجویان
و مدرسان رشته
مطالعات اجتماعی
مراکز تربیت معلم
ایران در نمره کل
گرایش‌ها و مهارت‌های
تفکر انتقادی و زیر
مقیاس‌های مربوطه
بود



اجتماعی، اندیشه انتقادی است.

۳. نکته قابل تأمل این که نقطه حساس تدریس و یادگیری اندیشه انتقادی (برای دانش آموزان) دوره راهنمایی تحصیلی است، اما معلمانی که برای این دوره تربیت می‌شوند، خود کوچک‌ترین نشانه‌ای از اندیشه انتقادی ندارند. نتیجه این که رشته مطالعات اجتماعی تربیت معلم، به بخشی از راه حل که خود به عنوان بخشی از مشکل باید مورد توجه قرار گیرد، بی‌اعتناست. اگر به دنبال پرورش اندیشه انتقادی هستیم، در وهله اول باید سراغ متولی اصلی آن، یعنی رشته مطالعات اجتماعی مراکز تربیت معلم برویم.

۲. اضطراب رایانه چیست؟

اضطراب رایانه^۱ اصطلاحی است که در کشور ما هنوز چندان مطرح نیست، اما در بسیاری از کشورها، به‌ویژه برای اهل فن، کاملاً شناخته شده است. ما پیرامون خود می‌توانیم افراد بسیاری را مشاهده کنیم که به رایانه هم‌چون جعبه‌ای جادویی نگاه می‌کنند و از نزدیک شدن به آن پروا دارند. این امر در مورد عامه مردم که کاری با این دستگاه ندارند، چیز غریبی نیست، ولی اضطراب رایانه در دانش آموزان موضوعی است که از آن نمی‌توان گذشت. در پژوهشی که با عنوان «بررسی رابطه اضطراب رایانه دانش آموزان دوره متوسطه با رشته تحصیلی، جنسیت و پیشرفت درسی زبان انگلیسی»، انجام شده، نتایج قابل توجهی به دست آمده است که خلاصه آن را برای شما در این جا می‌آوریم.

«از پژوهش فوق‌الذکر چند نتیجه حاصل شده است:

۱. بین اضطراب رایانه و رشته تحصیلی دانش آموزان - در ایران - ارتباط معناداری وجود دارد. بدین ترتیب که میزان اضطراب رایانه

دانش آموزان ریاضی فیزیک در مقایسه با دانش آموزان رشته‌های دیگر کمتر است.

۲. در زمینه جنسیت، بین اضطراب رایانه و جنسیت، ارتباط معناداری وجود ندارد.

۳. میزان اضطراب رایانه دانش آموزان ایرانی (دختر و پسر) در مقایسه با میزان اضطراب رایانه افرادی که در تحقیقات دیگر [مثلاً کارمندان] مورد بررسی قرار گرفته‌اند، بسیار متفاوت است. در پژوهش حاضر، ۵۲/۵ درصد دانش آموزان ایرانی - کم یا زیاد - اضطراب رایانه دارند که نسبتاً زیاد است.

۴. رابطه معناداری بین پیشرفت درسی زبان انگلیسی و اضطراب رایانه مشاهده شده است.

دانش آموزانی که زبان انگلیسی آن‌ها بهتر است، اضطراب رایانه کمتری دارند. بر این اساس، پژوهشگران تحقیق فوق پیشنهاد داده‌اند که برای کاهش اضطراب رایانه در دانش آموزان، باید اقداماتی انجام گیرد که از آن جمله است: فراهم کردن فرصت بیشتر برای دانش آموزان در مدرسه تا از رایانه استفاده کنند، دادن تکالیف درسی که مستلزم استفاده از رایانه باشد (بویژه در رشته‌های علوم تجربی و علوم انسانی)، تقویت مهارت زبان انگلیسی و هدایت دانش آموزان به استفاده از رایانه در این زمینه، اختصاص درس رایانه در همه رشته‌ها، حتی رشته‌های علوم انسانی»

پی‌نوشت

1. Computer anxiety



مرتضی باقری
(۱۳۶۵)

معلم نمونه کشوری کردستان
مرتضی باقری دبیر تربیت بدنی است. مدرک کارشناسی ارشد تربیت بدنی دارد و از سال ۷۷ تاکنون در شهرستان زالگاه خود قروه خدمت می‌کند. وی علاوه بر فعالیت عملی و آموزشی، در زمینه نوشتن مقاله و انجام کارهای پژوهشی نیز فعال است که به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود:
- ارائه هشت مقاله به همایش‌های گوناگون و مجلات علمی تخصصی - اجرای شش طرح پژوهشی در شهرستان و استان
- کسب عنوان پژوهشگر و معلم پژوهنده برتر استان در سال‌های ۸۵ و ۸۸ نام برده در چندین کنفرانس و همایش نیز به ایراد سخنرانی پرداخته است.

کوتاه درباره انگیزش

حسین باقری
آموزگار - شهرستان دیو

تقویت کنجکاوی، جست و جوگری و میل به اکتشاف

محرك‌هایی که تازه، پیچیده و شگفت‌انگیز باشند، میزان انگیزش را در شاگردان بالایی می‌برند. چنین محرك‌هایی باعث نوعی تعارض ذهنی در شاگرد می‌شوند که نتیجه آن افزایش انگیزش برای رفع این تعارض است، برای مثال: شگفتی در برابر مشاهده آزمایش انبساط اجسام بر اثر حوادث گلوله‌ای فلزی از داخل یک حلقه فلزی می‌گذرد، حال اگر گلوله را گرم کنیم، دیگر از حلقه نمی‌گذرد. در این گونه موارد، نوعی کنجکاوی ادراکی ایجاد می‌شود. انگیزش تازمانی ادامه می‌یابد که یا تعارض حل شود، یا شاگرد از به دست آوردن جواب خسته و ناامید شود. بنابراین، باید در نظر داشت که مسائل چنان مشکل نباشد که شاگرد از به دست آوردن جواب ناامید شود.

استفاده از نمایش و بازی در آموزش مطالب درسی

بازی‌ها و نمایش‌ها شاگردان را برمی‌انگیزند، تعادل را افزایش می‌دهند، تصاویر روشنی از واقعیات زندگی در برابر شاگردان قرار می‌دهند و سبب می‌شوند که شاگردان، خود در یادگیری مستقیماً شرکت جویند. بسیاری از درس‌ها را می‌توان به صورت نمایش درآورد. مثلاً برای آن که شاگردان بیاموزند یک سازمان چگونه اداره می‌شود، می‌توان آن‌ها را به سمت‌های اداری منصوب کرد و از آنان خواست به مدت یک ساعت، سازمان تشکیل شده را اداره کنند.

درک روابط قدرت بین معلم و شاگرد

قدرت اجتماعی می‌تواند به شکل‌های متفاوتی چون قدرت پاداش دادن، قدرت اجرایی، قدرت قانونی، قدرت سرمشق بودن و قدرت تخصص و کارایی خودنمایی کند. منظور از قدرت پاداش، داشتن قدرت کنترل در پاداش دادن به دیگران است. این قدرت را می‌توان در روابط بین رئیس و مرئوس، شاگرد و معلم، پدر و مادر و فرزندان مشاهده کرد. در تمام این موارد، شخص می‌تواند دیگران را با اضافه حقوق، نمره و صحبت کردن، پاداش دهد.

قدرت اجرایی در حقیقت همان قدرت تنبیه است. قدرت قانونی، مبتنی بر قوانین، مقررات و رسوم اجتماعی است که براساس آن‌ها، فردی امکان می‌یابد تا بر رفتار اشخاص دیگر نظارت کند.

تجزیه و تحلیل این قدرت‌ها نشان می‌دهد که فرد می‌تواند با استفاده از قدرت سرمشق، رفتار شاگردان را تحت تأثیر قرار دهد.

شناخت روابط قدرت در کلاس به معلم امکان می‌دهد تا با استفاده صحیح و به موقع از قدرت‌های خود، انگیزش شاگردان را در جهت مطلوب و مورد نظر هدایت کند. مثلاً اطلاع دقیق و عمیق معلم از موضوع درسی، نقش مهمی در بالا بردن انگیزش شاگردان در کلاس دارد.

هم چنین استفاده از تشویق‌های بجا و مناسب، اعم از لفظی یا غیرلفظی، روش مناسبی برای بالا بردن انگیزش درسی شاگردان است.

تشویق لفظی یا کلامی

در بسیاری از موارد، حتی تشویق نقدی هم به اندازه تشویق لفظی معلم در برانگیختن شاگرد مؤثر نیست. گفتن کلمات ساده‌ای نظیر خیلی خوب! عالی! آفرین! که به دنبال پاسخ درست با رفتار مطلوب شاگرد می‌آیند، وسیله بسیار مؤثری در افزایش انگیزش شاگردان است. تشویق لفظی در واقع ساده‌ترین و طبیعی‌ترین وسیله بالا بردن سطح انگیزش شاگردان است.

استفاده صحیح از آزمون و نمره در کلاس

در سال‌های اخیر، عده زیادی در مورد این که آیا وادار کردن شاگرد به یادگیری برای گرفتن نمره، ارزش بالقوه‌ای دارد یا نه، بحث بسیار کرده‌اند.

گروهی که مخالف آزمون و نمره دادن‌اند، استدلال می‌کنند که آزمون گرفتن، یادگیرنده را از مسیر اصلی یادگیری منحرف می‌کند، باعث اضطراب او می‌شود، به ناکامی علاقه‌های او می‌انجامد و نظام ارزش‌های او را به هم می‌زند.

به نظر این گروه اگرچه تأثیر نمره در انگیزش یادگیری زیاد است، ولی یادگیری را از مسیر مطلوب خود منحرف می‌کند.

برعکس، مدافعان سنجش و ارزش‌یابی معتقدند، ارزش‌یابی و نمره دادن که وسیله ارزش‌یابی است، واقعیتی غیرقابل اجتناب است. ما نمی‌توانیم ارزش و اهمیت چیزی را بدون دادن نمره یا ارزشی به آن، دریابیم. بعضی آزمایش‌ها نشان داده‌اند که امتحانات متعدد سبب می‌شود شاگردانی که چندین بار امتحان داده‌اند، انگیزش بالایی پیداکنند و موفقیت تحصیلی بیشتری به دست آورند.

تغییر شرایط محیط آموزش

باید مشارکت شاگردان را در یادگیری مطالب درسی تقویت کرد. عوامل یا حوادثی که این شرکت کردن را ناخوشایند می‌سازند، باید به حداقل کاهش یابند. برخی از عوامل ناخوشایند عبارت‌اند از:

- ناراحتی جسمی ناشی از نشستن در کلاس به مدت طولانی یا دشواری دیدن تخته سیاه؛
- مجبور بودن به یادگیری مطالبی که بالاتر از سطح درک و استعداد آن‌ها باشد.

- نبود بازخوردهای به موقع در کلاس.
- قرار گرفتن شاگرد در کلاسی که دیگر شاگردان آن از نظر استعداد در سطح پایین‌تری قرار دارند.

مقالات

کلیدواژه‌ها:
تشویق، مشارکت،
محرك، بازی و
نمایش

انجام کارهای غیرمنتظره در کلاس

تغییر روش معمول و عادی معلم در کلاس، ممکن است عاملی برای برانگیختن شاگردان باشد. مثلاً معلم می‌تواند ناگهان به پنجه‌ها پیشنهاد کند که از کلاس بیرون بروند و درس را در هوای آزاد و خارج از کلاس ادامه دهند.

فکر می‌کنید

تهیه کننده: جابر بدرگر
مدیر دبستان، شهید فیاض بخش، ناحیه یک شیراز

معلم کارآمدی هستید؟

۱. معلمان کارآمد اهل مطالعه‌اند و با دانایی وارد کلاس می‌شوند.

۲. معلمان کارآمد از آغاز تدریس رابطه خوبی با دانش‌آموزان برقرار می‌سازند و دانش‌آموزان آن‌ها را معلمانی صمیمی و قابل اعتماد می‌دانند. این معلمان به جای رقابت، بر همکاری و مشارکت که یادگیری را برای دانش‌آموزان در پی دارد، تأکید می‌کنند.

۳. هدف کلی معلمان کارآمد، بهبود رابطه بین دانش‌آموزان و رشد دائمی عزت نفس در آن‌هاست.

۴. مهارت افزایش انگیزش در دانش‌آموزان، یکی از نشانه‌های معلمان کارآمد است.

۵. رشد خودپنداره مثبت در دانش‌آموزان که موجب افزایش انگیزه آن‌ها در کلاس درس برای کسب موفقیت می‌شود، از دیگر نشانه‌های این معلمان است.

۶. معلمان کارآمد تدریس خود را با سطح علمی دانش‌آموزان متناسب می‌کنند و هر جا که لازم باشد، به آموزش انفرادی روی می‌آورند. این معلمان اوقات خود را صرف یاددهی - یادگیری و بر پرورش قوه تفکر در دانش‌آموزان تأکید می‌کنند. بدین منظور، می‌کوشند از عملکرد تفکر (شناخت) در انسان اطلاع داشته باشند، زیرا مفهوم یادگیری معنادار بویژه برای رشد قوه فکری دانش‌آموزان، حائز اهمیت است.

۷. معلمان کارآمد به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان از لحاظ چگونگی تفکر حساس‌اند و در این باره آموزش‌های لازم را می‌دهند.

۸. این معلمان به اهمیت حل مسئله در زندگی توجه دارند و در برنامه‌های درسی، بر کسب مهارت حل مسئله به اشکال گوناگون تأکید می‌کنند.

۹. معلمان کارآمد تفکر خلاق را در دانش‌آموزان پرورش می‌دهند؛ آنان از شرایطی که به تفکر خلاق منجر می‌شود، درک درستی دارند و فرایند یادگیری را به نحوی سازمان‌دهی می‌کنند که به پرورش خلاقیت منجر می‌شود.

۱۰. این معلمان به تقویت مهارت‌های اجتماعی توجه خاصی دارند و با تلاش فراوان، دانش‌آموزان را یک شهروند خوب باور می‌آورند و مهربانی، دوستی، فداکاری، کمک به دیگران، رعایت نظافت و... را در وجود آن‌ها نهادینه می‌کنند.

آیا دانش‌آموز خلاق می‌خواهید؟

حل خلاقانه مسئله دو شاخص دارد:

۱. نوآوری (غیرمعمول بودن آن)

۲. ارزش یا اعتبار (متناسب بودن آن با شرایط کار)

تورنس (۱۹۸۸) یکی از دانشمندان معروف در رشته

خلاقیت است که بیشتر حیات علمی خود را صرف طراحی روش‌های کسب خلاقیت در کلاس درس کرده است. توصیه‌های تورنس به معلمان عبارت‌اند از:

۱. سؤالات عجیب و غریب دانش‌آموزان را جدی بگیرید.

دانش‌آموزانی که سؤالات خلاقانه می‌کنند، ممکن است شما را دچار حیرت کنند. بسیاری اوقات به دانش‌آموزانی که سؤالات غیرعادی می‌کنند، گفته می‌شود: «ساکت باش! وقت سؤال کردن نیست! این قدر تند نرو...»

چنین برخوردی باعث می‌شود آن‌ها دیگر سؤال نپرسند و ذهنشان شکوفا نشود. پس با تشویق آنان به پرسیدن، زمینه بروز خلاقیت را در آن‌ها فراهم کنید. اگر تعدادی دانش‌آموز را به هنگام حل مسئله زیر نظر بگیرید، دیر یا زود راه‌حل‌های متفاوت، غیرمتعارف و حتی عجیب و غریب آن‌ها را برای حل مسائل درمی‌یابیم. اگر این راه‌حل‌ها با وجود غیرعادی بودن، به نتایج پذیرفتنی بینجامد، خلاقانه است. در غیر این صورت، آن‌ها را راهنمایی کنید.

۲. در همه فکرها نکات مثبت را بیابید.

به فکرها و سؤالات بچه‌ها، برجسب احمقانه، بد و نامربوط نزنید. این کار باعث می‌شود دانش‌آموز از مطرح کردن سؤالات بهتر هم بپرهیزد. نکات مثبت سؤال را بیان و دانش‌آموز را تشویق کنید و نکات بی‌ربط را به فکر و اصلاح واگذار کنید.

۳. به طور منظم به خلاقیت دانش‌آموزان پاداش دهید.

پاداش به فعالیت‌های خلاقانه، به بروز خلاقیت بیشتری می‌انجامد. البته از انواع پاداش (لفظی، مسئولیتی و مادی) استفاده کنید.

۴. از دانش‌آموزان خلاقیت بخواهید و آن را به عنوان بخشی از عملکرد علمی‌شان منظور کنید تا خلاقیت بیشتری از خود نشان دهند.

۵. به خلاقیت امتیاز خاص دهید.

با توجه به نقش فرایند ذهنی در تولید خلاقیت، نیازاست به افراد خلاق امتیاز ویژه دهید تا تشویق شوند و به کار خود اهمیت بدهند.

۶. برای رفتارهای خلاق الگو معرفی کنید.

دانش‌آموزانی که «الگو» برای خلاقیت دارند، نسبت به کسانی که این الگو را ندارند، خلاقانه‌تر عمل می‌کنند. شما می‌توانید افراد خلاق را که می‌شناسید معرفی و یا به کلاس دعوت کنید تا الگوی دانش‌آموزان شوند.

منبع

روان‌شناسی تربیتی، جان ای گلارو، ترجمه علینقی خرازی، بخش ۶

علی اکبر رئوف

حجت الاسلام سید علی محمد وزیری، یکی از مفخر معاصر شهرستان و استان یزد است که به واسطه احداث کتابخانه معروف وزیری و تعمیر مسجد جامع کبیر یزد شهرت دارد. آن مرحوم مدرسه نیز تأسیس می کرد و از این رهگذر خدمات زیادی به توسعه دانش جدید در یزد نمود. شرح زندگی و خاطرات وزیری در کتابی به



اسطوره خاطره های ماندگار
وزیری

نام «وزیری، اسطوره خاطره های ماندگار» به قلم حبیب الله مهرنیا (قم- ۱۳۸۵) منتشر شده که بسیار خواندنی است. آن چه در این جامی خوانید نوشته های علی اکبر رئوف است که از این کتاب انتخاب کرده ایم. رشد

من در ۲۲ دی ماه ۱۳۱۱ مصادف با نیمه ماه مبارک رمضان ولادت امام حسن مجتبی (ع) به دنیا آمدم. در چهار سالگی رفته ملا برای یاد گرفتن قرآن. مادر من هم ملای قرآن بود، ولی مرا فرستاده بودند جایی دیگر.

پس از مدتی چون یک مدرسه ملی نزدیک منزل ما بود، من را فرستادند به این مدرسه. مدیر مدرسه یک روحانی بود به نام [...]. که همیشه یک شلاق دستش بود تا بچه ها را تنبیه کند. چون من تنها فرزند خانواده بودم و خواهر و برادری نداشتم و مادرم خیلی مرا دوست می داشت، برای این که شلاق نخورم، نگذاشت که به این مدرسه بروم.

بعد یک خانه ای بود که سه تا پسر زن ملا داشت، مرا فرستاد آن جا. واقعیت این که کتاب های روز را هم درس می دادند. من در آن جا معراج السعاده و سعدی و حافظ خواندم تا ده سالم شد.

بعد دیگر رفتم مدرسه تا هیجده سالم شد. در این موقع یکی از دوستان گفت بیا در ماه اردیبهشت امتحان تصدیق ششم را بده. من هم رفتم امتحان دادم و قبول شدم. سال بعد سه کلاس اول و دوم و سوم را متفرقه امتحان دادم. سال بعد هم دیپلم را امتحان دادم و در سال ۱۳۲۹ استخدام شدم در همان مدرسه ای که شلاق می زدند! دو سال بعد هم استخدام دولتی شدم.

بعد در سال ۱۳۳۴، یعنی اولین سال تأسیس مدارس حاج آقا وزیری، مأمور شدم به مدرسه ملی ایشان. البته ایشان رفت و آمد کرده بودند و من را شناخته بودند که آوردند پیش خودشان.

از تیر ماه سال ۵۹ بنا به پیشنهاد شهید رجایی و شهید صدوقی، مدیر کل آموزش و پرورش استان یزد شدم و بودم تا این که در سال ۶۴ بازنشست شدم. بعد دوباره برگشتم به مدارس اسلامی که از آن موقع تا حال، هم چنان مدیریت این مدارس را که الان با نام

ادامه از صفحه ۳۵

در چنین حالی می توان نیروگاه هایی عظیم، متشکل از تعداد زیادی باتری های خورشیدی را در نظر مجسم کرد که مناطق بزرگی از زمین را که تابش نور خورشید در آن جا دائمی تر است، پوشانده باشند. این مناطق همان صحرای خالی از سکنه هستند که در آن ها نور خورشید، شن ها و سنگ ها را بدون هزینه ای گرم می کند.

تقریباً ۲۰ میلیون کیلومتر مربع از سطح زمین به صورت صحرای سوزان آفتاب خورده است. صحرای آفریقا به تنهایی به بزرگی ایالات متحده آمریکا است. باتری های خورشیدی با کارایی فقط ۱۰ درصد، به ۷۷ هزار کیلومتر مربع نور خورشید (فقط ۰/۰۰۴ سطح صحرای زمین) نیاز دارند تا نیازهای کنونی انرژی جهان را تأمین کنند. در کشورهای متحده آمریکا، قسمت های وسیعی از مناطق جنوب غربی می تواند به عنوان منبع انرژی خورشیدی مورد استفاده قرار گیرد.

طبیعی است که این کار به سرمایه گذاری زیاد اولیه ای نیاز دارد و برخلاف انتظار، کشورهای تولید کننده هستند که باید در این راه پیش قدم شوند. در زمان حال، این کشورها هستند که ثروت جهان را در مقابل نفتی که مالک آن هستند، جمع آوری می کنند.

یقیناً کشورهای خاور میانه به خوبی آگاه هستند که نفت آن ها یک منبع تمام شدنی است. وانگهی، سرزمین آن ها قسمت های وسیعی از صحرای آفتاب کره زمین را در بر می گیرد که در آینده، این صحرای می تواند از مراکز مهم تولید انرژی خورشیدی باشند.

شاید ساختن نیروگاه در صحرای زمین مطلوب ترین راه حل نباشد. جو زمین بیش از نیمی از انرژی خورشیدی را، قبل از رسیدن به زمین، مجدداً به فضا منعکس می سازد، و قسمتی از مقدار باقی مانده را خودش جذب می کند. از طرف دیگر، صحرای نیز طوفان های شنی مخصوص به خود را دارند و می توانند در معرض زمین لرزه های ویران کننده قرار گیرند.

در این حال پیشنهادهایی وجود دارد مبنی بر این که می توان روزی دستگاه های جمع کننده نیرو را به طور کامل از روی سطح زمین پرتاب کرد و به صورت ماهواره های نیروی خورشیدی مداری در آورد. این ماهواره ها خواهند توانست نور خورشید را، بدون این که شب انقطاعی در آن ایجاد کند و هم چنین بدون تلف شدن نیرو، به وسیله جو زمین جذب کنند. انرژی جذب شده به این راه را می توان به صورت کهموج ها^۱ (مانند امواجی که در رادار استفاده می شوند) به سطح زمین تاباند و در سطح زمین به وسیله آنتن های عظیم دریافت کرد.

این موضوع ما را دوباره به داستان تخیلی علمی که من یک سوم قرن پیش نوشتم، باز می گرداند. یک سوم قرن دیگر، کسی چه می داند که ما سرگرم انجام دادن چه کارهایی خواهیم بود؟

پی نوشت

1. Microwaves

* ایزاک آسیمواف (اسحاق عاصم اف) دانشمند و نویسنده ای آمریکایی و روسی الاصل بود که در سال ۱۹۹۲ م درگذشت. از او کتاب های علمی و علمی تخیلی بسیاری منتشر شده که پاره ای از آن ها به فارسی نیز ترجمه و نشر گردیده است. به نظر می رسد، آسیمواف این مقاله را در نیمه دوم قرن بیستم نوشته است؛ زمانی که تولید انرژی خورشیدی هنوز دوران نوزادی خود را طی می کرد و البته هنوز هم بعید است به دوره بلوغ رسیده باشد.

مجتمع سیدالشهدا (ع) مشهور است، به عهده دارم.

اما اولین مدرسه‌ای را که حاج آقا وزیر تأسیس کرد، دبستانی بود با نام **جامعه تعلیمات اسلامی**، در منزلی اجاره‌ای واقع در لب خندق. از طرفی خود مدرسه مخروبه بود و از طرفی هم حداقل امکانات را داشت. یعنی وضع طوری بود که مثلاً صندلی‌های مؤسسه را یک هفته این طرف بازار عاریه می‌داد و هفته بعد آن طرف بازار. از بابت میز و نیمکت و غیره هم امکانات خیلی نازل بود. با وجود این، در سال اول ۹۶ شاگرد ثبت‌نام کردند.

سال بعد مدرسه منتقل شد به خانه‌ای در محله گازرگاه که بنا به درخواست حاج آقا وزیر، مرحوم رضائی، وقف این کار کرده بود. این منزل هم قدیمی بود، ولی نسبت به اولی خیلی بهتر بود. تنها مشکل آن، نداشتن راه به خیابان بود که آن هم با پی گیری آقای وزیر حل شد و مدرسه به خیابان راه یافت.

سپس حاج آقا وزیر مدرسه افشار را که در نزدیکی مسجد جامع بود، به دبیرستان تبدیل کردند. اما چون ساختمان این جا هم خراب بود، لذا دبیرستان را منتقل کردند به مدرسه مروّج در پشت میدان امیر حَقماق و بعد هم آن خانه را دادند به آستان قدس رضوی. یک خانه‌ای را هم آقای غلامحسین زرگران که خدا رحمتش کند، اهدا کرد که در پشت میدان مجاهدین واقع است و الآن هم در دست ما است. البته بعد از دولتی شدن، افتاد دست دولت، ولی مالکیتش با جامعه تعلیمات اسلامی است.

تسا وقتی که حاج آقا فوت کردند، مدارس دبستان رضائی، راهنمایی رضائی و دبیرستان زرگران در اختیار ایشان بود. ده سال پس از تأسیس مدارس تعلیمات اسلامی، دوران شکوفایی این مدارس شروع شد. زیرا حالا دیگر محصول این مدارس به بازار عرضه شده بود و مردم متوجه شده بودند که به جهت عشق به کار و دل‌سوزی و علاقه‌مندی حاج آقا وزیر چه کار بزرگی انجام شده است. شاگردان این مدارس شخصیت بالایی داشتند. مثلاً فراوانند اشخاصی مثل مهندس بیطرف [وزیر اسبق نیرو] و دکتر دوست حسینی که از این مدارس برخاسته‌اند.

فوق این مدارس با سایر مدارس دولتی در این بود که از جهت بالا بردن سطح علمی دانش‌آموزان تلاش بیشتری می‌شد؛ دوم این که مسائل اعتقادی آموزش داده می‌شد؛ سوم این که جلسات قرآنی برگزار می‌گردید و چهارم این که به وسیله یک روحانی، نماز جماعت برپا می‌شد و پنجم این که به وسیله کسانی که در این مدارس کار می‌کردند و روحانیتی که رفت‌وآمد داشتند و بویژه توسط خود حاج آقا وزیر، خلق و اسوه و الگوی رفتاری مناسب، عملاً نشان داده می‌شد.

از نظر حقوق، بخشی از معلمان مأمور آموزش و پرورش بودند و از آن جا حقوق می‌گرفتند، اما حاج آقا هم به بهانه‌های مختلف به آن‌ها پاداش می‌داد. ولی حقوق بخش عمده‌ای از معلمان و روحانیان و کارکنان یا از محل شهریه دریافتی از شاگردان تأمین می‌شد و یا خود حاج آقا وزیر از محل کمک‌های مردمی می‌پرداخت.

و اما حاج آقا وقتی تشریف می‌آوردند مدرسه، یک کاری را برای فردا می‌فرمودند، یک کاری را برای میان مدت و یک کاری را هم دراز مدت. یعنی علاوه بر این که مشکل روزمرگی ما را حل می‌کردند، در کنارش توجه ما را به مسائل میان مدت و دراز مدت هم جلب می‌نمودند. این طور نبود که ما برنامه‌ای برای مدارس داشته باشیم و بگوییم که خوب، حالا یک جوری می‌گذرد. وادارمان می‌کرد که برای سال دیگر و برای پنج سال دیگر هم فکر کنیم و برنامه‌ریزی‌یم.

نسبت به شاگردان و معلمان و کارکنان دل‌سوزی داشتند که شاید الآن باور نکردنی باشد. مثلاً دستور داده بود لنگ و کیسه و

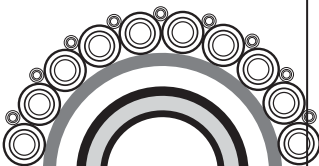


دیگر امکانات تهیه کرده بودند و روزی پنج شش نفر از شاگردان را می‌فرستادند حمام. مدرسه که می‌آمدند، با شاگردان صحبت می‌کردند، با معلمان صحبت می‌کردند. یکی خانه نداشت، کمک می‌کردند خانه داشته باشد؛ یک کسی نمی‌توانست داماد شود، کمک می‌کردند داماد بشود و یک کسی دامادی خواست، برای او داماد پیدا می‌کردند و بعضی عقد می‌خواستند بکنند، می‌رفتند عقد می‌کردند. در اثنای این فعالیت‌های مردمی، البته گاهی مواقع هم اتفاقات جالبی می‌افتاد. مثلاً یک پسری را دیدیم که حاج آقا فرمودند: «چرا داماد نمی‌شوی؟» گفت: «آخر نمی‌توانم دختری پیدا کنم.» حاج آقا فرمودند: «من کمکت می‌کنم.» بعد یک کسی را برایش پیدا نمودند و دامادش کردند. دو سه روز بعد پدرزنش آمد و گفت: «این‌ها اختلاف پیدا کرده‌اند و با هم دیگر قهر نموده‌اند.» سر شب رفتیم منزلشان و تا آخر شب، حاج آقا با عروس و داماد صحبت می‌کرد تا اختلافشان را برطرف کند و آخرش هم آن‌ها را آشتی داد و برگشتیم، باز فردا... خوب، بالاخره این مرد بزرگ از میان ما رخت بریست و ما را تنها گذاشت و همان‌طور که گفتم، پس از فوت ایشان، موجی از اضطراب و التهاب جامعه [یزد] را فرا گرفت.

در آن موقع من به جای این که دست روی دست بگذارم و گریه و زاری کنم، از این التهاب و اضطراب استفاده کردم و نگذاشتم زحمات حاج آقا وزیر در تأسیس مدارس تعلیمات اسلامی هدر برود. حاج آقا قبلاً زمینی را دیده بودند و در نظر گرفته بودند که ساختمان‌های مدارس اسلامی در این جا ساخته شود. بعد از فوت ایشان، عده‌ای را جمع کردم و گفتم: همان‌طور که آرزوی حاج آقا بود، می‌خواهم کمک کنید تا به نام حاج آقا وزیر این زمین را بخریم و مدرسه بسازیم. عده‌ای در همان‌جا زمین داشتند، زمین خود را اهدا کردند. عده‌ای کمک کردند و پول دادند تا توانستیم بقیه زمین‌ها را بخریم. بعد، از بزرگان و خیرمندان و علاقه‌مندان حاج آقا وزیر کمک گرفتیم و ساختمان مدارس را احداث کردیم.

یک روز در جاده بین یزد و یکی از ییلاقات، دیدم شخصی ماشینی خراب شده و با همسرش پیاده در حال رفتن هستند. ایستادم و سوارشان کردم. کمی با هم صحبت کردیم و من مختصراً قضیه مدارس را گفتم و خواستم اگر می‌تواند ایشان هم کمکی بکنند. از قضا این شخص تبدیل به بزرگ‌ترین حامی این مدارس شد و چندین مدرسه را ایشان ساخت. ضمناً خود ایشان چند بانی دیگر هم برای مدرسه پیدا کرد.

کم کم این جا را ساختیم، صفائیه را، مه‌رین را و ده بالا را. الآن چهار مجتمع داریم که هیجده مدرسه را شامل می‌شود. ۴۵۰۰ نفر شاگرد داریم، ۶۵۰ نفر معلم و کارمند داریم، کارخانه‌ای را در حال ساخت داریم که پشتیبانی مالی از مدارس بکند، تعاونی مصرف داریم و امکانات رفاهی دیگر.



حسن غضفریان

دبیر ریاضی خیرمدرسه‌ساز،
زنجان

حاج حسن غضفریان دبیر ریاضی مدارس زنجان بوده و در سال ۱۳۷۲ بازنشسته شده است. وی اکنون ریاست مجمع خیرین مدرسه‌ساز استان زنجان را به عهده دارد و از این طریق خدمات خود را به فرهنگستان امام می‌دهد. غضفریان فرزندی به نام امیر اعلم داشت که در سال چهارم دبیرستان، مدال نقره المپیاد جهانی ریاضی را در کشور استرالیا دریافت کرد. سپس در دانشگاه صنعتی شریف در رشته برق تحصیل کرد و در ادامه مدرک دکترای خود را در این رشته از دانشگاه کسوفوراد آمریکا گرفت. متأسفانه وی بر اثر بیماری سرطان در سال ۷۷ درگذشت. حاج حسن غضفریان به یاد فرزند خود دکتر امیر اعلم غضفریان، مدرسه‌ای به مساحت ۲۵۰۰ متر با دو طبقه ساختمان احداث و آن را به آموزش و پرورش زنجان اهدا کرده به نام آن مرحوم نام‌گذاری شد.

تعبیر خنده!

حلیمه فارابی
دبیر ریاضی دوره راهنمایی شهرستان جیرفت

در کلاس مهممه برپا شد. همه بچه‌ها باهم شروع کردند به حرف زدن، تا این که یک نفر گفت: «خانم اجازه! سال گذشته معلم ریاضی همیشه فقط فاطمه را می آورد پای تخته و می گفت: شماها کند حل می کنید، وقت کلاس گرفته می شود. فاطمه هم سریع حل می کند و هم ریاضی اش از بقیه شما بهتر است. سال گذشته هر کدام از ما حداکثر یک بار و آن هم اوایل سال پای تخته رفتیم.» حالا معنی خنده روز اول دانش آموزان را می فهمیدم. خنده آن‌ها از روی تعجب بود. نمی دانستم چه بگویم. حق را به آن‌ها می دادم، ولی نمی خواستم پشت همکارم چیزی بگویم. گفتم: «بچه‌ها! پارسال هر طور که بوده، گذشته و تمام شده است. بیا باید در مورد کارهای امسال تصمیم بگیریم. من تمام شما را به اندازه هم در تمرین حل کردن و پرسیدن شرکت می دهم. بچه‌ها از خوش حالی هورا کشیدند.

✱

بیا باید به تمام دانش آموزان کلاس‌مان اهمیت بدهیم تا هیچ کدام احساس تبعیض و بیهودگی نکنند. در این صورت، هم اعتماد به نفس دانش آموزان را تقویت کرده‌ایم و هم خودمان از درس نتیجه بهتری می گیریم.

اوایل مهر بود. به مدرسه جدیدی منتقل شده بودم. جلسه اول که وارد کلاس سال سوم‌ها شدم، بیشتر به معرفی خودم به دانش آموزان و آشنایی با آن‌ها گذشت. از جلسات بعد درس را شروع کردم. نوبت به تمرین حل کردن که رسید، از روی دفتر کلاسی، نام دانش آموزی را صدا زدم تا کنار تخته بیاید.

متوجه شدم بقیه دانش آموزان زیر لبی خندیدند. به روی خودم نیاوردم. تمرین اول را خواندم تا آن را حل کند. بعد از کلی من و من... نتوانست پاسخ سؤال را بگوید. دوباره درس جلسه قبل را به طور خلاصه و با آرامش برایش توضیح دادم و کمکش کردم تا بالاخره دست و پا شکسته تمرین را حل کرد.

در جلسات بعد، سعی کردم تمام دانش آموزان پای تخته بیایند و کسی از قلم نیفتد.

یک روز اسم زهرا را صدا زدم. با خوش حالی پای تخته آمد و گفت: «خانم اجازه! من از پارسال تا حالا اولین بار است که پای تخته می آیم. بالاخره آرزویم برآورده شد!

با تعجب پرسیدم: «مگر سال گذشته تمرین حل نمی کردید؟!»

گفت: «چرا خانم.»

گفتم: «پس چه طور در طول سال تحصیلی حتی یک بار هم نوبت شما نشده است؟»

خاطره‌ها و تجربه‌ها

است! باز هم ۱۲ را به همان گویش پدری خواندم! این بار پس از خنده بچه‌ها، چوب ترکه معلم را در پشت گردن خود حس کردم. پرسیدم: «مگر چه کار کردم؟!»

معلم فرمود: «تو که شیطان نبودی ۱۲ را این گونه می خوانند؟» گفتم: «به خدا پدرم هم این طوری می خواند!»

گفت: «پلرت بی خود کرده است... و مرا روانه نیمکت کرد!

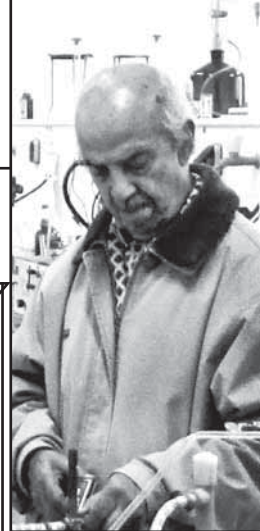
سال ۱۳۳۷، کلاس دوم دبستان ۲۱ آذر تهران نو - شهر تهران خانم معلم مرا صدا زد که شعر ۱۲ ماه را در مقابل هم کلاسی‌ها بخوانم. پدرم که این شعر را خیلی دوست داشت، در منزل با من همراه می شد و آن را دایم زمزمه می کرد. البته چون پدرم با لهجه و تلفظ سنتی و خودمانی، عدد ۱۲ را «دووازه» می خواند، من تصور می کردم همین درست است! من هم آن روز در جمع بچه‌ها، شعر را با همان تلفظ پدری شروع کردم. بچه‌ها همگی زدند زیر خنده. خانم معلم برافروخته شد و گفت درست بخوان! گفتم چشم، ولی نمی دانستم کجای آن غلط

دوازده ماه و چوب معلم!

مرتضی طاهری
کارشناس آموزش پیش دبستان



جعفر شیخ الاسلامی
دبیر بازنشسته و رئیس
اسبق انجمن معلمان
شیمی اصفهان



روایت سادۀ تاسیس

و متوجه اهمیت و ضرورت کار شد و دانست که ما در آنجا کارهای علمی، تجربی و پژوهشی انجام می‌دهیم و قصدمان واقعاً خدمت به معلمان است. طرح و پیشنهاد ما را پسندید و حدود چهارصد میلیون تومان برای این کار اختصاص داد. به‌زودی دانستیم که عامل این بخشش، مادر آقای پورقدیری [حاجیه‌خانم کلباسی] بوده است. خانم پورقدیری چون یکی از فرزندان خود را از دست داده بود، برای ترویج روح او در نظر داشت مدرسه‌ای به نامش بسازد. همان‌طور هم که می‌دانید و حتماً دیده‌اید، نام مرحوم پورقدیری بر سردر ورودی مرکز تحقیقات معلمان اصفهان نوشته شده است. خداوند او را غریق رحمت خود کند.

البته در ساخت بنا مشکلاتی به‌وجود آمد که باعث شد برای مدتی کار متوقف شود و به‌طور کلی با تأخیر زیاد به بهره‌برداری برسد؛ چون می‌خواستند بنا را روی زمین موقوفه مرحوم عطاءالملک (دهش) بسازند (و عده‌ای در شرعی بودن این کار تشکیک می‌کردند).

بالآخره گویا موضوع را از امام خمینی (ره) استفسار کردند و امام موافقت کردند که ساختمان روی همین زمین ساخته شود. در هر حال تأخیر، هزینه را خیلی بالا برد. ولی خوش‌بختانه آموزش و پرورش اصفهان خودش بودجه قابل توجهی روی آن گذاشت و بالآخره ساختمان را تمام کرد که سرانجام در سال ۸۷ با حضور وزیر وقت آموزش و پرورش - آقای علی احمدی - افتتاح شد. ساختمان بسیار مجلل و مناسبی است در خیابان شمس‌آبادی.

در این‌جا خوب است از شادروان دهش (عطاءالملک) یاد کنیم که ورثه او خانه‌اش را به آموزش و پرورش اهدا کردند و برای نخستین‌بار در ساختمان اصلی آن، موزه آموزش و پرورش استان اصفهان تشکیل شد که هنوز هم هست و در قسمتی از زمین آن هم همین مرکز تحقیقات را ساختند. عطاءالملک کسی است که در آلمان درس خوانده و مهندس شده بود و اولین کارخانه برق (توربین) را او در اصفهان به نام «کارخانه نور» تأسیس کرد و خلاصه باقیات‌الصالحاتی از خودش به‌جا گذاشت که همان «نور» است، و چه چیزی بهتر از این!

وقتی در سال ۱۳۵۷ انقلاب پیروز شد، از تهران دستوری آمد که برای ریاست آموزش و پرورش استان، معلمان از میان خودشان یک نفر را انتخاب و معرفی کنند تا ابلاغ او از تهران صادر شود. ما هم از فرهنگیان شهر دعوت کردیم و آقای حسن نیل‌فروشان را، البته پس از معرفی و تبلیغ و رأی‌گیری از معلمان و همکاران، انتخاب کردیم و ایشان شد مدیرکل آموزش و پرورش استان. آقای نیل‌فروشان که از دبیران برجسته و از دوستان خودمان بود و با نظر و رأی ما انتخاب شده بود و خواست قبلی ما را می‌دانست، در همان ابتدا مدرسه‌ای را در اختیارمان گذاشت تا آن را برای فعالیت‌های تحقیقاتی در نظر بگیریم. ما هم فوراً مدرسه را تصرف کردیم و تابلوی «مرکز تحقیقات معلمان اصفهان» را بر سردر آن زدیم. محلی بود در خیابان سیدعلی‌خان، نزدیک خیابان چهارباغ، شروع به کار کردیم و چند سالی آن‌جا بودیم. مدیران کل بعدی که آمدند، چند نفرشان با بودن چنین مرکزی موافق نبودند و بدشان نمی‌آمد آن را منحل و به مدرسه تبدیل کنند، ولی نتوانستند. البته چند نفر از مدیران کل بعدی هم برعکس، همکاری‌های خوبی داشتند. به هر حال، بعداً ما را منتقل کردند به ساختمان دیگری در کوچه حسن‌آباد، نزدیک چهارراه نقاشی در مدرسه حاتم‌بیک. در آن‌جا وضعیت بهتری داشتیم؛ مثلاً کتابخانه‌ای با هشتاد هزار جلد کتاب در آن‌جا بود.

با این حال، ما نیازمند ساختمان مناسب‌تری بودیم که خاص مرکز تحقیقات باشد؛ یعنی کلاس، آزمایشگاه، کتابخانه و دیگر امکانات به اندازه کافی داشته باشد. این وضعیت بود، تا این‌که روزی یکی از دوستان ما آمد و گفت شخصی آمده است و می‌خواهد یک واحد آموزشی برای آموزش و پرورش بسازد. در واقع شخص خیری پیدا شده بود برای ساختن مدرسه. ایشان آقای پورقدیری نام داشت.

ما به فکر افتادیم که این کار خیر یا آن شخص خیر، یعنی آقای پورقدیری را به طرف ساختن مرکز تحقیقات معلمان هدایت کنیم. این بود که رفتیم با او مذاکره کردیم و پیش‌نهاد کردیم که هزینه ساخت مرکز تحقیقات را تقبل کند. ایشان آمد و محل کار ما را دید

خواستیم کاری کرده باشیم، ولی ناشی بودیم و خیلی از کاسه و کوزه‌های قدیمی و سنتی را ندانسته شکستیم. هر روز تجهیزاتی نو مثل مانیتورهای ال‌سی‌دی، لپ‌تاپ‌های پایه‌دار، سیستم‌های کامپیوتری پیشرفته، سیستم‌های تصویری و... به خاطر چشم و هم چشمی، و این که مبادا از کلاس یا مدرسه دیگر عقب بمانیم! ولی به چه قیمتی؟! با خالی کردن جیب دانش‌آموز که می‌خواهیم وسایلی نو و جدید تهیه کنیم یا خالی کردن جیب بیت‌المال؛ و بعد هم مانیتورها را بچینیم و روکش بیندازیم که گرد نخورد و اگر کسی آمد ذوق کند که ما مدرسه‌ای مجهز داریم. البته ناگفته نماند که دوره و زمانه هم همین را می‌خواهد. هر روز مسابقه‌ای با عنوان‌های جدید: طرح درس با رویکرد فناوری، ارائه روش‌های جدید پیشرفته مناسب با بعد زمان با اسم‌های عجیب و غریب (مفهومی، استقرایی، بدیعه‌پردازی و...). گویا هر معلمی در مقاله‌اش از اسم‌های پیچیده استفاده کند، مفهوم جدیدی را گفته است و جای تشویق دارد! یا از طرف فلان مقام به فلان معلم لوح تقدیری به خاطر مقاله‌اش که در خصوص چگونگی تدریس با روش‌های سیستمی است اهدا شده است. خب مبارکش باشد. ما که مخالف و منکر پیشرفت نیستیم، یا حسرت لوح همکاران را نمی‌خوریم، ولی این پیشرفت به چه بهایی است؟ به نادیده گرفتن ارزش‌ها و به بوق و کرنا گذاشتن روش‌ها. آیا تقدیر به خاطر آموزش بوده یا آموزش و پرورش هر دو با هم؟ وقتی بچه بودیم پدرسالاری بود و حالا که پدر شدیم فرزندسالاری شده. وقتی دانش‌آموز بودیم معلم محوری بود و حالا که معلم شدیم دانش‌آموزمحوری شده! نه به آن شوری شور و نه به این بی‌نمکی، هر روز روشی جدید مد می‌شود. ما با پیشرفت در روش‌ها مخالف نیستیم. با تغییر در آرمان‌ها و ارزش‌ها و هدف‌ها مخالفیم. قبلاً که کلمه نان را با خمیربازی، لپ‌تاپ و دی‌تاشو آموزش نمی‌دادند، اگر دانش‌آموز نانی را روی زمین می‌دید، می‌بوسید و از زیر پا برمی‌داشت، ولی حالا چی؟ اگر امکانات نبود ارزش‌ها بیشتر حفظ می‌شد؛ چون آموزش را بیشتر روی ارزش‌ها متمرکز می‌کردند و دانش‌آموز با این تربیت در پیش پای معلم به احترامش برمی‌خاست و فرزند پایش را جلوی پدرش دراز نمی‌کرد. الان معلم را مشغول ظاهر کرده‌اند و وقت کلاس را می‌گیرند تا ظاهر کار معلمی عالی باشد. پوشه کار معلم را می‌بینند و از کار علمی و اخلاق دانش‌آموز غافل‌اند. پس بیایید راه‌حلی پیدا کنیم که روش و ارزش توأم با هم تدریس شود.

تخفیر در روش‌ها، نه در ارزش‌ها

شهربانو علیقلیان
آموزگار دبستان، چادگان

